

ماهنامه علمی، تحلیلی و خبری

سال چهارم - شماره شصت

دی ماه ۱۴۰۰

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

جهان معدن

Jahane Madan



«جهان معدن» در گفت و گو با کارشناسان، مهم ترین فرازهای

سخنان رهبری را در حوزه صنعت تحلیل کرد:

پی‌نوشتی مسروران به مائع زده‌ای

در بررسی نقش زنجیره فولاد در افزایش اشتغال و تولید مطرح شد:

رفع موانع کسب و کار کلید اشتغالزایی بخش معدن





محاورهای همایش:

- مولفه های ایمنی در طراحی بهینه معادن روباز و زیرزمینی.
- آخرین دستاوردها در ایمن سازی عملیات آتش باری معادن روباز.
- تکنولوژی های هوشمند و پوشیدنی در حوزه ایمنی و آتش نشانی.
- نرم افزار، اپلیکیشن و بازی های حوزه ایمنی و آتش نشانی.
- اقتصاد ایمنی، تجزیه و تحلیل هزینه و فایده.
- نقش و جایگاه تکنولوژی و متدولوژی های مدرن آموزش در ارتقای ایمنی.
- مدل های فرهنگ ایمنی و تجارب موفق.
- واکاوی قوانین و استانداردهای ایمنی.
- آخرین دست آوردها در سیستم های اعلام و اطفای حریق.
- مدیریت رویداد، تجزیه و تحلیل و درس آموزی از حوادث و شبه حوادث.
- مدیریت بحران و مهندسی رزلیانس (تاب آوری).
- ایمنی حمل و نقل و ماشین آلات معدنی.
- ایمنی نگهداری و تعمیرات (PM,RCM,...).
- ارزیابی ریسک فاکتورهای سلامت در ایمنی.
- طراحی ایمن دیوها و سدهای باطله.

کارگاه های همایش:

- ایمنی سدهای باطله و دیوسازی.
- آشنایی با قوانین حقوقی ناشی از حوادث.
- ایمنی حمل و نقل و ماشین آلات معدنی.
- ایمنی در معادن روباز.

دومین همایش ملی ایمنی در معادن و صنایع معدنی

Second National Conference on Safety in Mines and Mining Industries

علاقتمندان می توانند مقالات خود را از طریق سایت اختصاصی همایش به نشانی minesafety.geg.ir ارسال نمایند.

مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰
داوری و اعلام نتایج: ۱۴۰۰ / ۱۱ / ۲۰
تاریخ برگزاری همایش: ۴ و ۵ اسفندماه ۱۴۰۰
سیرجان، شرکت معدنی و صنعتی گل گهر
۰۳۴-۴۱۴۲۳۲۷۶





دومین کنفرانس بین المللی فولاد سازی و ریخته گری مداوم (۱۴۰۰)

2nd

International Conference on
Steelmaking & Continuous Casting
(ISCC2022)

اولین نمایشگاه تخصصی فولاد سازی و ریخته گری مداوم

The 1st Specialized Exhibition of Steel-Making
and Continuous Casting

۳ و ۴ اسفند ماه ۱۴۰۰

بندر عباس

شرکت فولاد هرمزگان

جهت کسب اطلاعات بیشتر

به سایت زیر مراجعه نمایید

<https://www.hosco.ir>

ایمیل : www@hosco.ir

آدرس دبیرخانه:

بندر عباس، پارک علم و

فناوری هرمزگان، طبقه ۶

محل برگزاری نمایشگاه :

محل دائمی نمایشگاه های

بین المللی بندر عباس





«جهان معدن» در گفت و گو با کارشناسان، مهم ترین فرازهای سخنان رهبری را در حوزه صنعت تحلیل کرد؛

بی توجهی مسوولان
به مانع زدایی

۶



یادداشتی از مجید مرادیان،
کارشناس روابط عمومی

دوب آهن؛ سرآغازی
بر صنعتی شدن ایران

۵۰



دکتر سعید زندی عضو هیات علمی
دانشگاه علامه طباطبائی تشریح کرد؛

مولفه های اثربخشی
استراتژی توسعه صنعتی

۱۲



در جلسه هم اندیشی با استاندار یزد مطرح شد:

حمایت از سرمایه گذاری های جدید در حوزه معدن و صنایع معدنی

۱۴

در بررسی مشکلات توسعه اکتشافات معدنی
در کشور مطرح شد:

اقتصاد معدن
تحت فشار دولتی

۳۰



بازوی پژوهشی سازمان برنامه، چالش های واردات
و صادرات در ایران را بررسی کرد:

دو سناریو از نبض
تجارت ۱۴۰۱

۴۴



خلأ کشور
در حوزه اکتشاف

۳۴

جهان معدن

Jahane Madan

ماهنامه علمی، تحلیلی و خبری
شماره شصت / دی ماه ۱۴۰۰

رئیس شورای سیاست گذاری و علمی:

مسلم دریه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

نعمت اله شهبازی

مشاور مدیر مسئول:

نوید رضا احمدی

شورای مشورتی:

دکتر بهمن آرمان، عزیزاله عساری، شهنواز نوایی، سعید صمدی
هوشنگ اسدی، مهدی رحمانپور، شهرام هاشمی

زیر نظر شورای سردبیری

تحریریه:

معصومه صالحی، آیدا شهبازی، پریسا پور طاهریان، سحر خوشنویس، علیرضا کریمی

گرافیک:

جواد پالایی

عکاس:

مهدی ابراهیمی

امور اداری:

امیر محمدی کرارودی

نشانی:

تهران، میدان هفت تیر خیابان قائم مقام، کوچه سام - پلاک ۵

تلفن: ۸۸۸۲۹۲۲۲ - ۸۶۰۷۳۶۶۲

پست الکترونیک: jahanemadmonthly@gmail.com

وب سایت: www.jahanemadan.com

چاپ: خاتم نو

ناظر چاپ: حسین دشتی

اخبار معدن و صنایع معدنی را
در سایت «جهان معدن» بخوانید

فعالان بخش معدن و صنایع معدنی می توانند اخبار مهم مرتبط با واحد متبوع خود را برای درج در سایت خبری جهان معدن ارسال کنند. علاقمندان می توانند اخبار و گزارش های خود را به آدرس تلگرامی jahanemadmonthly@ارسال و در صورت لزوم برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱۸۶۰۷۳۶۶۲ تماس بگیرند. آدرس سایت خبری جهان معدن WWW.JAHANEMADAN.COM است.



رئیس هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی
معادن و صنایع معدنی ایران خبر داد:

ارزش ۱۳ میلیارد دلاری
ذخایر کشف شده ایمیدرو

۱۰



دکتر سید رضا فاطمی امین
خبر داد:

عرضه کامل زنجیره فولاد
در بورس کالا

۹



وزارت صمت چگونه می تواند مدل موفق از راهبرد
صنعتی ایران طراحی کند؟

جاده سازی
برای توسعه صنعت

۲۰



در بررسی نقش زنجیره فولاد
در افزایش اشتغال و تولید مطرح شد:

رفع موانع کسب و کار، کلید
اشتغالزایی بخش معدن

۲۸



همزمان با ضرب الاجل و وعده اصلاح صنعت
خودرو از سوی وزیر صمت بررسی شد:

نسخه شعار درمانی
برای صنعتی بیمار

۴۸



فعالان بخش خصوصی در مورد گزارش مجمع جهانی اقتصاد هشدار دادند:

پنج چالش بزرگ اقتصاد ایران
در سال آینده

۲۴



یادداشتی از فریال مستوفی
رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران

زمان استفاده
از ظرفیت ها

۳۲



یادداشتی از محمد ابکا
رئیس هیات مدیره فولاد تکنیک
چالش های صنعت فولاد
ایران

۳۳



نعمت‌اله شهبازی

مدیرمسئول

مولفه‌های اثر بخشی

توسعه صنعتی

مقام معظم رهبری در دیداری که با فعالان تولیدی و صنعتی داشتند بر لزوم تهیه و تصویب سند و نقشه راهبردی صنعتی کشور تاکید کرده و گفتند: وجود این سند مهم و قانونی موجب جلوگیری از انحراف برنامه‌های صنعتی کشور با رفت و آمد و تغییر دولت‌ها خواهد شد. صحبت‌ها و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم یک سند بالادستی به منظور تدوین استراتژی‌های کلان صنعتی کشور در حالی مورد تأکید ایشان قرار گرفته است که از سال ۱۳۸۲ تاکنون تقریباً چهار سند به این منظور تدوین و رونمایی شده است.

تصور اشتباه در ایران

در ادبیات دنیا، سیاست صنعتی جزو یا یکی از روش‌های توسعه اقتصادی است، یعنی این موضوع فراتر از صنعت مد نظر در وزارت صنایع است. در این رابطه دولت‌ها چند مدل برای توسعه دارند. یکی از پنج مدل اصلی که در فرآیند توسعه به آن توجه شده، ذیل استراتژی‌های توسعه کلان اقتصادی بود. همین توسعه از طریق صنعت یا تولید است که در ادبیات سیاست صنعتی اشاره شده است. در فرمایش مقام معظم رهبری آمده است که می‌فرمایند، سال حمایت از تولید و رونق تولید که این امر تنها مرتبط با وزارت صمت نیست، بلکه تولید باماهو تولید مبنا قرار دارد. در نتیجه نکته مهم این است که در ایران غفلتی جدی از این مساله صورت گرفته و سیاست صنعتی به عنوان یکی از رویکردهای دولت به توسعه مطرح نبوده است.

در واقع از سال ۱۳۷۹ که قانون تشکیل وزارت صنایع و معادن شکل گرفت، تدوین استراتژی توسعه صنعتی را به وزارت صنایع محدود کردند. ببینید، جنس کار دولت خط‌مشی‌گذاری است و استراتژی‌ها نیز قاعدتاً در سمت بنگاه‌ها معنی پیدا می‌کند. یعنی نکته مهم این است که وقتی به عنوان دولت سیاست‌گذاری می‌کنید، باید در عملکرد بنگاه‌ها نیز تغییر ایجاد شود. این در حالی است که ما در سیاست‌های توسعه صنعتی، چنین مسوولیتی را به وزارت صنایع

سپردیم که این اقدام غلطی بود.

چرا اسناد توسعه صنعتی اجرایی نشد؟
ما تا اینجا چهار سند در کشور داریم که مربوط به سال‌های ۸۲، ۹۲ و ۹۶ و سند اخیر در سال ۱۴۰۰ است. هر چند یکی دو سند هم در این بین تهیه شدند که خیلی شاخص نبودند. اولاً این اسناد از فضای سیاست‌گذاری (policy making) خارج شده بود و بعضی از فعالان که عمدتاً مهندسين بودند با ادبیات سیاست‌گذاری در دولت خیلی آشنا نبودند و به سمت تدوین استراتژی سوق داده شده بود یعنی وزارت صمت را یک بنگاه لحاظ کرده بودند و برای آن استراتژی تدوین شده بود. نکته دوم این است که این استراتژی، تبدیل به سیاست دولت‌ها نشد. وقتی از سیاست صنعتی صحبت می‌کنیم یعنی سیاست‌های فناوری، تجاری، ارزی، پولی و مالی باید در درون آن قرار داشته باشد. در واقع راه اصلی این است که یک نهاد فرادستگاهی مانند سازمان مدیریت این نقش را برعهده گرفته و با قبول مسوولیت، استراتژی کلان اقتصادی کشور را مبتنی بر تولید رقم بزند. فرمایشات مقام معظم رهبری نیز در طول سال‌های گذشته دقیقاً به همین مساله اشاره دارد، یعنی ایشان تأکید بر رونق تولید، حمایت از تولید و رفع موانع تولید داشته‌اند. اما اشکال قضیه از سوی مسوولان اجرایی ما از آنجا نشأت گرفته که گمان شده تمامی این موارد بر عهده یک وزارتخانه است. در اینجا کل دولت باید مبنای توسعه اقتصادی خود را از بین مدل‌های مختلفی که برای توسعه وجود دارد، بر یک اساس، یعنی سیاست توسعه صنعتی معطوف کند. این کار مربوط به یک وزارتخانه نیست و ما متأسفانه تاکنون، کار را از محل اصلی‌اش خارج کرده‌ایم و ریشه این موضوع در قانون تشکیل وزارت صنایع و معادن بوده است.

دولت با ظرفیت یکی از شاخص‌های تدوین

سیاست صنعتی موفق

برای طراحی سیاست صنعتی باید ابتدا بر مشوق‌ها تمرکز شود. سپس معیار موفقیت سرمایه‌گذاری‌ها شفاف شده و بعد ایده‌آل

سنجش موفقیت مبتنی بر بهره‌وری مورد توجه قرار بگیرد. همچنین علاوه بر بحث خروج از سرمایه‌گذاری‌ها که شاید چندان مهم نباشد، لازم است به موضوع مهم تعیین اولویت در سرمایه‌گذاری و حرکت به سمت اولویت‌های خاص نیز توجه شود.

در واقع سیاست صنعتی در جایی موفق بوده که سازمان‌های بوروکراتیک قدرتمند وجود داشته و توان اجرای آن مهیا بوده است. به همین دلیل است که واژه دولت با ظرفیت مطرح می‌شود، اینکه در نظر می‌گیرد آیا دولت شما این ظرفیت را دارد که صنایع مختلف را گزینش کند؟ نمی‌توان سیاست صنعتی موفق در دولتی را انتظار داشت که از لحاظ بوروکراتیک ضعیف بوده و آمیخته با فساد است.

سیاست صنعتی به معنای دخالت بدون

برنامه دولت نیست

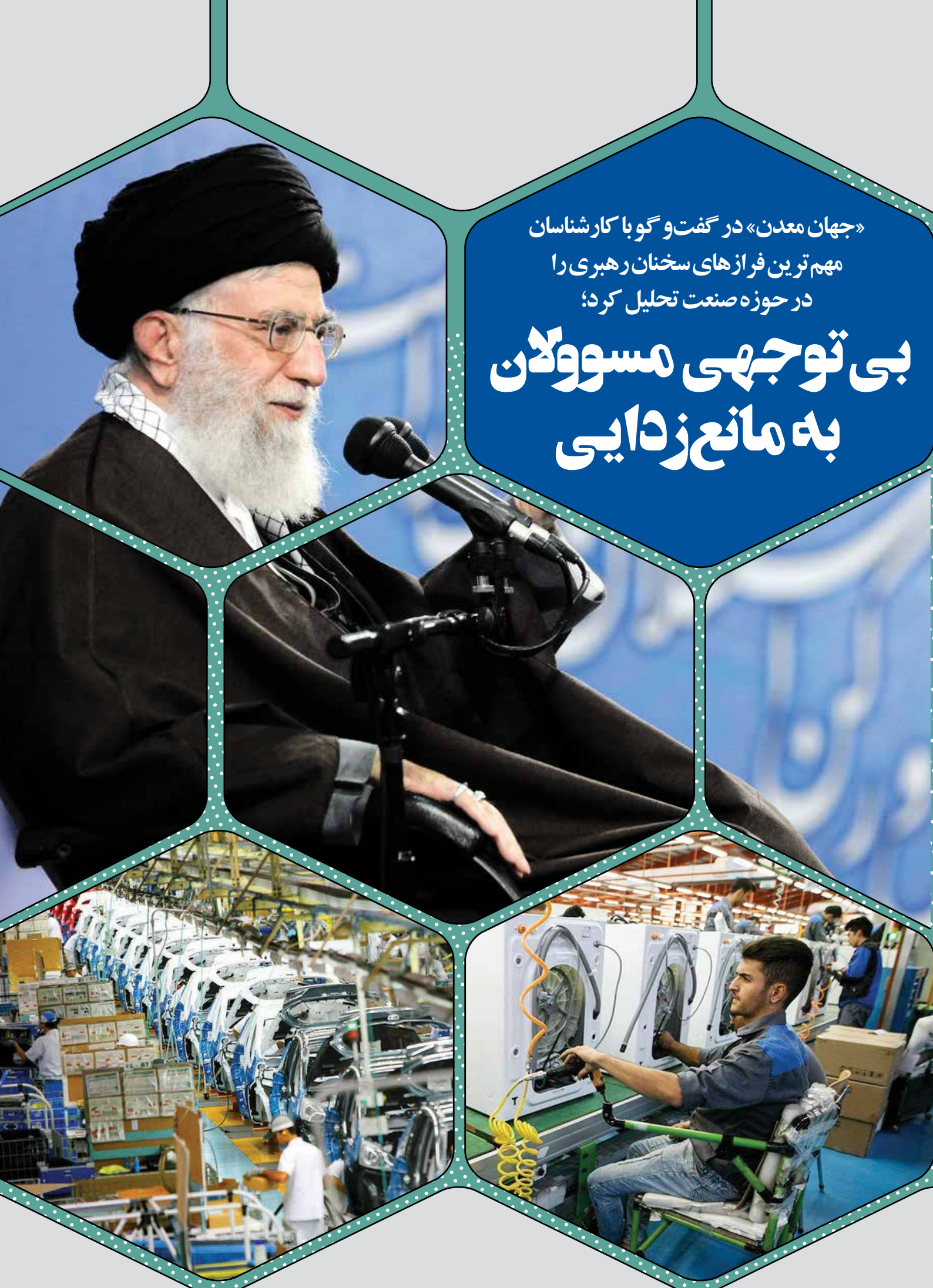
در جمع‌بندی مطالب باید این‌طور گفت که بحث سیاست صنعتی از سوی اکثر کشورهایی که در روند صنعتی شدن موفقیتی داشته‌اند، مورد توجه عمیق بوده است. سیاست صنعتی به هیچ‌وجه به معنی دخالت‌های بدون برنامه دولت در فعالیتهای صنعتی نیست. همچنین باید این فکر را از سر بیرون کنیم که می‌شود سیاست صنعتی را همچون سیاست‌های مالی و پولی، که تا حدی قابلیت انتقال به هر محیط و شرایطی را دارند به راحتی تقلید کرده و نتیجه مطلوب بگیریم. باید گفت که در عین دوری جستن از هرگونه الگوبرداری تقلیدی، لازم است که برای شکل دادن به سیاست صنعتی که با شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور همخوانی داشته باشد اقدام شود. نکته مهم دیگر اینکه نباید زمان زیادی مجدداً بر تدوین سند بگذاریم چرا که با دانش انباشته ناشی از اقدامات خوب قبلی، زمان را بر پیاده‌سازی بگذاریم و در سه سال و نیم باقیمانده دولت تمرکز بر اجرای سیاست‌ها داشته باشیم. همچنین اینکه معاون اول رئیس‌جمهور مسوول تدوین این سند شده را به فال نیک می‌گیریم تا با ظرفیت بالاتر همه وزارتخانه و بخش‌های دولتی را بتوانند پای کار بیاورند.

«جهان معدن» در گفت و گو با کارشناسان

مهم ترین فرازهای سخنان رهبری را

در حوزه صنعت تحلیل کرد؛

بی توجهی مسوولان به مانع زدایی



«جهان معدن» در گفت و گو با کارشناسان، مهم ترین فرازهای سخنان رهبری را در حوزه صنعت تحلیل کرد؛

بی توجهی مسوولان به مانع زدایی



نزدیک نداشتند، اما برگزاری نشست دیروز ایشان با جمعی از تولیدکنندگان کشور می تواند بارقه امیدی برای صنعتگران باشد.

ابوالفضل روغنی گلپایگانی گفت: در شرایط بحرانی اقتصادی کشور، نشست فعالان اقتصادی با رهبری می تواند نقطه شروع مهمی برای حل مشکلات باشد چرا که در این نشست فرصتی فراهم شد تا تولیدکنندگان و یا نمایندگان تشکلهای بخش خصوصی در حوزه های مختلف، چالش های خود را به صورت حضوری و مستقیم به رهبری انتقال دهند.

وی با بیان اینکه رهبر انقلاب در این نشست تذکرات مهمی را به مقامات دولتی و حتی خود صنعتگران دادند، افزود: با توجه به اینکه دولت جدید سر کار آمده، فضای کسب و کار و تجارت کشور نیز در حال تغییر است. در همین راستا خط مشی کلی در حوزه کسب و کار و صنعت نیز توسط رهبری به مسوولان و فعالان اقتصادی داده شد تا آنها تمرکز بیشتری بر تهیه استراتژی توسعه صنعتی داشته باشند.

روغنی گلپایگانی با اشاره به بخشی از صحبت های رهبری در این نشست افزود: رهبری اعلام کردند

باید منجر به ارتقای کیفیت محصولات و همچنین ارتقای فناوری شود، اما متأسفانه در برخی صنایع به ویژه در صنعت خودرو به موضوع کیفیت توجه نمی شود و مردم نیز بحق به آنها اعتراض دارند. رهبری همچنین با اشاره به لزوم همراهی و تعامل میان دولت و فعالان تولیدی مشکل صدور بخشنامه های متعدد از سوی نهادهای اجرایی را برجسته دانستند و گفتند: از سال ۹۷ تا ۱۴۰۰، هزار و پانصد بخشنامه فقط درباره مسائل گمرکی صادر شده است. فعالان اقتصادی به کدام یک عمل کنند؟ اصلاً فرصت هست همه را بخوانند؟ علاوه بر این مقام معظم رهبری با تأکید مجدد بر لزوم تهیه و تصویب سند و نقشه راهبردی صنعتی کشور گفتند: وجود این سند مهم و قانونی موجب جلوگیری از انحراف برنامه های صنعتی کشور با رفت و آمد و تغییر دولت ها خواهد شد.

بارقه امید برای صنعتگران

در همین خصوص رییس سابق کمیسیون صنایع اتاق ایران در گفت و گو با «جهان صنعت» اظهار کرد: واقعیت این است که رهبر معظم انقلاب مدتی بود که با فعالان اقتصادی ارتباط خیلی مستقیم و

مقام معظم رهبری دیداری با جمعی از تولیدکنندگان، فعالان صنعتی و کارآفرینان داشتند؛ دیداری که در آن تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی را به عنوان افسران جهاد مقدس تولید عنوان و تأکید کردند: اگر در این ۱۰ سال مسوولان با تولیدکنندگان همراهی بیشتری می کردند، آسیب ها کمتر و موفقیت ها بیشتر می شد.

ایشان همچنین در بخش دیگری از صحبت های خود آمارهای اقتصادی در طول یک دهه اخیر را موجب ناخرسندی دانستند و تأکید کردند: آمار و میزان رشد تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه در کشور، تورم، رشد نقدینگی، مسکن، تامین ماشین آلات و مسائل مشابه، اصلاً خرسندکننده نیست و ضربه به معیشت مردم که مدام از آن ابراز نگرانی می کنیم ریشه در همین مسائل و واقعیات دارد.

بخش دیگری از سخنان رهبری به بحث صنعت خودرو اختصاص داشت؛ جایی که ایشان تصریح کردند: حمایت های عملی و تبلیغاتی از تولید داخلی

کرده و رهنمودهای خوبی ارائه می‌دهند؛ امری که متأسفانه به آن توجهی نشده و منجر به شرایط کنونی شده است؛ شرایطی که حتی فعالان درون صنعت نیز از آن راضی نیستند.

کاکایی در ادامه می‌افزاید: نکته مهم به اعتقاد من این است که هیچ‌کدام از مسوولان، مسوولیت وضعیت کنونی را بر عهده نمی‌گیرند. به عنوان نمونه برخی فکر می‌کنند که مدیرعامل یک بنگاه اقتصادی، مسوولیت تمام اتفاقات آن شرکت را بر عهده دارد. این شاید در سایر بخش‌های صنعت درست باشد، اما در مورد صنعت خودرو که برآیند فعالیت حدود ۵۰ صنعت دیگر به صورت توأمان است، قضیه تفاوت می‌کند. دقیقاً در همین نقطه است که باید مجموعه‌ای از سیاستگذاران با همکاری، صنایع را هدایت کنند. چرا امروز صنعت خودرو از تمامی صنایع بیشتر در چشم است؟ زیرا هم از لحاظ تکنولوژی‌های تک بوده و هم از نظر خروجی مجموعه اقتصاد اهمیت دارد. حال وقتی که این صنعت خوب کار نمی‌کند، تنها یک راهش این است که مدیرعامل را مقصر بدانیم. شما نگاه کنید در همین چهار سال گذشته چند بار مدیران عامل دو خودروساز بزرگ کشور تغییر کرده‌اند؟ در سایپا تنها در طول سه سال، پنج مدیرعامل عوض شده است. به همین دلیل است که مشاهده می‌کنیم، مشکل با تغییر مدیرعامل حل نمی‌شود. حتی

رئیس سابق کمیسیون صنایع اتاق ایران همچنین با اشاره به اینکه به نظر می‌رسد بانک مرکزی در هفته‌های اخیر تصمیمات بهتری گرفته است، گفت: برگزاری چنین جلسه‌ای را نیز باید به فال نیک بگیریم چرا که می‌تواند به حل مشکلات و چالش‌های واحدهای تولیدی و تشکلهای بخش خصوصی کمک زیادی کند و موجبات دخالت کمتر دولت در امور اقتصادی را فراهم آورد.

سیاستگذاران پاسخگو باشند

علاوه بر این از آنجا که یکی از محورهای مهم صحبت‌های رهبری در مورد صنعت خودرو و گلايه‌های مردم در خصوص آن بود، دکتر امیرحسین کاکایی - استاد دانشکده مهندسی خودرو دانشگاه علم و صنعت - نیز در گفت و گو با «جهان صنعت» اظهار کرد: در ابتدا لازم است اشاره به شعار سال از سوی مقام معظم رهبری مورد توجه قرار بگیرد. ایشان امسال را با عنوان پشتیبانی‌ها و ممانعت‌هایی نامگذاری کردند؛ با این حال می‌توان گفت که تقریباً هیچ‌کدام از مسوولین این شعار را اجرایی نکردند. شما امروز از همین نمایندگان مجلس سوال کنید که از ابتدای امسال تاکنون کدام مانع را از پیش روی صنعت خودرو برداشته‌اند. اکنون چند سال است که مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت تولید صحبت

که من با دخالت مسوولان دولت و دستگاه‌های دولتی در فعالیت‌های اقتصادی موافق نیستم، اما با هدایت، نظارت و کمکشان موافقم. در واقع با این صحبت‌ها رهبری به مسوولان دولتی این هشدار را دادند که از دخالت در امور اقتصادی پرهیز کنند و تنها نقش نظارت و هدایت داشته باشند. مواردی که همگی در اصل ۴۴ قانون اساسی آورده شده و اینطور می‌توان بیان کرد که رهبری بار دیگر به این وسیله بر توجه دولتمردان به اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی تأکید کرده‌اند.

رئیس سابق کمیسیون صنایع اتاق ایران بیان کرد: نکته دیگری که در بیانات رهبری به آن به صورت صریح و آشکار اشاره شد، کنار کشیدن بانک‌ها و دستگاه‌های دولتی از دخالت در امور اقتصادی بود به طوری که تأکید شد این بخش‌ها تنها باید نقش ناظر و کنترل‌کننده را داشته باشند.

گلایه از عملکرد صنایع خودرو

و لوازم خانگی

وی همچنین با اشاره به اینکه رهبری در این نشست از نحوه عملکرد صنایع لوازم خانگی و خودرو گلایه کرد، گفت: آنچه به طور مشخص به آن اشاره شد، حمایت‌های بسیار زیاد از صنایعی مثل خودرو بود که باید در مورد عدم تغییر کیفیت محصولات خود با توجه به این حمایت‌ها پاسخگو باشند.

روغنی گلپایگانی اظهار کرد: واقعیت این است که دولت و مجلس طی سال‌های اخیر هر طور که شده از خودروسازان حمایت کرده‌اند اما با این حال این بخش از صنعت نتوانسته به درجه مطلوبی در تولید و کیفیت برسد. بنابراین تذکر رهبر انقلاب به این صنایع تذکری شدیدالحن بود. این فعال بخش خصوصی با اشاره به اینکه اخیراً نیز رهبری دستور ممنوعیت واردات لوازم خانگی کره‌ای با برندهای ال‌جی و سامسونگ را داده بودند اما پس از آن از افزایش قیمت‌هایی که توسط برخی تولیدکنندگان داخلی در بازار اعمال شده بود انتقاد کردند، افزود: در واقع افزایش قیمت‌های ناگهانی مردم را دچار تزلزل کرد.

به گفته وی، آنچه در این بیانات مورد تأکید قرار گرفت اصرار روی کیفیت تولیدات داخلی بود. صنایع داخلی در شرایطی می‌توانند با تولیدات خارجی رقابت کنند که علاوه بر تولید محصول با کیفیت، قیمت تمام‌شده و خدمات پس از فروش مناسبی را ارائه دهند. این در حالی است که طی سال اخیر صنایع ما از قاعده کیفیت فاصله گرفته‌اند. از این رو رهبری بارها در این خصوص به صنایع تذکر داده‌اند.



است چه کسی رفع کند، همچنان جای سوالش باقی است.

هشدار مهم در مورد آینده صنعت خودرو

کاکایی با بیان اینکه دیدار رهبری با تولیدکنندگان در نوع خود بسیار جالب است، توضیح داد: به نظر می‌رسد ایشان مشاهده کرده‌اند در صحبت با مسوولان اتفاق خاصی رخ نداده و در نتیجه مستقیماً با تولیدکنندگان صحبت کرده‌اند، یعنی ایشان در طول سال‌های گذشته بارها و بارها به مسوولان تذکر داده‌اند، اما متأسفانه کسی به فکر نبوده است. در همین رابطه است که می‌خواهم در مورد صنعت خودرو یک هشدار مهم را مطرح کنم؛ اینکه اگر چنین وضعیتی تداوم داشته باشد به‌طور قطع از صنعت خودروی ما چیزی باقی نخواهد ماند. شما مدیرعامل را تغییر می‌دهید که خب ایرادی ندارد، اما سوال این است که از او چه می‌خواهید؟ اگر به هر قیمتی تولید کند که کیفیت کاهش می‌یابد و وضعیت کنونی می‌شود، اگر هم کیفیت را حفظ کند که تولید پایین می‌آید. یعنی مدیر در هر دو حالت متهم می‌شود. بالاخره چه زمانی قرار است که تکلیف مشخص شود؟

اکنون اتفاق بسیار بدی برای سال آینده در حال شکل‌گیری است؛ یعنی به اسم ایمنی در حال خیانت به صنعت خودروسازی کشور هستند. امروز سازمان ملی استاندارد اعلام کرده که باید تمامی استانداردهای جدید پیاده شوند که به اعتقاد من امری نشدنی است. بعد هم گفته که می‌خواهیم به سمت تولید خودروی یورو ۶ برویم. اصلاً شما خودروی یورو ۶ را به بازار عرضه کردید؛ اولاً هزینه آن را مردم باید متقبل شوند و ثانیاً بنزین آن را از کجا می‌خواهید تهیه کنید؟ آیا امروز که همین بنزین یورو ۵ را هم درست به دست مردم نمی‌رسانیم، پاسخگو هستیم؟ تازه در این رابطه تهدید هم می‌کنند که تولید را متوقف می‌کنیم، یعنی شمشیر را از رو برای صنعت کشیده‌اند و دائماً صحبت از واردات می‌کنند. آیا با واردات مشکل تولید حل می‌شود؟ در واقع مسوولانی که اکنون باید به فکر رفع موانع تولید باشند، امروز صحبت از واردات می‌کنند. به همین دلیل هم هست که رهبری در صحبت‌های خود مسوولان را خطاب قرار دادند. به اعتقاد من طرف مردم بودن با اینکه بخواهیم بدون امکانات و تجهیزات استاندارد را بالا ببریم، دو امر کاملاً متفاوت است. یعنی مشکل ما این است که برخی از مسوولان در حال افزایش بار تولید هستند، بدون اینکه بسترهای لازمی را که خودشان مسوول آن هستند، فراهم کنند.

برای من بسیار جالب بود وقتی که در ابتدای سال مقام معظم رهبری شعار پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها را مطرح کردند. در واقع ایشان هم از کلمه پشتیبانی استفاده کرده و هم بر مانع‌زدایی‌ها تأکید داشتند. پشتیبانی که موضوعش مشخص است؛ اما ایشان به درستی کلمه مانع‌زدایی‌ها را مطرح کردند برای اینکه معتقدند مسوولین ما در حال ایجاد مانع هستند. اکنون شاهد هستیم که مسوولین و به خصوص نمایندگان مجلس در حال ناامید کردن فعالان صنعتی هستند. در گذشته مجلس دو تحقیق و تفحص از صنعت خودروسازی انجام داده و اکنون نیز یک تحقیق و تفحص دیگر در جریان است. شما ملاحظه کنید آیا یک گزارش فنی و کارشناس‌پسند در این مورد پیدا می‌کنید؟ چرا این مسأله اتفاق افتاده است؟ برای اینکه هیچکس به اصل موضوع توجه نکرده و تنها به دنبال ایجاد مانع یا مچ‌گیری بوده‌اند. درست در همین جاست که خیلی راحت مسیر برای فراق‌کنی باز می‌شود. یعنی تصادفی صورت می‌گیرد و شاهد هستیم بسیاری از دستگاه‌ها که مسوولیت خود را انجام نداده‌اند، به یکباره کل صنعت خودرو را زیر سوال می‌برند. بالاخره در هر مسأله‌ای یک عده مقصر یافت می‌شوند، اما اینکه این ایرادات را قرار

مشکل در درون دو خودروساز نیز حل نمی‌شود. اساساً سوال مهم این است که چرا همه مشکلات را در دو خودروساز بزرگ دیده و ۲۸ خودروساز دیگر را نمی‌بینیم؟ در نتیجه مشخص می‌شود که جوابگوی این وضعیت نه مدیران خودروسازی، بلکه سیاستگذاران باید باشند. وی در ادامه در پاسخ به این سوال که رهبری هم در صحبت‌های خودشان به این موضوع تأکید کرده‌اند، می‌افزاید: در واقع سیاستگذارهای ما در طول سال‌های اخیر منجر به بروز چنین وضعیتی شده است. یعنی صحبت‌های رهبری رو به سوی مسوولان است؛ چرا که ایشان دقیقاً از بالا به قضیه نگاه کرده و منافع ملی را در نظر دارند؛ اما متأسفانه مسوولان ما هر کدام تنها به فکر جایگاه شغلی، منافع جناحی یا منطقه‌ای خود هستند. به همین دلیل است که تأکید می‌کنم، مشکل ما در صنعت به خصوص صنعت خودرو، مشکل کارآفرینان و مدیران صنعتی نیست؛ چرا که کل صنعت اشکال داشته و خروجی آن نامناسب است. بنابراین مسوول چنین وضعیتی نیز سیاستگذاران هستند.

وقتی به جای رفع موانع،

مانع‌تراشی می‌شود

این استاد دانشگاه علم و صنعت در ادامه می‌گوید:



دکتر سیدرضا فاطمی امین خبر داد:

عرضه کامل زنجیره فولاد در بورس کالا

منابع موجود را با این روش ارتقاء خواهیم داد. وی انتقال اعتبار را یکی از روش های تامین مالی زنجیره ای دانست و گفت: خانه های صنعت، معدن و تجارت می توانند در این حوزه صنایع مختلف را معرفی و اولویت گذاری نمایند.

تأمین مواد اولیه در حوزه فلزات در بورس کاملاً حل شده است

وزیر صمت در مورد تأمین مواد اولیه واحدهای تولیدی نیز بیان کرد: این موضوع در حوزه فلزات در حد بورس کاملاً حل شده است، به عنوان مثال کسانی که ورق فولادی می خواهند از هم اکنون برای اسفند می توانند خریداری کنند که به سمت یکساله شدن موضوع تأمین نیز می رویم و در این راستا برنامه داریم و پیگیری های لازم را انجام خواهیم داد. البته هنوز پتروشیمی ها وارد نشده اند که به دنبال ورود آنها نیز هستیم. فاطمی امین با بیان اینکه دیگر سهمیه بندی ورق نداریم، گفت: ورق بدون سهمیه بندی عرضه می شود و کار تکمیلی بعدی به رسمیت شناختن خرده فروشان مواد اولیه است. این موضوع برای سهولت تأمین مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی می باشد و برای مبارزه با فساد، دلالتی و اصلاح مواد اولیه و قیمت متعارف باید اجرا شود که انشالله تا پایان سال اجرایی خواهد شد و خانه های صنعت، معدن و تجارت می توانند در این حوزه نیز کمک کنند.

کل زنجیره فولاد را در بورس کالا وارد می کنیم

وی در ادامه با بیان اینکه تا پایان سال موضوع مواد اولیه در بورس کالا و شبکه توزیع حل می شود، تصریح کرد: این موضوع البته به جز پتروشیمی ها است که بخشی از مباحث آن در اختیار ما نیست؛ اما موضوع کنسانتره و گندله آهن اجرایی شده که به تدریج وارد بورس کالا می شوند و کل زنجیره فولاد را تقریباً در بورس کالا وارد می کنیم. وزیر صمت در ادامه با بیان اینکه حقوق دولتی معادن این هفته ابلاغ می شود، ادامه داد: روش دریافت متحول خواهد شد و حقوق دولتی به صورت کامل از این به بعد مبتنی بر فاکتورهای سامانه جامع تجارت دریافت می شود که شفافیت و تسهیل دریافت از مزایای آن است. وی همچنین تصریح کرد: تأمین مالی زنجیره ای نیز مبتنی بر فاکتورهای سامانه جامع تجارت خواهد بود، با این روش چانه زنی از بین می رود، انحراف منابع به شدت کاهش می یابد و شفافیت به وجود می آید. وزیر صمت با بیان اینکه به دنبال راه اندازی بازار برق هستیم، اضافه کرد: برای این موضوع مدیر پروژه گذاشتیم و با عملیاتی شدن آن بسیاری از مشکلات واحدهای بزرگ صنعتی و معدنی نیازمند به برق حل و فصل خواهد شد، شرکت های خرده فروشی برق از بورس کالا برق را می خردند، بهینه سازی می کنند و به واحدها تحویل می دهند. فاطمی امین همچنین با بیان اینکه در لایحه بودجه ۱۴۰۱ قیمت گاز برای واحدهای صنعتی معادل قیمت گاز برای نیروگاه ها می شود، گفت: این مصوبه دولت است که در مجلس منتظر تایید است. وی در ادامه از نگاه توأمان و همزمان به صنف و صنعت در دفتر تخصصی و ساختار جدید وزارت صمت خبر داد و گفت: با این ساختار یکپارچگی کامل به وجود آمده است. همچنین در ساختار جدید در دفتر تخصصی چهار گروه وجود دارد که یکی از آنها سرمایه انسانی و کسب و کارها است و تمرکز بر موضوع آموزش، تحقیق و پژوهش دارد. روسای خانه های صنعت، معدن و تجارت نیز در این نشست به بیان مهمترین نقطه نظرات خود در حوزه های مختلف پرداختند. مدیریت دریافت حقوق دولتی معادن، تسهیل ورود ماشین آلات و تجهیزات معدنی، به کارگیری و استفاده از نظرات بخش خصوصی و فعالان اقتصادی، توجه به اشتغال آفرینی معادن کوچک مقیاس، پیوند حلقه مفقوده تجارت با صنعت و معدن، توجه به امر صادرات، توانمند کردن خانه های صنعت، معدن و تجارت استان ها، موظف شدن روسای سازمان های صمت استانی به اختیارات تفویض شده از مهمترین پیشنهادات حاضران در این نشست بوده است.



وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه به دنبال راه اندازی بازار برق هستیم، گفت: همچنین کل زنجیره فولاد وارد بورس کالا ایران می شود.

سید رضا فاطمی امین در نشست هم اندیشی با روسای خانه های صنعت، معدن و تجارت سراسر کشور با بیان این مطلب که روی خدمات کسب و کار در ساختار جدید وزارت صمت توجه ویژه ای داریم و دفتری با این عنوان زیر نظر معاونت تجارت و خدمات راه اندازی شده است، افزود: بیش از ۳۰ درصد از واحدهای صنعتی را کد و نیمه تعطیل به دلیل عدم صلاحیت مدیر یا سرمایه گذار به این وضعیت درآمده اند که در این راستا موضوع خدمات کسب و کار را شروع کرده ایم تا کسانی که در حوزه های صنعتی و معدنی دارای تجربه هستند با احیا و راه اندازی دیگر واحدها کسب درآمد نمایند.

نقش خانه های صنعت و معدن در احیای

واحدهای را کد با ارایه خدمات کسب و کار

وزیر صنعت، معدن و تجارت در این باره بیان داشت: این افراد متخصص بازار و واحدهای تولیدی را می شناسند و به صورت مشارکتی و پیمان مدیریت و یا روش های مختلف دیگر می توانند در احیای واحدهای را کد یا نیمه تعطیل نقش داشته باشند که خانه های صنعت، معدن و تجارت در تدوین آیین نامه و دستورالعمل های این موضوع و همچنین فراخوان برای گرد آمدن افراد متخصص می توانند مشارکت کنند. وی گفت: خدمات کسب و کار را تقویت نماییم و به روش اصولی پیگیری کنیم، بسیاری از مسائل مرتبط با حوزه صنعت و مراعات به ستاد تسهیل و کارگروه های استانی این ستاد با این روش کاهش می یابد. فاطمی امین در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اجرای طرح تأمین مالی زنجیره ای ادامه داد: این طرح به صورت پالوت با هم افزایی بانک مرکزی و هماهنگی بانک های عامل با هفت بانک کشور اجرا شده است و حداقل ۳۰ درصد بهره وری

رئیس هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران خبر داد:

ارزش ۱۳ میلیارد دلاری ذخایر کشف شده ایمیدرو



رئیس هیات عامل ایمیدرو گفت: ارزش ذخایر کشف شده حاصل فعالیت های سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت های تابعه (از سال ۹۲ تاکنون) بیش از ۱۳ میلیارد دلار است.

وحید اله جعفری گفت: این مواد معدنی شامل سنگ آهن، زغال سنگ، مس، طلا، آنتیموان، باریت و بوکسیت می شود. جعفری با اشاره به اینکه مجموع حفاری های انجام شده به یک میلیون و ۴۵۰ هزار متر رسیده است، افزود: میزان سرمایه گذاری انجام شده نیز (معادل روز) به ۱۴۵۵ میلیارد تومان رسیده است. به گفته وی، کل پهنه های اکتشافی در اختیار سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت های تابعه، شامل ۸۱ پهنه و در مساحت ۴۸۱ هزار کیلومتر مربع انجام بوده که در حال حاضر فعالیت های فوق به ۹۱ هزار کیلومتر

تحقیقات و فرآوری مواد معدنی، مرکز تحقیقات مواد معدنی یزد، صندوق بیمه سرمایه گذاری فعالیت های معدنی و مراکز پژوهشی نوع سوم و سایر بخش ها بیرونی را برای توسعه فضای کسب و کار شرکت های استارتاپی مشخص کنیم.

برقراری همکاری یکپارچه با مراکز پژوهشی

رئیس هیات عامل ایمیدرو با بیان اینکه حمایت از پژوهش و فناوری را وظیفه خود می دانیم، تصریح کرد: با تدوین نقشه راه و تعریف چارچوب ها و دستورالعمل ها، می توانیم در قالب یک سیستم یکپارچه، امکانات مراکز تحقیقاتی ایمیدرو را برای توسعه فناوری شرکت های معدنی و صنایع معدنی مورد استفاده قرار دهیم. وی افزود: بنابراین باید به گونه ای برنامه ریزی و مدل سازی کنیم که نه تنها خدمات این مراکز حوزه فعالیتی ایمیدرو را پوشش دهند، بلکه بخش خصوصی نیز بتواند وارد این فضای همکاری شود، به طوری که ایمیدرو در باستر سازی

مربع رسیده است. جعفری ادامه داد: این امر شامل کل مساحت پهنه های جاری، زیرپهنه ها، محدوده های درخواستی، پروانه های اکتشافی و گواهی کشف ایمیدرو و شرکت های تابعه است.

تدوین نقشه راه همکاری واحدهای پژوهشی

ایمیدرو با مشارکت دانشگاه شریف

وحید اله جعفری افزود: بررسی طرح پژوهشی «مدل همکاری بین ارکان پژوهش و توسعه فناوری ایمیدرو در اکوسیستم استارتاپی کشور» با بیان این مطلب گفت: به دلیل کم رنگ دیده شدن ارتباط ارکان پژوهشی ایمیدرو به عنوان حمایت کننده از ایده های ارزش آفرین و استارت آپ های حوزه معدن و صنایع معدنی، استفاده مطلوبی از ظرفیت ها و پتانسیل ها ی موجود در این حوزه، نشده است. وی ادامه داد: هدف ما از این طرح، تقویت ایده های ارزش آفرین و استارتاپ ها است و اینکه نقش هر یک از زیرمجموعه های ایمیدرو شامل مرکز

الگوی از حمایت دولت از سرمایه گذار

بخش خصوصی

رئیس هیات عامل ایمیدرو با اشاره به الگوی حمایت دولت از سرمایه گذار در طرح های رونمایی شده روزهای اخیر گفت: دولت در کار گروه پیشرانان پیشرفت، مجوزهای مورد نیاز طرح های ۱۷.۵ میلیارد دلاری (از جمله زیست محیطی و تامین مواد اولیه) را -که رونمایی شد- صادر کرده است و تلاش شده به عنوان یک الگوی از باب آسوده خاوری سرمایه گذار، مسیر توسعه ای را فراهم کند. وی افزود: ایمیدرو با هماهنگی وزارت صنعت، معدن و تجارت در حوزه تجهیزات و ماشین آلات، تلاش کرده با تمهیدات خاص و با همکاری شرکت های تابعه و وابسته، در عین توجه به فضای رقابتی در قیمت تمام شده کالا در حوزه های اکتشاف، استخراج، فرآوری و بهره برداری این روند را مدیریت کند

طرحی برای تدوین نقشه راه و نظامنامه

توسعه فناوریانه ایمیدرو و شرکت ها

غلامرضا ملاطهری، مدیر آموزش، پژوهش و فناوری ایمیدرو در این نشست گفت: طرحی برای توسعه فناوریانه ستاد ایمیدرو و شرکت های زیرمجموعه و وابسته، تدوین کرده ایم و در صدد اجرای آن با استفاده از ظرفیت دانشگاه های کشور هستیم. برای این منظور، جلسات مختلفی با دانشگاه های مختلف برگزار کرده ایم. وی افزود: این طرح در قالب یک نقشه راه و نظام نامه تدوین خواهد شد تا بتوانیم همه نیازهای مورد نظر را در زنجیره معدن از اکتشاف، استخراج و فرآوری در آن بگنجانیم.

گذار طرح طلای هیرد در استان خراسان جنوبی کاملاً خصوصی است. از آنجا که ایمیدرو معدن طلا در این منطقه داشت با فراخوان انجام شده، سرمایه گذار جذب شد و بخش خصوصی کارخانه استحصال آن را احداث کرده است. وی ادامه داد: اکتشاف این منطقه در حال انجام است و پس از قطعی شدن، ظرفیت تولید شمش قابل افزایش خواهد بود. حضور ایمیدرو در بدو کار اکتشافی به سرمایه گذار بخش خصوصی اطمینان خاطر ایجاد می کند تا در مناطق محروم اقدام کند. به محض ورود ما، شرکت های دیگر خصوصی دارای محدوده های معدنی، با اطمینان خاطر اقدام به احداث واحدهای فرآوری و تکمیل زنجیره کردند.

محدوده های جدید طی ۳-۴ سال آینده

رئیس هیات عامل ایمیدرو با اشاره به این که این سازمان در بخش اکتشاف، در ۳۰ استان حدود ۱۳۴ پهنه (۸۲ درصد از مساحت ۶۶۴ هزار کیلومترمربع)، را انجام داده است، گفت: بخشی از این میزان، سال گذشته به ما واگذار شده و در حال تکمیل هستیم. این اقدامات به اکتشاف معادن جدید ختم خواهد شد و تاکنون بخشی از این معادن همچون مس-طلای جانجا، هیرد، طلای بزمان و غیره حاصل شده است. وی افزود: امیدواریم طی ۳-۴ سال آینده، محدوده های جدید را به عنوان پتانسیل های قابل کار به بخش خصوصی معرفی کنیم و در صورت اعلام آمادگی این بخش، محدوده ها را در اختیارشان قرار خواهیم داد. جعفری گفت: در حوزه طلا در ۲ منطقه کردستان و آذربایجان شرقی، ۲ شرکت خارجی (قزاقستانی و گرجستانی) مشغول فعالیت اند.



مناسب، در حلقه همکاری - و نه رقابت و تقابل - با بخش خصوصی قرار گیرد.

نگاه کشور به مراکز پژوهشی ایمیدرو

جعفری با اشاره به اینکه ایمیدرو به عنوان یک نهاد حاکمیتی و نظارتی در حوزه های مختلف و از جمله بخش پژوهش و توسعه فناوری است، اظهار داشت: مراکز تحقیقاتی ایمیدرو باید لوکوموتیو، بستر ساز، توسعه دهنده و حرکت دهنده حوزه پژوهش و فناوری در بخش معدن و صنایع معدنی کشور از جمله دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی و آزمایشگاهی باشد. وی ادامه داد: ایمیدرو تنها در جایی که بخش خصوصی تمایل به اجرای طرح پژوهشی و ایجاد فناوری ندارد، باید با پذیرش ریسک منطقی، آن را به نتیجه برساند. طرح پژوهشی «تدوین مدل همکاری بین ارکان پژوهش و توسعه فناوری ایمیدرو در اکوسیستم استارتآپی کشور» توسط طیب صالحی، مدیر اجرایی مرکز هوشمندی و رصدخانه فناوری و نوآوری صنایع معدنی شریف-ایمیدرو ارائه شد.

ایمیدرو برای زیرساخت ها دست به کار شده

جعفری با اشاره به اینکه بخش معدن و صنایع معدنی در زنجیره های مختلف فولاد، مس و غیره توسعه یافتگی خاص خود را دنبال کرده است، تصریح کرد: واقعیت این است که متناسب با این توسعه ظرفیت ها، زیرساخت ها فراهم نشده اند.

وی ادامه داد: به عنوان مثال برای برنامه ۵۵ میلیون تن فولاد که در حال حاضر، ۴۰ میلیون تن ظرفیت سازی شده، زیرساخت هایی همچون برق، گاز، جاده و راه آهن نیاز داریم. برای این منظور خودمان ناچار به تامین زیرساخت ها با همکاری وزارتخانه های ذیربط (نیرو، راه و شهرسازی و حتی نفت) شده ایم. رئیس هیات عامل ایمیدرو خاطرنشان کرد: در سال گذشته، بحث انتقال آب از خلیج فارس به شرکت های چادرملو و یزد در استان یزد عملیاتی شد. برای تامین واگن و لوکوموتیو جهت ساخت و واردات اعلام آمادگی کردیم. این اقدامات بستر توسعه را فراهم خواهد کرد. وی افزود: ایمیدرو به عنوان بخشی از دولت، نقش بستر ساز توسعه ای دارد و زمینه های توسعه را فراهم می کند. طی سال های گذشته از حدود ۷.۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری انجام شده توسط شرکت های تابعه ایمیدرو، ۲.۵ میلیارد دلار از طریق جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی صورت گرفته است.

اطمینان خاطر به سرمایه گذار

جعفری با بیان اینکه ایمیدرو در حوزه اکتشاف با هدف اطمینان خاطر به سرمایه گذار بخش خصوصی، وارد عمل شده است، گفت: به عنوان مثال، سرمایه

دکتر سعید زرنندی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی تشریح کرد:

مولفه‌های اثر بخشی استراتژی توسعه صنعتی



مقام معظم رهبری در دیداری که با فعالان تولیدی و صنعتی داشتند بر لزوم تهیه و تصویب سند و نقشه راهبردی صنعتی کشور تاکید کرده و گفتند: وجود این سند مهم و قانونی موجب جلوگیری از انحراف برنامه‌های صنعتی کشور با رفت و آمد و تغییر دولت‌ها خواهد شد.

در واقع از سال ۱۳۷۹ که قانون تشکیل وزارت صنایع و معادن شکل گرفت، تدوین استراتژی توسعه صنعتی را به وزارت صنایع محدود کردند. ببینید، جنس کار دولت خط‌مشی‌گذاری است و استراتژی‌ها نیز قاعدتا در سمت پنگاه‌ها معنی پیدا می‌کند. یعنی نکته مهم این است که وقتی به عنوان دولت سیاست‌گذاری می‌کنید، باید در عملکرد پنگاه‌ها نیز تغییر ایجاد شود. این در حالی است که ما در سیاست‌های توسعه صنعتی، چنین مسوولیتی را به وزارت صنایع سپردیم که این اقدام غلطی بود.

چرا اسناد توسعه صنعتی اجرایی نشد؟

سعید زرنندی با اشاره به اینکه سطح سیاست صنعتی بالاتر از وزارتخانه‌ها بوده و در ادبیات دنیا نیز به این موضوع توجه شده است، در خصوص علت عدم موفقیت چهار سند استراتژی توسعه صنعتی اخیر می‌گوید: ما تا اینجا چهار سند در کشور داریم که مربوط به سال‌های ۸۲، ۹۲ و ۹۶ و سند اخیر در سال ۱۴۰۰ است. هر چند یکی دو سند هم در این

تاکید بر اینکه وقتی صحبت از سیاست صنعتی مطرح می‌شود در ایران به اشتباه گمان می‌رود که تنها منظور وزارت صمت است، توضیح می‌دهد: در ادبیات دنیا، سیاست صنعتی جزو یا یکی از روش‌های توسعه اقتصادی است، یعنی این موضوع فراتر از صنعت مد نظر در وزارت صنایع است. در این رابطه دولت‌ها چند مدل برای توسعه دارند. یکی از پنج مدل اصلی که در فرآیند توسعه به آن توجه شده، ذیل استراتژی‌های توسعه کلان اقتصادی بود. همین توسعه از طریق صنعت یا تولید است که در ادبیات سیاست صنعتی اشاره شده است. در فرمایش مقام معظم رهبری آمده است که می‌فرمایند، سال حمایت از تولید و رونق تولید که این امر تنها مرتبط با وزارت صمت نیست، بلکه تولید بماهو تولید مبنا قرار دارد. در نتیجه نکته مهم این است که در ایران غفلتی جدی از این مساله صورت گرفته و سیاست صنعتی به عنوان یکی از رویکردهای دولت به توسعه مطرح نبوده است.

صحبت‌ها و تأکيدات مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم یک سند بالادستی به منظور تدوین استراتژی‌های کلان صنعتی کشور در حالی مورد تأکید ایشان قرار گرفته است که از سال ۱۳۸۲ تاکنون تقریباً چهار سند به این منظور تدوین و رونمایی شده، اما به گفته مهدی نیازی معاون وزیر صمت در اجرای موفقیتی حاصل نشده است.

در همین رابطه دکتر سعید زرنندی معاون سابق طرح و برنامه وزارت صمت و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی در نشست که در دانشگاه شریف با عنوان تجربیات سیاست‌گذاری صنعتی برگزار شد به تبیین موضوع سیاست‌گذاری صنعتی و تحلیل روند تاریخی تجربه‌های سیاست صنعتی کشورهای مختلف پرداخته و تأثیر این مساله در میزان رشد صنعتی بر اساس اجزای آن و نحوه نقش‌آفرینی بخش دولتی و خصوصی را مورد بررسی قرار داد.

تصور اشتباه در ایران

این عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی با

بین تهیه شدند که خیلی شاخص نبودند. اولاً این اسناد از فضای سیاستگذاری (policy making) خارج شده بود و بعضی از فعالان که عمدتاً مهندسين بودند با ادبيات سياستگذاری در دولت خیلی آشنا نبودند و به سمت تدوين استراتژی سوق داده شده بود یعنی وزارت صمت را یک بنگاه لحاظ کرده بودند و برای آن استراتژی تدوين شده بود. نکته دوم این است که این استراتژی، تبدیل به سياست دولت‌ها نشد. وقتی از سياست صنعتی صحبت می‌کنیم یعنی سياست‌های فناوری، تجاری، ارزی، پولی و مالی باید در درون آن قرار داشته باشد. در واقع تمامی اینهاست که یک سياست صنعتی را شکل می‌دهد نه اینکه در یک حوزه خاص مثلاً فولاد بگوییم، میزان تولید را به فلان مقدار مشخص خواهیم رساند و سایر بخش‌ها اعتقادی به این موضوع نداشته باشند. لذا به اعتقاد من یکی از دلایل عدم موفقیت اسناد توسعه صنعتی ما تاکنون این است که نگاه اصلی خط‌مشی‌گذاری در سطح کلان، هیچ‌گاه در جای خود قرار نگرفته است.

در واقع راه اصلی این است که یک نهاد فرادستگاهی مانند سازمان مدیریت این نقش را برعهده گرفته و با قبول مسوولیت، استراتژی کلان اقتصادی کشور را مبتنی بر تولید رقم بزند. فرمایشات مقام معظم رهبری نیز در طول سال‌های گذشته دقیقاً به همین مساله اشاره دارد، یعنی ایشان تاکید بر رونق تولید، حمایت از تولید و رفع موانع تولید داشته‌اند. اما اشکال قضیه از سوی مسوولان اجرایی ما از آنجا نشأت گرفته که گمان شده تمامی این موارد بر عهده یک وزارتخانه است. در اینجا کل دولت باید مبنای توسعه اقتصادی خود را از بین مدل‌های مختلفی که برای توسعه وجود دارد، بر یک اساس، یعنی سياست توسعه صنعتی معطوف کند. این کار مربوط به یک وزارتخانه نیست و ما متأسفانه تاکنون، کار را از محل اصلی‌اش خارج کرده‌ایم و ریشه این موضوع در قانون تشکیل وزارت صنایع و معادن بوده است.

اجماع‌سازی حلقه کلیدی استراتژی

توسعه صنعتی

وی در ادامه توضیح می‌دهد: نکته دوم هم این است که در سياست‌های توسعه صنعتی اساس بر اجماع‌سازی در موضوعات مختلف کشور است. برخی وقتی صحبت از سياست صنعتی می‌شود با اغماض می‌گویند منظور سياست‌های سرمایه‌گذاری است. توسعه بدون سرمایه‌گذاری معنا ندارد، لذا یکی از ارکان اصلی و محورهای توسعه دولت‌ها در بسیاری از کشورها بر مبنای سياست سرمایه‌گذاری (investment policy) شکل گرفته است. در این راستا من حتی در برخی از متون دیده‌ام که سياست صنعتی و سياست سرمایه‌گذاری تا حدودی

نزدیک به هم در نظر گرفته شده است. در واقع هر چند که سياست سرمایه‌گذاری یکی از اجزای سياست صنعتی است، ولی این امر بحث جدیدی را شکل داده است. لذا مجدداً تاکید می‌کنم که باید در کشور اجماع‌سازی صورت گرفته و در مورد سياست‌های سرمایه‌گذاری، واردات، صادرات، فناوری، سياست‌های ارزی و پولی کشور یک اجماع کلی وجود داشته باشد که چه کنیم تولید رشد کند. یعنی اگر همه سياست‌های کشور را بخواهیم با یک نقطه مبنا انسجام بدهیم آن باید تولید باشد و لاغیر. این در حالی است که مشاهده می‌کنیم در کشور ما تمامی این اجزا به یک سمت حرکت نمی‌کنند.

معاون سابق طرح و برنامه وزارت صمت در بخش دیگری از صحبت‌های خود خاطرنشان می‌کند: یکی از موضوعاتی که ذیل سياست‌های تجاری مطرح می‌شود، مساله اجماع روی رقابت‌پذیری و نرخ ارز است، یعنی رقابت‌پذیر بودن صنایع و اجماع در واردات و صادرات مدنظر قرار می‌گیرد. ما در گذشته در این رابطه دو رویکرد داشتیم، یکی جایگزینی واردات و دیگری توسعه صادرات که بعدها سياست‌های توسعه عمودی نیز به اینها اضافه شد. به عنوان مثال امروز در برزبل سياست‌های توسعه منطقه‌ای، حضور در منطقه، یکپارچگی منطقه‌ای و حضور در زنجیره ارزش مناطق به عنوان رویکرد اصلی سياست‌های صنعتی در نظر گرفته شده است. بنابراین متعقد مساله مهم، تدوين سياست صنعتی جزو وظایف دولت می‌باشد و اینکه بعضی تشکلهای اعلام می‌کنند ما تدوين استراتژی یا سياست صنعتی می‌کنیم اصلاً درست نیست.

یکی از ابعاد سياست‌های صنعتی موضوع مشوق‌های در اختیار دولت است. در واقع یکی از موضوعاتی که در سياست صنعتی و اقتصادی باید بر روی آن اجماع صورت بگیرد، همین موضوع مشوق‌های دولتی است. اینکه چه اختیاراتی دارید و با این اختیارات چه کارهایی می‌توان انجام داد؟ لذا اگر می‌خواهیم به سمت سياست صنعتی موفق برویم، اولین موضوع این است که مشوق‌هایی را انتخاب کنیم که منجر به فعالیت‌های جدید اقتصادی منطبق بر مزیت نسبی باشد.

دولت با ظرفیت یکی از شاخص‌های

تدوين سياست صنعتی موفق

زرنسدي در ادامه می‌افزاید: برای طراحی سياست صنعتی باید ابتدا بر مشوق‌ها تمرکز شود. سپس معیار موفقیت سرمایه‌گذاری‌ها شفاف شده و بعد ایده‌آل سنجش موفقیت مبتنی بر بهره‌وری مورد توجه قرار بگیرد. همچنین علاوه بر بحث خروج از سرمایه‌گذاری‌ها که شاید چندان مهم نباشد، لازم است به موضوع مهم تعیین اولویت در سرمایه‌گذاری

و حرکت به سمت اولویت‌های خاص نیز توجه شود. در واقع سياست صنعتی در جایی موفق بوده که سازمان‌های بوروکراتیک قدرتمند وجود داشته و توان اجرای آن مهیا بوده است. به همین دلیل است که واژه دولت با ظرفیت مطرح می‌شود، اینکه در نظر می‌گیرد آیا دولت شما این ظرفیت را دارد که صنایع مختلف را گزینش کند؟ نمی‌توان سياست صنعتی موفق در دولتی را انتظار داشت که از لحاظ بوروکراتیک ضعیف بوده و آمیخته با فساد است.

نکته مهم دیگر که عامل موفقیت تلقی می‌شود، مسیر ارتباط سازمان‌های متولی سياست صنعتی است که باید ارتباط خود را با بخش خصوصی حفظ کنند. یعنی ارتباط معقول خود را با بخش خصوصی حفظ کرده و در فرآیند سياستگذاری نظرات آنها را اخذ کنند. در واقع سازمان‌های متولی باید نه آنقدر دور و نه آنقدر نزدیک به بخش خصوصی باشند و حد بهینه ارتباط را با آن حفظ کنند. در اینجا ما بعضاً شاهد هستیم که بخش خصوصی به اشتباه عنوان می‌کند که من می‌خواهم سياست صنعتی را تدوين کنم. قاعدتاً در هیچ کجای دنیا بخش خصوصی و یک وزارتخانه سياست صنعتی را تدوين نمی‌کند، بلکه این وظیفه برعهده بالاترین رکن توسعه کشور قرار دارد که ملزم است ارتباطی معقول و منطقی را با بخش خصوصی داشته باشد.

سياست صنعتی به معنای دخالت

بدون برنامه دولت نیست

در جمع‌بندی مطالب باید این‌طور گفت که بحث سياست صنعتی از سوی اکثر کشورهایی که در روند صنعتی شدن موفقیتی داشته‌اند، مورد توجه عمیق بوده است. سياست صنعتی به هیچ‌وجه به معنی دخالت‌های بدون برنامه دولت در فعالیت‌های صنعتی نیست. همچنین باید این فکر را از سر بیرون کنیم که می‌شود سياست صنعتی را همچون سياست‌های مالی و پولی، که تا حدی قابلیت انتقال به هر محیط و شرایطی را دارند به راحتی تقلید کرده و نتیجه مطلوب بگیریم. باید گفت که در عین دوری جستن از هرگونه الگوبرداری تقلیدی، لازم است که برای شکل دادن به سياست صنعتی که با شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور همخوانی داشته باشد اقدام شود. نکته مهم دیگر اینکه نباید زمان زیادی مجدداً در تدوين سند بگذاریم چراکه با دانش انباشته ناشی از اقدامات خوب قبلی، زمان را بر پیاده‌سازی بگذاریم و در سه سال و نیم باقیمانده دولت تمرکز بر اجرای سياست‌ها داشته باشیم. همچنین اینکه معاون اول رییس جمهور مسوول تدوين این سند شده را به فال نیک می‌گیریم تا با ظرفیت بالاتر همه وزارتخانه و بخش‌های دولتی را بتوانند پای کار بیاورند.

در جلسه هم‌اندیشی با استاندار یزد مطرح شد:

حمایت از سرمایه‌گذاری‌های جدید در حوزه معدن و صنایع معدنی



و فولاد سرمد ابرکوه، شرکت کارخانجات تولیدی شهید قندی از آن جمله هستند. مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات با تاکید بر موقعیت مناسب استان یزد برای سرمایه‌گذاری، از همراهی و تعامل خوب مسئولان استانی و استانداری یزد با سرمایه‌گذاران و شرکت «ومعدن» خبر داد و گفت: شرکت «ومعدن» با توجه به رسالتی که نسبت به سهامداران خود و مأموریت‌هایی که در حوزه صنعت و معدن بر عهده دارد توسعه و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در استان یزد را در دستور کار قرار داده است و خوشبختانه با توجه به نگاه مثبت و حمایتی دولت و استاندار

حضور دکتر امیرحسین نادری مدیرعامل شرکت «ومعدن»، دکتر مهران فاطمی استاندار یزد و دکتر محمدعلی میرزا کوچک شیرازی مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری امید برگزار شد. در حاشیه این جلسه دکتر امیرحسین نادری با یادآوری حجم سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف معدنی و صنعتی در استان یزد، بر ظرفیت خوب این استان در حوزه‌های مختلف صنعتی تاکید کرد و گفت: بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری ۲ شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات و شرکت سرمایه‌گذاری امید در استان یزد وجود دارد که شرکت معدنی و صنعتی چادرملو، شرکت آهن و فولاد ارفع، شرکت آهن

در جلسه هم‌اندیشی با حضور استاندار یزد، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات و مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری امید، ضمن اشاره به ظرفیت معدنی و صنعتی مناسب استان یزد بر لزوم حمایت از سرمایه‌گذاری‌های جدید در این منطقه تاکید و در این خصوص بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

جلسه هم‌اندیشی در خصوص همکاری سه‌جانبه بین شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات، استانداری یزد و شرکت سرمایه‌گذاری امید با

محترم یزد، اقدامات و تفاهم‌هایی در این زمینه انجام شده است.

وی نقش معادن و صنایع معدنی در ایجاد اشتغال پایدار، محرومیت‌زدایی و ثبات اقتصادی در جامعه را مهم توصیف کرد و افزود: با توجه به محدودیت‌های مالی دولت برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه معدن و صنایع معدنی، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ تجارب موفق همکاری و مشارکت شرکت‌های معدنی در تامین زیرساخت‌ها و نهادهای تولید در بخش معدن و صنایع معدنی همچون زیرساخت‌های تامین انرژی، آب و حمل و نقل، تامین ماشین‌آلات تا بازاریابی و توسعه بازارهای جهانی ضرورت استفاده از ظرفیت بخش خصوصی را تایید می‌کند و شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات با در نظر گرفتن افزایش درآمد حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها آمادگی لازم برای مشارکت و اجرای پروژه‌های مبتنی بر تمرکز بر کل زنجیره را دارد.

دکتر مهران فاطمی، استاندار یزد نیز ضمن تاکید بر نقش حوزه معدن در بخش‌های مختلف اقتصادی، راهبرد استانداری یزد را همراستا با نگاه «ومعدان» و تمرکز بر کل زنجیره معدن توصیف کرد و گفت: استان یزد دومین استان معدنی و چهارمین استان صنعتی کشور است و منابع طبیعی با محوریت معادن یکی از ثروت‌های اصلی استان یزد است و در حوزه سرمایه‌گذاری در این بخش، پیوست‌های سرمایه‌گذاری تکمیل زنجیره ارزش و مسئولیت‌های اجتماعی مورد توجه استان است.

دکتر فاطمی با اشاره به فعالیت‌های شرکت‌های گروه «ومعدان» در یزد، از چادرملو به عنوان یکی از مجموعه‌های پر قدمت، فعال و بزرگ کشور نام برد که خدمات زیادی در حوزه معدن و زنجیره‌ی پایین دستی و فولاد انجام داده است و از همراهی استان برای سرمایه‌گذاری‌های جدید این شرکت خبر داد و بر ضرورت تسهیل‌گری در فعالیت‌های اکتشافی، واگذاری‌ها محدوددهای معدنی، صدور مجوزها، تامین زیرساخت‌ها، پرداخت تسهیلات تاکید کرد و رفع موانع سرمایه‌گذاری و فعالیت معدنی را از وظایف و تکالیف دولت دانست.

استاندار یزد در ادامه به نقش حوزه شرکت

سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات در ایجاد اشتغال پایدار در منطقه پرداخت و با اشاره به نقش ۹۰ درصدی حوزه معدن و صنعت در اشتغال استان یزد، حوزه معدن و صنایع معدنی را مهم و فرصتی برای ایجاد اشتغال پایدار توصیف کرد.

وی همچنین از مشارکت «ومعدان» و شرکت‌های گروه در تامین زیرساخت‌های حمل و نقل به‌ویژه در شبکه ریلی کشور استقبال کرد و با تاکید بر موقعیت استان یزد در شبکه ریلی کشور به عنوان پنج‌راه ریلی کشور و کریدور اتصال شرق به غرب و شمال به جنوب کشور گفت: در سفر رئیس محترم جمهور به استان یزد، اعتباری در حدود هزار میلیارد تومان برای توسعه شبکه ریلی و افزایش ظرفیت حمل بار در نظر گرفته شد و بخش خصوصی به‌ویژه در حوزه معادن و صنایع معدنی نیز در اجرای این پروژه‌ها مشارکت می‌کنند، که سرمایه‌گذاری مجموعه چادرملو در حمل و نقل ریلی نمونه‌ای از آن است.

استاندار یزد همچنین به سرمایه‌گذاری «ومعدان» در حوزه صنایع پیشرفته در یزد اشاره کرد و با تاکید بر حمایت‌های استان از پروژه‌های تعریف شده در این حوزه گفت: کارخانه شهید قندی بخشی از هویت صنعتی استان یزد است و نگاه استان به این مجموعه برگشت به دوران طلایی

فعالیت، با سرمایه‌گذاری و نوسازی فناوری و انتقال تکنولوژی به مجموعه است و استان از سرمایه‌گذاری برای استفاده از ظرفیت این کارخانه در صنایع پیشرفته استقبال و حمایت می‌کند.

دکتر فاطمی در خاتمه صحبت‌های خود با بیان اینکه مقدمات اولیه برای جابجایی این مجموعه به شهرک صنعتی یزد مهر انجام شده است یادآور شد: ما در استان، رفع موانع و حمایت مادی و معنوی از بخش تولید را بر خودمان فرض می‌دانیم و امیدواریم با اقداماتی که «ومعدان» در مجموعه شهید قندی انجام می‌دهد، شاهد پویایی و اتفاقات خوب در این مجموعه باشیم.

گفتنی است شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات (ومعدان) در رویکرد جدید خود با تمرکز بر کل زنجیره ارزش، برنامه‌های جدیدی در حوزه‌های مختلف اکتشاف، بهره‌برداری و فرآوری مواد معدنی را آغاز کرده است و در این مسیر علاوه بر بهره‌گیری از توان و تخصص داخل از تجارب موفق جهانی نیز استفاده می‌کند و با توجه به ظرفیت علمی و توانایی مالی مناسب خود، با در نظر گرفتن منافع سهامداران، ضمن برنامه‌ریزی برای ارتقاء و تکمیل پروژه‌های در دست اجرا، طرح‌های ملی و بین‌المللی متعددی را در استان‌های مختلف کشور در دستور کار خود قرار داده است.



استان یزد دومین
استان معدنی و
چهارمین استان
صنعتی کشور است
و منابع طبیعی با
محوریت معادن
یکی از ثروت‌های
اصلی استان یزد
است و در حوزه
سرمایه‌گذاری در این
بخش، پیوست‌های
سرمایه‌گذاری
تکمیل زنجیره ارزش
و مسئولیت‌های
اجتماعی مورد توجه
استان است

جهان معدن مصوبه مالیاتی صادرات مواد خام و نیمه خام را بررسی کرد:

دست انداز صادراتی سنگ آهن

چنین مصوبه‌ای نه تنها به ضرر بخش معدن و بخش خصوصی و معادن کوچک است بلکه به ضرر کل اقتصاد هم تمام می‌شود، مگر اصلاح شود. تحلیلگران باور دارند در این راستا باید از کشورهایی همچون هند الگوبرداری و سیاستی را اتخاذ کنیم که به نفع بخش خصوصی و تولید باشد. به طور مثال هند از سال ۲۰۱۶ محدودیت سقف عیار صادراتی را وضع کرد. به این صورت که صادرات سنگ آهن از عیار ۵۸ به بالا ممنوع و کمتر از آن آزاد شد و در این راستا باعث شده که تولید سنگ آهن در این کشور افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند. از سال ۲۰۱۶ این کشور طرح‌های توسعه در زمینه سنگ آهن را به مرحله اجرا درآورده و باعث شده که بخش خصوصی علاقه‌مند به اکتشافات گسترده شود. این در حالی است که در ایران حمایت لازم جهت سرمایه‌گذاری در بخش فرآوری معادن هماتیتی کشور به درستی صورت نگرفته است چراکه مشکل مالی مانع این کار شده است.

کیوان جعفری طهرانی تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی فولاد و سنگ آهن درباره این پرسش که این مصوبه چطور انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش فرآوری در داخل کشور را کاهش می‌دهد به گفت: زمانی که صادرات سنگ آهن آزاد بود، چین سنگ آهن از عیار ۴۸ درصد به بالا خریداری می‌کرد. در این بین معادن هماتیت منگنزدار نیز بودند که این کشور از آنها خریداری می‌کرد. در حالی که در کشور ما حتی هماتیتی که فروش می‌رود باید حداقل عیار ۵۸ درصدی داشته باشد که آن هم مورد مصرف کوره‌های بلند است.

این تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی فولاد و سنگ آهن ادامه داد: چین حتی سنگ آهن مگنتیتی را حاضر بود با ناخالصی‌های مختلف سولفور و فسفر بالا حتی با عیار ۵۰ درصد نیز خرید کند. جعفری طهرانی با اشاره به پررنگ شدن این مساله در معادن کوچک اظهار کرد: بسیاری از معادن کوچک بخش خصوصی امکانات ریکاوری یا حتی کنسانتره‌سازی ندارند و اگر هم بخواهند محصول خود را به علت بعد مسافت به کارخانه‌های داخلی بفروشند، هزینه بالایی را باید متحمل شوند. در نتیجه معادن هماتیت کوچک که با مشکلات مختلف روبه‌رو هستند نه تنها سودی نمی‌برند بلکه بسیاری از مواقع حتی هیچ خریداری هم برای سنگ آهن آنها وجود ندارد. این در حالی است که وقتی صادرات آزاد بود، سنگ آهن هماتیت



چند وقتی می‌شود که اعتراضاتی به مصوبه مالیات بر صادرات سنگ آهن مطرح است چراکه این مصوبه نه تنها کارشناسی و تخصصی نیست بلکه می‌تواند باعث کاهش هرچه بیشتر انگیزه سرمایه‌گذاران برای ورود به این بخش شود. با اینکه به گفته مدیر اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران این مصوبه تغییری در عرضه داخلی ایجاد نمی‌کند و روی قیمت فولاد اثر ندارد اما کارشناسان در کل این مصوبه را سیاستی به ضرر توسعه معادن سنگ آهن کشور می‌دانند. اخیراً مصوبه مالیات بر صادرات مواد خام و نیمه خام اعلام شد. در این خصوص برخی از فولادسازان اعلام کردند که این تصمیم از خروج سنگ آهن و صادرات آن به صورت خام از کشور جلوگیری کرده و انگیزه برای صادرات مواد خام و نیمه خام را کاهش می‌دهد و باعث حرکت به سمت فرآوری این مواد شده که اتفاق درست و مثبتی در زنجیره فولاد است اما دیگر کارشناسان نظری عکس آن را دارند. آنها باور دارند

رضا جدیدی مدیر دفتر برنامه‌ریزی، فناوری اطلاعات و بودجه سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی در تحلیلی به چالش‌های حکمرانی در بخش معدن (زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی) از منظر منابع انسانی و ذخایر معدنی پرداخته است. در خلاصه این مطلب می‌خوانیم: سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور به عنوان حلقه آغازین معدنکاری و بواسطه پایش ذخایر معدنی، تولید اطلاعات پایه زمین‌شناسی و منشا یابی مخاطرات طبیعی، نقش به‌سزایی در تحقق حاکمیت کشور از جمله: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر فعالیت زمین‌شناسی و اکتشافی، برقراری عدالت سرزمینی به واسطه اکتشاف ذخایر معدنی و فراهم کردن زمینه لازم برای رشد و توسعه کشور و اشتغالزایی به همراه دارد.

صادر می‌شود و برای کشور ارزآوری داشت. حال می‌توان این صادرات را در جهت سرمایه‌گذاری مجدد در بخش فرآوری برای مدت مشخصی سوق داد.

سیاستی که تولید

سنگ آهن هند را افزایش داد

این تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی فولاد و سنگ آهن با بیان اینکه نمی‌توان گفت که اگر صادرات سنگ آهن هماتیت آزاد شود به طور قطع روی بازار داخلی تاثیرگذار خواهد بود یا خیر ادامه داد: شاهدیم که هندوستان از سال ۲۰۱۰ بحث عوارض صادراتی سنگ آهن را مطرح کرده بود. این کشور پیش از آن یعنی تا سال ۲۰۰۹ سالانه ۱۱۰ میلیون تن صادرات سنگ آهن داشت، طوری که پس از استرالیا و برزیل بزرگ‌ترین صادرکننده به چین و کل دنیا بود اما بعد از ۲۰۱۰ که عوارض جدید وضع کرد صادرات آن به سالی پنج میلیون تن یک دفعه افت کرد. سپس این کشور تلاش کرد تا عوارض صادراتی را از ۴۰ درصد به ۳۰ درصد کاهش دهد و در نهایت وقتی دید که فعالیت بسیاری از معادن متوقف شده از سال ۲۰۱۶ عوارض صادراتی را برداشت ولی محدودیت سقف عیار صادراتی را وضع کرد. به این صورت که صادرات سنگ آهن از عیار ۵۸ به بالا ممنوع و کمتر از آن آزاد شد.

او با اشاره به اینکه هند امروزه محدودیت سقف عیار تعیین کرده است، ادامه داد: سیاست این کشور باعث شده که تولید سنگ آهن هند افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند. از سال ۲۰۱۶ این کشور طرح‌های توسعه در زمینه سنگ آهن را به مرحله اجرا در آورده است. حالا بخش خصوصی هم علاقه‌مند به اکتشافات گسترده شده است. به این ترتیب این کشور در سپتامبر ۲۰۲۰ اعلام کرد به ذخایر متناهی از سنگ آهن مگنتیت دست یافته است.

این تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی فولاد و سنگ آهن با اشاره به آمارها خاطرنشان کرد: تا سال ۲۰۲۰ ذخایر قطعی این کشور حدود ۲۲ میلیارد تن عمدتاً سنگ آهن هماتیت بود اما در بحبوحه شیوع ویروس کرونا اعلام کرد که به ۱۰/۷۹ میلیارد تن ذخایر قطعی مگنتیت دسترسی یافته و کل ذخایر قطعی سنگ آهن هند به ۳۳/۲۸ میلیارد تن رسیده است. در نتیجه وقتی سیاستگذاری‌ها به درستی اجرا شوند و به بازار و مصرف توجه شود، سرمایه‌ها به درستی در بخش‌های اکتشاف و فرآوری پخش شده و ارزآوری معادن به توسعه اقتصاد کمک می‌کنند.

جعفری‌طهرانی درباره این پرسش که سیاست دولت ایران چه ضرری می‌تواند برای اقتصاد و کل چرخه داشته باشد، گفت: وقتی قانونی تصویب و برای کلیه

عیارها عوارضی تعیین می‌شود، شاهد خواهیم بود که بسیاری از معادن بخش خصوصی کشور که درصد قابل توجهی از آنها در اشتغالزایی و توسعه مناطق محروم نقش دارند از گردونه تولید خارج می‌شوند. این تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی فولاد و سنگ آهن گفت: تمامی معادن قابلیت فرآوری و سرمایه لازم را ندارند. البته در حال حاضر سنگ آهن مگنتیتی در داخل کشور برای کارخانه‌های کنسانتره ساری داخلی خریدار دارد ولی سنگ آهن هماتیت زیر ۵۸ درصد به ندرت خریدار دارد مگر تکنولوژی‌های نوین فرآوری سنگ آهن هماتیت با سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و دولتی اجرایی شوند.

او با بیان اینکه در حال حاضر فرآیند بسیار پیچیده‌ای اتفاق افتاده و باعث شده که خیلی از معادن کوچک به ویژه بخش خصوصی نتوانند تولیدکننده باشند، گفت: معادن کشور از طرفی بازار داخلی ندارند و از طرفی صادرات هم امکان‌پذیر نیست، در نتیجه در آینده نزدیک ضرر قابل ملاحظه‌ای از عدم فعالیت معادن در اقتصاد ایران ایجاد می‌شود.

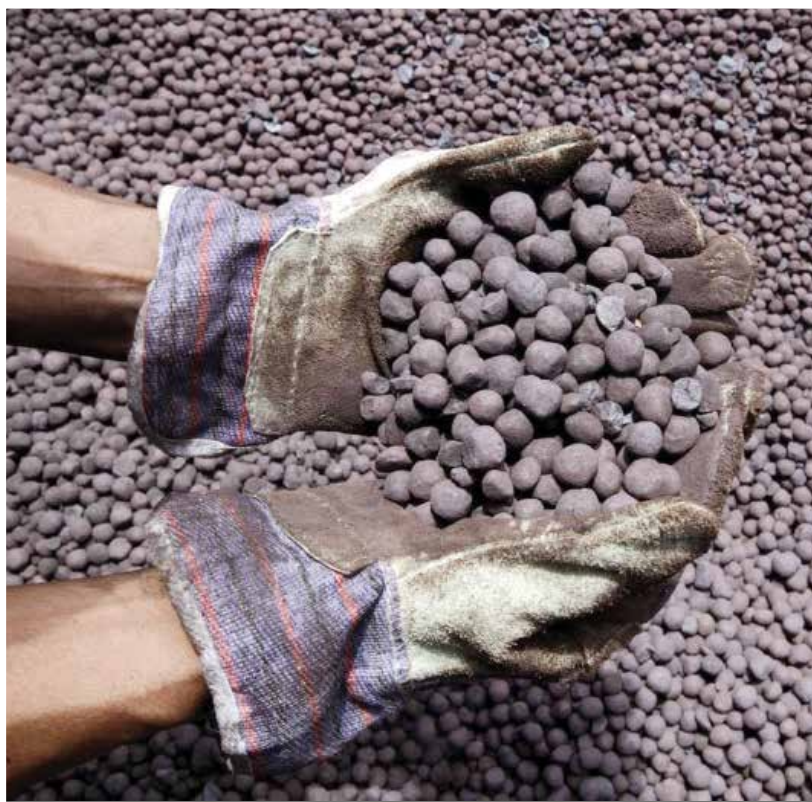
این تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی فولاد و سنگ آهن با اشاره به اظهارات دبیر اتحادیه صادرات مواد معدنی درباره اهمیت و نقش معادن در توسعه اقتصادی گفت: بارها این سخن از کامران و کیل شنیده شده که ما در معدن مهاجرت معکوس

داریم. قشر تحصیلکرده از شهرهای بزرگ به مناطق محروم می‌روند که باعث احیا و توسعه اقتصادی و اشتغالزایی در مناطق محروم می‌شود. ضمن اینکه این مهم امنیت اجتماعی ایجاد می‌کند. به این ترتیب بسته شدن معدن ضرر سنگینی ایجاد خواهد کرد که دودش به چشم اقتصاد و کل کشور می‌رود.

تصمیمی که موجب رونق فرآوری نمی‌شود

این تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی فولاد و سنگ آهن درباره این سوال که با اینکه گفته شده این تصمیم باعث حرکت به سمت فرآوری این مواد شده و مثبت است، موافق هستید یا خیر گفت: تا حدودی درست است ولی نه لزوماً به طور صددرصد.

او با بیان اینکه لازم نیست همه کارها را با آزمون و خطا انجام دهیم، تاکید کرد: باید کشورهایی که در زمینه عوارض صادراتی سنگ آهن از ما جلوتر هستند را بررسی و مطالعه کنیم. وقتی هند آزمون و خطا کرده و ضرر و زیان آن را دیده و الان حدود پنج سال است که تصویب کرده عیار ۵۸ به پایین آزاد و بالاتر از آن ممنوع است، متوجه می‌شویم که سیاست درستی است و باعث جمع سرمایه و سرمایه‌گذاری‌های مجدد در بخش‌های اکتشاف و فرآوری شده است. جعفری‌طهرانی ادامه داد: بسیاری از معادن کوچک قابلیت فرآوری ندارند یا سرمایه لازم را برای این کار ندارند؛ چراکه سیستم فرآوری



هماتیت گران قیمت است و با وجودی که بومی سازی نیز شده، ولی هنوز سرمایه گذاری های لازم در این خصوص تجمیع نشده است. به این ترتیب باور دارم اگر برنامه ریزی شود محصولاتی که مصرف داخلی ندارند صادر شده و در قبال آن سرمایه وارد کشور شود و دوباره در بخش فرآوری سرمایه گذاری شود، سیاست درستی است و در غیر این صورت نتیجه معکوس را شاهد خواهیم بود.

ظرفیت های خوب در زمینه سنگ آهن

در ادامه معاون امور معادن و فرآوری مواد وزارت صنعت، معدن و تجارت گفته است، هنوز ظرفیت های خوبی در زمینه سنگ آهن در کشور وجود دارد و اگر بتوانیم مشکلات بخش اکتشافات مان را حل کنیم، برآورد می شود بیش از آنچه در آمارها آمده ظرفیت و ذخایر سنگ آهن موجود است. رضا محتشمی پور افزود: موضوع تامین سنگ آهن در کشور با سطح کنونی اکتشافات انجام شده، به عنوان یک دغدغه مطرح است. وی بیان کرد: از سویی می دانیم سطح و عمق اکتشافات انجام شده در کشور بسیار پایین است، یعنی به طور قطع ظرفیت های خوبی برای سنگ آهن وجود دارد که هنوز کار نشده است. معاون امور معادن و فرآوری مواد وزارت صنعت، معدن و تجارت تصریح کرد: در همین زمینه، موضوع معادن فرامرزی مثل هر همکاری بین المللی دیگری برای ما از اهمیت برخوردار است.

وی ادامه داد: مهم است که بتوانیم ظرفیت های معدنی کشورمان را در اختیار دیگران قرار داده و

به جذب سرمایه گذاری بپردازیم و اینکه در سایر کشورها در حوزه معدن ورود کنیم. محتشمی پور با اشاره به وجود تقاضاهایی برای فعالیت در معادن دیگر کشورها تصریح کرد: این، بخشی است که بکر مانده و کار زیادی در این زمینه انجام نشده است؛ با این حال به معنای تامین سنگ آهن از خارج از کشور نیست.

معاون امور معادن وزارت صمت تاکید کرد: پیشرفت هر روزه فناوری ها در جهان، به طور مرتب این اعداد و ارقام را تغییر می دهد و به آمارهای سنگ آهن کشورمان می افزاید.

احتمال کاهش قیمت سنگ آهن در بازار

جهانی

در حالی که علائم و نشانه ها از پشت دیوار چین و شرایط بازار سنگ آهن موسسات تحقیقاتی حوزه فولاد را به سمت پیش بینی کاهش قیمت این محصول پیش می برند اما طی یک هفته گذشته این محصول با رشد ۱۱ دلار و ۳۵ سنتی دوباره به کانال ۱۳۰ دلار برگشت و در آخرین روز معاملاتی هفته با نرخ ۱۳۷ دلار و ۲۵ سنت مبادله شد.

طبق آمار منتشر شده از سیسا (انجمن آهن و فولاد چین) سیاست های کربن زدایی پکن که از سال ۲۰۲۱ شروع شده برای سال جاری میلادی هم استمرار خواهد داشت و تا المپیک زمستانی شش روزی روی اجرای آن از سوی حاکمیت نظارت خواهد شد که این امر باعث کاهش تولید فولاد در سرزمین اژدها خواهد شد.

البته کاهش تولید فولاد علاوه بر سیاست های حاکمیتی، دلیل دیگری نیز دارد که عبارت است از کاهش ساخت و ساز و نیاز به فولاد که در اثر کمبود نقدینگی پروژه های عمرانی ایجاد شده است و همین امر کاهش مصرف و تقاضای سنگ آهن و در نتیجه افت قیمت آن را در پی خواهد داشت.

یکی دیگر از عللی که موسساتی نظیر UBS و اکونومیست نزول قیمت سنگ آهن به زیر ۹۰ و ۸۰ دلار را در آخرین گزارش های خود نسبت به بازار فولاد در نظر گرفته اند، فراگیر شدن منطق جایگزینی قراضه آهن به جای سنگ آهن در تولید فولاد است که به مراتب تهدیدی جدی تر از کاهش تقاضای فولاد و افت نقدینگی پروژه های عمرانی به شمار می رود چرا که با سیاست های حمایتی اقتصادی پکن نیز جبران نخواهد شد.

انتظار می رفت که تقاضای بلندمدت توسط اقتصاد سبز و الزامات کربن زدایی جهانی که در آن فولاد در تعدادی از بخش ها، به ویژه در چین، درگیر می شود، افزایش یابد. و بلیکس نوشته که با وجود اینکه ظرفیت زیادی در چین برای بخش بزرگی از سال ۲۰۲۱ تعطیل بود، تولید فولاد تنها چند درصد کاهش داشت، این نشان می دهد که آنها [چین] در ابتدا چه میزان ظرفیت و چه مقدار فولاد تولید کردند.

با همه این اوصاف همچنان بازار سنگ آهن در برابر این عوامل و چنین پیش بینی هایی سرخم نکرده و کوتاه نیامده اما با توجه به تجربه دو سال قبل چنین تنزل قیمتی برای سنگ آهن در بازارهای جهانی دور از انتظار نخواهد بود.



روند فصلی تغییرات شاخص مقدار تولید در تابستان ۱۴۰۰ بررسی شد: رونق ملایم صنعت همراه بار کود بخش معدن و کشاورزی



معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران تغییرات شاخص تولید در تابستان ۱۴۰۰ را بررسی کرد. بررسی روند فصلی تغییرات شاخص مقدار تولید در سه بخش صنعت ساخت، معدن و کشاورزی از تابستان ۹۸ تا تابستان ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که رشد نقطه به نقطه مقدار تولید بخش صنعت ساخت از تابستان سال گذشته به بعد همواره مثبت بوده؛ اگرچه در تابستان ۱۴۰۰ از سرعت رشد آن کاسته شده است.

در مقابل، دو بخش معدن و کشاورزی دچار رکود و افت تولیدات هستند. به استثنای بخش کشاورزی، سطح تولیدات در دو بخش صنعت ساخت و معدن در تابستان ۱۴۰۰ در مقایسه با ارقام سال پایه یعنی ۱۳۹۰، همچنان کمتر بوده که به معنی عدم تحول معنادار در ارتقای سطح تولیدات طی دهه اخیر است. روند تغییرات شاخص بهای تولیدکننده برای هر سه بخش طی بازه زمانی مورد بررسی، افزایشی بوده که بخشی از آن را می‌توان به افزایش سطح قیمت‌های مربوط به هزینه نهاده‌های تولید در سطح جهانی و داخلی و بخشی هم به کاهش عرضه به دلیل قطعی برق در برخی صنایع و افت موجودی مواد اولیه نسبت داد.

صنعت ساخت

بررسی روند شاخص تعدیل‌شده فصلی مقدار تولید در بخش صنعت ساخت طی فصول تابستان ۱۳۹۸ تا تابستان ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که این شاخص پس از تجربه رشد منفی در بهار ۱۳۹۹ و سپس رشد مثبت طی سه فصل متوالی، در زمستان ۱۳۹۹ به بالاترین حد خود رسید. از فصل بهار ۱۴۰۰ روند نزولی این شاخص آغاز و تا تابستان ادامه یافت. رقم تعدیل‌شده فصلی شاخص مقدار تولید بخش صنعت ساخت در تابستان ۱۴۰۰، حدود ۹۱/۷ بوده که اگرچه در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، حدود دو درصد رشد داشته ولی از سرعت رشد آن در مقایسه با فصول اخیر، کاسته شده که قطعی برق در برخی صنایع یکی از عوامل کاهش نرخ رشد در این فصل است. با وجود رشد شاخص در فصل تابستان در مقایسه با فصل مشابه سال قبل، همچنان سطح شاخص پایین‌تر از سطح آن در سال پایه یعنی ۱۳۹۰ است که این موضوع برای کلیه فصول از ابتدای سال ۱۳۹۸ تا تابستان ۱۴۰۰ هم صادق است. شاخص بهای تولیدکننده بخش صنعت ساخت طی بازه مورد بررسی، طی تابستان ۱۳۹۸ تا تابستان ۱۴۰۰ همواره روند صعودی داشته، با این تفاوت که سرعت رشد آن از تابستان ۱۳۹۹ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، به طور قابل توجهی افزایش یافته است. رقم شاخص مزبور در تابستان ۱۴۰۰ به ۵۷۷ رسیده که نسبت به تابستان ۱۳۹۹ حدود ۸۰ درصد رشد کرده و علت اصلی آن افزایش هزینه تامین نهاده‌های تولید (داخلی و وارداتی) بوده است. با توجه به پیشنهاد بودن شاخص بهای تولیدکننده، بخشی از افزایش شاخص بهای مصرف‌کننده در اقلام صنعتی در هر فصل به افزایش شاخص بهای تولیدکننده در تولیدات متناظر در فصل قبلی نسبت داده می‌شود. لذا انتظار می‌رود شاخص بهای مصرف‌کننده در فصل پاییز برای اقلام صنعتی موجود در سبد کالای خانوار، به تناسب افزایش یابد.

بخش معدن

سطح شاخص مقدار تولید تعدیل‌شده فصلی بخش معدن طی دو سال منتهی به تابستان ۱۴۰۰ همواره پایین‌تر از رقم آن در سال ۱۳۹۰ بوده که به معنی عدم تحول معنادار در این بخش در رابطه با افزایش سطح تولیدات طی ۱۰ سال اخیر است. این شاخص پس از آنکه در تابستان ۱۳۹۹ به بالاترین میزان خود از ابتدای سال ۱۳۹۸ رسید (۹۷/۸)، شروع به افت کرد و طی چهار فصل متوالی کاهش، در تابستان ۱۴۰۰ به ۹۴/۱ رسید. رشد این شاخص در تابستان ۱۴۰۰ در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، حدود منفی چهار درصد بوده که بیشترین نرخ کاهش در مقایسه با دو فصل گذشته را داراست. با توجه به نرخ رشد منفی مقدار تولید بخش معدن برای سه فصل متوالی و تشدید آن در فصل تابستان، نتیجه‌گیری

می‌شود که این بخش از فصل تابستان سال ۱۴۰۰ وارد رکود شده است. در تابستان ۱۴۰۰، شاخص بهای تولیدکننده بخش معدن به حدود ۱۰۱۸ رسید. این شاخص از ابتدای سال ۱۳۹۸ همواره روند صعودی داشته و رقم آن در تابستان ۱۴۰۰ در مقایسه با تابستان ۱۳۹۹ بیش از دو برابر رشد کرده است. عوامل گوناگونی در افزایش بهای تولیدکننده در بخش معدن اثرگذار هستند که کاهش توأم عرضه و افزایش هزینه‌های تولید از مهم‌ترین آنها بوده و با توجه به پیوند پیش‌بینی این بخش با سایر بخش‌ها و تامین نیاز کالاهای واسطه‌ای آنها، افزایش بهای تولیدکننده در بخش معدن تاثیر قابل توجهی بر افزایش بهای تولیدکننده در سایر زنجیره‌های مرتبط در صنعت ساخت نیز خواهد گذاشت.

حوزه کشاورزی

به دلیل ماهیت فعالیت بخش کشاورزی، معمولاً روند فصلی تولیدات محصولات این بخش که بیشتر مبتنی بر تولیدات زراعی و باغی است، در فصول نیمه نخست سال از افزایش نسبی برخوردار است. با توجه به نوسانات فصلی تولیدات بخش کشاورزی، برای تحلیل روند شاخص تولید این بخش، روند تعدیل فصلی شده اطلاعات دقیق‌تری را در اختیار قرار می‌دهد. براساس آنچه روند تعدیل فصلی شده شاخص مقدار تولید بخش کشاورزی نشان می‌دهد، طی دو سال منتهی به تابستان ۱۴۰۰، شاخص مقدار تولید بخش کشاورزی (تعدیل‌شده فصلی) با وجود اینکه در بهار و تابستان ۱۴۰۰ کاهش یافته، برخلاف روند حاکم بر دو بخش صنعت ساخت و معدن، همواره از مقدار آن در سال ۱۳۹۰ بالاتر بوده است. رقم شاخص مزبور در فصل تابستان ۱۴۰۰ برابر با ۱۰۴/۹ بوده که در مقایسه با تابستان سال قبل، حدود ۶ درصد کاهش یافته ضمن اینکه افت تولید در مقایسه با فصل قبل، بیشتر نیز شده است. طی دو فصل بهار و تابستان ۱۴۰۰، رشد شاخص مقدار تولید بخش کشاورزی منفی بوده که به معنی بروز رکود در این بخش است. یکی از مشکلات مرتبط با افت تولید بخش کشاورزی، کاهش میزان دسترسی به نهاده‌های تولید به ویژه آب به علت بروز خشکسالی و تغییرات اقلیمی در برخی از نقاط کشور است. شاخص قیمت تولیدکننده این بخش نیز که همواره روند صعودی را طی دو سال منتهی به تابستان ۱۴۰۰ طی کرده در تابستان ۱۴۰۰ به ۵۲۸ رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۷۰ درصد افزایش یافته است. با توجه به ضریب اهمیت بالای کالاهای خوراکی و آشامیدنی در سبد هزینه خانوار، افزایش بهای تولیدکننده این بخش آثار مستقیمی بر افزایش قیمت مصرف‌کننده دارد که کاهش عرضه و افزایش تقاضا بر افزایش مزبور تاثیر خواهد گذاشت.



وزارت صمت چگونه می تواند مدل موفق از راهبرد صنعتی ایران طراحی کند؟

جاده سازی برای توسعه صنعت

تکرار شده است. خطای دیگری که در تهیه اسناد توسعه صنعتی پیوسته تکرار می شود، کلی گویی است؛ موردی که با تهیه اسناد پشتیبان تاحدی قابل رفع است. موضوع سوم به لزوم همراهی همه ارکان سیاستگذاری اقتصادی در روند تهیه و اجرای سند برمی گردد؛ موضوعی که اگر محقق شود به تراز شدن سیاست های صنعتی، تجاری و ارزی با یکدیگر و پایدار شدن افق تولید برمی گردد.

بررسی بیشتر اسناد توسعه صنعتی در ایران و جهان نشان می دهد، دولت سیزدهم باید در کنار رفع این سه خطا، به سه رشته مساله آمایش سرزمینی، روابط خارجی و مزیت های نسبی صنعت هم توجه کند؛ موضوعی که مورد تاکید معاون هماهنگی و کسب و کار وزارت صمت نیز بوده و آن را عامل زمین گیر شدن روند توسعه صنعتی کشور در اغلب دوره ها عنوان کرده است. سیدمهدی نیازی که احتمالا در وزارت صمت، مسوولیت تهیه برنامه راهبردی صنعت را برعهده داشته، خطوط کلی تهیه سیاست صنعتی برای کشور را با لحاظ سه مساله عنوان کرده است. نیازی، رؤس تهیه نقشه راهبردی صنعت کشور

تازه دولت سیزدهم، تهیه سند راهبردی صنعت است، مرور تجربیات قبلی دولت ها در زمینه تهیه سند راهبردی صنعت حیاتی است. سیدابراهیم رئیسی که در نامه ای تهیه سند راهبردی صنعت را از معاون اول دولت خواستار شد، اولین رئیس جمهور ایران نیست که در این زمینه فرامینی صادر کرده است؛ پیش تر در دولت های سازندگی، اصلاحات، عدالت و تدبیر و امید نیز اسناد متعددی در زمینه توسعه صنعتی نوشته و رونمایی شده است که اغلب آنها بدون هیچ نشانی از اجراء به بایگانی سپرده شدند.

چرایی بایگانی اسناد

بررسی ها نشان می دهد سه ایراد عمده موجب شده است تا اسناد مختلفی که در پی توسعه صنعتی کشور هستند، بی نتیجه بمانند. مورد نخست و بزرگ ترین چالش تحقق توسعه صنعتی در کشور به عدم پایداری دولت ها به قوانین و اسناد تولید شده در دولت های قبل بازمی گردد؛ موضوعی که عمدتا ناشی از اختلافات سیاسی میان دولت های مختلف است و در عدم اجرای برنامه های ششم توسعه یا قوانین اقتصادی نیز

تولید صنعتی در کدام جاده رونق می گیرد؟ این مهم ترین پرسشی است که تهیه کنندگان سند راهبردی صنعت در دولت سیزدهم باید به آن پاسخ دهند. درس گرفتن از تجربیات جهانی توسعه صنعتی در کنار توجه به ویژگی های اقتصاد ایران دو بایسته طراحی سیاست صنعتی کار آمد است که نشان می دهد صنعت بیش از هر چیز دیگری به «آزادی»، «ارتباط»، و «چشم انداز و افق دید» احتیاج دارد تا سرمایه گذاری کند؛ فرصت های همکاری و توسعه را دریابد و برای پاسخگویی به بازارهای جدید و تقاضاهای تازه برنامه ریزی کند.

هر برنامه توسعه صنعتی باید این سه رکن را به رسمیت بشناسد تا امکان تولید ثروت و تداوم سرمایه گذاری در کشور به طور فراگیر فراهم شود. در مقطع فعلی نیز این مهم باید بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه اعضای تیم اقتصادی دولت سیزدهم قرار گیرد. از آنجا که ماموریت

را بعد بین‌المللی و تجارت خارجی؛ بعد رشته فعالیت‌های صنعتی و صنایع پیرشان و نیز بعد منطقه‌ای و مبتنی بر آمایش سرزمینی عنوان کرده است. وی بر تلاش برای تهیه سندی تاکید کرده که حین اجرا، سیاستگذار را با خلل و چالش روبه‌رو نکند. در این راستا معاون وزیر صمت اعلام کرده در تهیه اسناد اصل بر اخذ نظر فعالان بخش خصوصی و تهیه پیش‌نویس‌هایی با نگاه فرابخشی و جامعیت موضوع است که تعامل و هم‌افزایی بین دولت و بخش خصوصی و نیز اجزای مختلف صنعت را تقویت کند تا صنعت در زنجیره بنگاه‌های بزرگ و متوسط تعریف شود، بازار و تامین مواد اولیه آن شکل بگیرد و بهره‌وری افزایش یابد. مرور بیشتر اسناد وزارت صمت در طول دهه اخیر نشان می‌دهد، دست‌کم در سه مقطع، اسنادی برای توسعه راهبردی بخش صنعت و شاخه‌های مختلف تولید تهیه شده که مهم‌ترین آنها در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ بوده است. آخرین نمونه از این دست اسناد از سوی معاونت طرح و برنامه دولت قبل تهیه و تبیین شد و حاوی نکات جالبی است. از نکات جالب برنامه مذکور که به ریز جزئیات در «ارشته فعالیت، دو بعد نظری و عملیاتی و دو سطح عمودی و افقی تهیه شد، توجه به صنایع پیرشان و تقویت همکاری بین‌بخشی است. این طرح که از سوی بدنه کارشناسی وزارت صمت حد فاصل سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ تهیه شده، جزئیات مهمی از وضعیت هر صنعت، مسائل آن، چالش‌های پیش‌رو و مسیرهای توسعه و تحول را تبیین کرده است. از این منظر شاید قرار دادن همین اسناد به عنوان مبنایی برای تهیه سند راهبردی توسعه صنعتی کشور مناسب داشته باشد. خطوط کلی نسخه کارشناسان صمت در این سند این است که به جای هزینه‌کرد متکثر و جزئی روی همه صنایع، بهتر است تمرکز کشور روی توسعه «ارشته فعالیت که کشور در آنها مزیت بیشتری دارد صرف شده و توسعه، نوآوری و حمایت قانونی از تولید حول محور این «صنعت تنظیم و اجرا شود. بخش فناوری این سند حاوی نکاتی است که شایسته توجه است.

در این سند در بخش سیاست‌های افقی و عمومی که کلیات شیوه فعالیت تولیدی را تنظیم می‌کند، سعی شده بود، ذیل سه

بخش مختلف به مسائل فناوری و نوآوری، افزایش تولید و رشد ابعاد فروش صنایع داخلی پرداخته شود. این سه بخش تحت عناوین «سیاست‌های ارتقای فناوری»، «سیاست‌های رونق تولید» و «سیاست‌های توسعه بازار» رؤس کلی مسیر جهانی شدن صنایع ایرانی ترسیم شده است. در بخش توسعه فناوری در صنایع ایرانی به چهار مساله و هشت‌ابزار اشاره شده است. هشت‌ابزار رشد فناوری صنایع داخلی در این سند به ترتیب شامل «تجاری‌سازی»، «استقرار مالکیت فکری»، «هوشمندی راهبردی فناوری»، «مقررات نوآوری»، «زیرساخت‌های توسعه فناوری‌های پیشرفته»، «شبکه‌سازی و به‌هم‌رسانی»، «تامین مالی نوآوری» و «ارتقای فعالیت‌های تحقیق و توسعه» هستند که فضا را برای افزایش سطح فناوری در تولیدات داخلی فراهم می‌کنند.

از آن سو، چهار مساله فناوری در صنایع شامل «توانمندسازی مهارتی نیروی کار»، «ارتقای سازوکارهای جذب فناوری»، «افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان» و نیز «افزایش ضریب نفوذ فناوری در حوزه‌های راهبردی صنعتی» هستند که به آنها توجه شده است.

طراحان این سند با هدف اجرای این اهداف اقداماتی را در دل سند گنجانده و نظامی از پاداش و تنبیه را برای بنگاه‌های اجراکننده اهداف در نظر گرفته‌اند. برای نمونه سند تصریح کرده دست به اعمال معافیت‌های مالیاتی ۱۰ درصدی در خصوص هزینه‌های سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه واحدهای صنعتی خواهد زد. همچنین به بنگاه در قالب پرداخت ۵۰ درصد از هزینه‌های خرید اختراعات از شرکت‌های صنعتی، معدنی و تجاری کمک خواهد کرد و در قالب حمایت از شکل‌گیری صندوق‌های خطرپذیر شرکتی (CVC) و توسعه فضای کار اشتراکی و شتاب‌دهنده‌های تخصصی صنعتی و معدنی تلاش خواهد کرد نوآوری صنایع را ارتقا دهد و فناوری در بنگاه‌های داخلی جاری شود. راه‌اندازی مراکز تحقیق و توسعه در شهرک‌های صنعتی از دیگر ابزارهای تحقق اهداف مدنظر سیاستگذار است.

در این سند تاکید شده برای اطلاع یافتن از میزان تحقق اهداف سیاستگذار، سه‌شاخص بررسی و پایش می‌شود. در اولین گام «درصد محصولات با فناوری متوسط به بالا از کل محصولات ساخته شده صنعتی» بررسی خواهد شد. در دومین گام، درصد هزینه‌کرد بنگاه‌های تجاری در بخش



بررسی بیشتر اسناد توسعه صنعتی در ایران و جهان نشان می‌دهد، دولت سیزدهم باید در کنار رفع این سه خطا، به سه رشته مساله آمایش سرزمینی، روابط خارجی و مزیت‌های نسبی صنعت هم توجه کند؛ موضوعی که مورد تاکید معاون هماهنگی و کسب و کار وزارت صمت نیز بوده و آن را عامل زمین‌گیر شدن روند توسعه صنعتی کشور در اغلب دوره‌ها عنوان کرده است.

مبادله کرده و در پروژه‌های مختلف مشارکت کند تا امکان سرریز (spillover) و یادگیری برای بنگاه فراهم شود. همچنین لازم است از طریق یک سیاست خارجی قدرتمند، امکان پیشبرد اهداف بنگاه و صنایع مختلف در کشورهای خارجی ایجاد و شرایط برای تقویت همکاری با کانون‌های فناوری جهان مهیا شود. جدا از بعد خارجی، لازم است سند سیاست صنعتی کشور در کنار ملاحظات نظیر توجه به توسعه فناوری در بنگاه، رشد بهره‌وری، بهبود نوآوری و صادرات محوری صنایع داخلی و افزایش رقابت‌پذیری آنها، زمینه‌های کلان تولید صنعتی را نیز درک کرده و لحاظ کند. خاتمه دادن به سیاست غلط سرکوب قیمت که در سازمان حمایت و نهادهایی نظیر شورای رقابت طراحی و نظریه‌پردازی شده و جز کاهش تولید و افزایش واسطه‌گری نتیجه‌ای در بر ندارد، راهبردی است که به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت شدت خواهد داد. از آن سو بازتنظیم برنامه مالی دولت و متوازن کردن دخل و خرج دولت به شکلی که امکان تحقق نرخ‌های تورم تک‌رقمی فراهم شود، یکی از اهدافی باید باشد که همه اجزای دولت به آن پایبند بوده و از آن عدول نکنند. نگارش دوباره متون بسیار با حجم عظیمی از شعارهای جذاب نه تنها کمکی به توسعه صنعتی کشور نخواهد کرد، بلکه سرمایه اجتماعی دولت برای تغییر ریل واقعی کشور را به تاراج خواهد داد.

توانی برای تعدیل خود با وضعیت کسری بودجه که عامل اصلی تورم است، پیدا نمی‌کند. نتیجه اینکه اقتصاد ایران پر خواهد شد از بنگاه‌هایی که به تولید ادامه می‌دهند، ولی زیان انباشته بالایی دارند، فناوری‌های مورد استفاده در آنها به دلیل دستوری شدن سرمایه‌گذاری با فاصله زمانی بسیار عملیاتی و قابل مصرف شده و چون در دل بازار نیز قرار نگرفته، در نتیجه توانی برای رقابت با صنایع خارجی ندارد. به همین طریق است که در نهایت صنایع داخلی همپای بنگاه‌ها و رقبای خارجی نمی‌توانند حرکت کنند و در هر جهش فنی، چند پله از بازار جهانی عقب می‌مانند. در بخشی از سخنان معاون هماهنگی و کسب‌وکار وزارت صمت نکات مفیدی برای تهیه اسناد توسعه صنعتی نهفته است. توجه به اتصال بنگاه‌های ایران به محیط بین‌المللی ضرورتی است که در اغلب اسناد توسعه صنعتی به آنها توجه چندانی نشده است.

یک بنگاه برای اینکه صادرات محور شود، به جز محیط کسب‌وکار مناسب در داخل و تقویت بنیه فناوری و صنعتی، باید به ابزارهایی مشابه رقبای خود در همه ارکان زنجیره ارزش صنعتی دسترسی داشته باشد. برای نمونه بتواند با گشایش اعتبار و تسهیلات شبکه بانکی جهانی قطعات و مواد خود را خریداری کند. این بنگاه باید به راحتی بتواند با قطعه‌سازان بزرگ جهان و فروشندگان خارجی ارتباط گرفته و در کنار فروش محصول، با آنها تکنولوژی و قطعات

تحقیق و توسعه از کل هزینه‌کرد تحقیق و توسعه کشور رصد می‌شود و در نهایت درصد صادرات محصولات با فناوری متوسط به بالا از کل صادرات غیرنفتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پایش این سه شاخص احتمالاً کمک خواهد کرد تا مساله توسعه صنعتی از مجرای رشد فناوری در صنایع و صادرات محصولات نوآور محقق شود. وظیفه اجرایی کردن اهداف این سند در بخش فناوری نیز به طور مشخص به وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی کل کشور سپرده شده است.

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد با وجود نیت بسیار مفیدی که در بسیاری دیگر از برنامه‌های توسعه یا سیاست‌های صنعتی وجود دارد و در این بسته نیز تعبیه شده، خلل‌های بسیاری در اجرای اهداف این اسناد ایجاد خواهد شد. برای نمونه در این سند به شکل پیاپی بر پوشش هزینه‌های فناوری بنگاه تاکید شده؛ اما هیچ کجا اشاره‌ای نشده که وقتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برنامه مالی سالانه دولت را با کسری بودجه‌های هنگفت تنظیم می‌کند، یک بنگاه چگونه می‌تواند توانی برای تامین ۵۰ درصد از هزینه خرید فناوری یا اختراع کنار بگذارد. در شرایطی که سرکوب قیمت‌ها در همه صنایع از پتروشیمی و فولاد و سیمان تا غذا، خودرو، لوازم خانگی و انرژی به انحای مختلف اعمال می‌شود، بنگاه



چالش‌های صنعت فولاد ایران



محمد ابکا - رئیس هیات مدیره فولاد تکنیک

یک میلیون و هفتصد هزار تن محصولات مختلف فولادی بوده است. این درحالی است که در سند چشم‌انداز پیش‌بینی ۲۰ میلیون تن صادرات سالانه و ۳۵ میلیون مصرف داخلی در سال ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده است. در توسعه معادن و تامین مواد اولیه نیز با چالش روبه‌رو هستیم. به‌رغم اقدامات انجام‌شده در زمینه اکتشاف فاصله با هدف بسیار زیاد است. ذخایر معادن قبلی اکتشاف و استخراج‌شده رو به اتمام است و در ذخایر معادن عمقی نیز اقدام موثری صورت نگرفته و با توجه به نیاز به تکنولوژی بالا و هزینه اقتصادی بودن استخراج معادن عمقی نیاز به مطالعه و بررسی دارد. برای بسیاری از فعالان اقتصادی صنعت فولاد این سوال مطرح است که: تعیین ظرفیت ۵۵ میلیون تن و مطالعات انجام‌شده برای تحقق آن هدف درستی بوده است؟

پاسخ این پرسش این است که آیا تدوین سند چشم‌انداز لازم بوده؟ این درحالی است که بخش فولاد سند چشم‌انداز را دنبال کرده اما دیگر بخش‌ها توجهی به آن نکرده‌اند.

در حال حاضر صنعت فولاد برای ادامه حیات خود باید راساً زیرساخت‌های خود را احداث کند و برای انجام آن حداقل حدود ۹ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری مورد نیاز است. البته برای بازار فولاد باید رشد اقتصادی و ارزش افزوده صنعت و ساختمان رشد قابل قبولی داشته و مبادلات اقتصادی بین‌المللی برقرار شود.

در ضمن باید روند جانمایی نادرست واحدهای فولادی در کشور که به دلیل دخالت‌های برخی سیاست‌گذاران رخ داده است؛ اصلاح شود، زیرا بسیار شنیده شد که برخی کارخانه‌ها به دلیل کم‌آبی تعطیل می‌شوند که این تبعات همان رفتارهای غیر کارشناسی است. در حال حاضر شرکت‌های معدنی بر اینکه زنجیره ارزش را در محدوده خود استان کامل کنند، اصرار دارند و همین امر موجب شده تولیدکنندگان به راه‌اندازی پروژه‌های بسیار گران‌قیمت انتقال آب تن بدهند.

مطالعات ما نشان می‌دهد، احداث واحدهای فولادی در سواحل جنوب کشور مشکلات این بخش را در تامین آب مرتفع خواهد کرد، در غیر این صورت با مشکلات عدیده‌ای در تامین آب مواجه خواهیم شد.

در این سال‌ها مقرر شده بود تا مجوز برای ساخت کارخانه تولید فولاد در داخل ایران داده نشود؛ اما تنها یک واحد با ۱/۶ میلیون تن احیای مستقیم تولید در چابهار در حال احداث است و اقداماتی نیز در هرمزگان در دستور کار قرار گرفته است.

اما متأسفانه بسیاری از واحدهای تولیدی قصد داشتند آب موردنیاز را از طریق پساب تامین کنند و هیچ محاسبه‌ای در این راستا صورت نگرفت.

مهم‌ترین مشکل طی این سال‌ها آن بود که سرمایه‌گذار برای امکان‌سنجی احداث پروژه فولادی از محاسبات دقیق استفاده نمی‌کرد و برخی از مسوولان تامین آب مجوزها را با تحت‌فشار قراردادن اداره‌ها در استان‌ها می‌گرفتند.

تلفات آبی قابل توجهی دارند که با بازسازی و استفاده از روش‌های جدید از جمله برج‌های هوای خنک به‌جای برج‌های خنک‌کننده آبی، قابل صرفه‌جویی و کاهش مصرف آب است. یکی از راه‌های کاهش مصرف آب که واحدها در حال پیگیری آن هستند استفاده از پساب‌های شهرهای مجاور واحد است. البته این روش نیز برای واحدهای بزرگ تولیدی قابل اطمینان کامل نیست.

در پی این وضعیت مطالعات جامع صنعت فولاد در دستور کار قرار گرفت. رسانه «دنیای اقتصاد» هم همواره پیگیر پیشرفت صنعت فولاد بود. سازمان ایمیدرو شرکت ملی فولاد ایران با انعقاد قرارداد با مشاور منتخب، شرکت مهندسی فولاد تکنیک، تدوین و پایش سالانه را برنامه‌ریزی کرد.

نتیجه مطالعات و پیگیری‌ها به آنجا انجامید که سند چشم‌انداز در صنعت فولاد در ۱۴۰۴ به هدف تعیین‌شده برسد.

متأسفانه اهداف سند چشم‌انداز در زیرساخت‌های موردنیاز صنعت فولاد به دلیل عدم تحقق سند در دیگر بخش‌های به‌دست نیامد و صنعت فولاد را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخت. عدم تحقق رشد اقتصادی پیش‌بینی شده (۸ درصد)، عدم تحقق رشد ارزش افزوده ساختمان و صنعت و شرایط بین‌المللی باعث شد؛ بازار فولاد مطابق پیش‌بینی برنامه تحقق پیدا نکند. عدم پیگیری برنامه‌ها و اهداف در دیگر بخش‌ها از جمله پیش‌بینی‌های افزایش ظرفیت حمل و نقل ریلی، جاده‌ای، بنادر و عدم پیگیری برنامه انرژی شامل آب، گاز، برق دیگر چالش‌های صنعت فولاد شد. به‌نحوی که مطابق آخرین اطلاعات نیمه اول سال ۱۴۰۰ ظرفیت فولاد خام ۴۱ میلیون تن و تولید واقعی ۱۳ میلیون تن شد و همین روند تا سال ۱۴۰۴ ادامه خواهد داشت.

صادرات نیز در ۶ماهه اول سال ۱۴۰۰ معادل

در تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله ایران در سال ۱۳۸۳ برای بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره اهدافی در نظر گرفته شد. از جمله در صنعت فولاد ظرفیت ۵۵ میلیون تن در پایان برنامه (۱۴۰۴) پیش‌بینی شده بود. پس از طی ۱۰ سال از برنامه زنجیره صنعت فولاد از معدن تا محصول در ضمن پیشرفت بخش‌های مختلف در وضعیت نامتوازنی قرار گرفت به‌نحوی که برخی از حلقه‌های زنجیره پاسخگوی ظرفیت فولاد نبوده و احیای واردات در دستور کار بود.

البته در مسیر مطالعات جامع فولاد که باید به ظرفیت ۵۵ میلیون تن در افق ۱۴۰۴ برسیم، بزرگ‌ترین چالش از گذشته تاکنون در زیرساخت‌ها و به‌ویژه آب است که بر اساس نتایج به‌دست آمده از مطالعات هرگونه احداث خطوط تولید فولاد باید در نواحی جنوبی کشور، کناره‌های خلیج فارس و دریای عمان انجام پذیرد و به همین دلیل نیز دو قطب فولاد ۱۰ میلیون تنی در هرمزگان و چابهار در برنامه دیده شده است. در مورد واحدهای موجود نیز پیشنهاد شده با پیش‌بینی بروز بحران آب نسبت به جابه‌جایی یا تغییر تولید مطالعه شود و اقدام مقتضی صورت پذیرد. در صورت عدم توجه به نتایج مطالعات و ادامه روند گذشته مطمئناً هدف چشم‌انداز ۱۴۰۴ تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد، به‌طوری که در این سال‌ها برخی از واحدها اجباراً بخشی از خطوط تولید خود را در مقطعی از زمان به دلیل مشکل آب متوقف می‌کنند.

البته برای کاهش مصرف آب در واحدهای فولادی، امکان صرفه‌جویی با تغییرات در خطوط تولید وجود داشته و در این راستا نیز اقدامات قابل توجهی در واحدها انجام گرفته و می‌گیرد. نوسازی و بازسازی و استفاده از تکنولوژی‌های جدید در بخش‌های مختلف خطوط تولید و پیشگیری از تلفات بی‌مورد آبی در کاهش مصرف آب اثربخش است. برخی واحدهای قدیمی

فعالان بخش خصوصی در مورد گزارش مجمع جهانی اقتصاد هشدار دادند:

پنج چالش بزرگ اقتصاد ایران در سال آینده



که با کاهش یک درصدی در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، امیدوار کننده به نظر می‌رسد. خوانساری افزود: روند کاهش تورم اگر به همین صورت ادامه یابد امیدواری‌ها برای کاهش تورم و اثرات مثبت آن در اقتصاد را برای ماه‌های آینده بیشتر می‌کند.

وی گفت: البته در این بین برای ماه‌های بهمن و اسفند به عنوان ماه‌های پرهزینه نگرانی‌هایی وجود دارد، زیرا در این ماه‌ها پرداخت عیدی و مزایای کارکنان ممکن است بودجه را تحت تاثیر قرار دهد و دولت بخواهد با استقراض از بانک مرکزی آن را جبران کند.

رئیس اتاق بازرگانی تهران افزود: نگرانی دوم، تنخواه دولت از بانک مرکزی است که گفته شده ۵۵ هزار میلیارد تومان بوده که ممکن است در افزایش تورم

به همین صورت ادامه یابد، امیدواری‌ها برای کاهش تورم و اثرات مثبت آن در اقتصاد را برای ماه‌های آینده بیشتر می‌کند.

نشست سی‌ویکم هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در دوره نهم با بررسی مسائل و رویدادهای مهم اقتصادی کشور برگزار شد. مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران، در این نشست به پنج چالش که در گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد از ریسک‌های کنونی اقتصاد ایران ذکر شده اشاره کرد و در ادامه ابراز امیدواری کرد که در تدوین برنامه هفتم توسعه به این چالش‌های جدی توجه ویژه‌ای شود.

رئیس اتاق بازرگانی تهران در ادامه گفت: تورم سالانه منتهی به دی ماه امسال به ۴۲ و ۲ دهم درصد رسید

پنج چالش بزرگ «بیکاری و معیشت»، «سرخوردگی جوانان»، «رکود اقتصادی طولانی‌مدت»، «بحران منابع طبیعی» و «فروپاشی اکوسیستم» اگرچه اقتصاد ایران را به شدت درگیر کرده است اما اخبار خوبی که از مذاکرات به گوش می‌رسد، این امید را ایجاد کرده که هم فروش نفت و صادرات بیشتر شود و هم اینکه هزینه‌های مبادله کاهش پیدا کند.

در این میان رئیس اتاق بازرگانی تهران با بیان اینکه کاهش یک درصدی تورم سالانه منتهی به دی ماه در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، امیدوار کننده به نظر می‌رسد اعلام می‌کند که روند کاهش تورم اگر

موثر باشد.

تأثیر کم‌اثر شدن تحریم‌ها بر صادرات

خوانساری گفت: در ۱۰ ماهه ۱۴۰۰ صادرات غیرنفتی با رشد ۳۸ درصدی به ۳۸ میلیارد دلار و واردات با رشد ۳۴ درصدی به ۴۱ میلیارد دلار رسید یعنی حجم کل تجارت کشور در ۱۰ ماهه امسال حدود ۸۰ میلیارد بوده است البته کم‌اثر شدن تحریم‌ها، افزایش حجم صادرات از جمله صادرات به اروپا و واردات از آن و خارج شدن اقتصاد جهانی به ویژه اقتصاد ایران از رکود در افزایش حجم تجارت ۱۰ ماهه کشور موثر بوده است. رییس اتاق بازرگانی تهران با اشاره به بررسی لایحه بودجه در کمیسیون تلفیق افزود: لایحه بودجه در کمیسیون تلفیق تغییرات جدی داشته است که امیدواریم در آن دقت شود، زیرا بودجه پاشنه آشیل دولت و اقتصاد کشور است که اگر به آن کم‌توجهی شود می‌تواند اثرات زیانباری برای کشور در پی داشته باشد.

وی گفت: یکی از موارد تغییر در کمیسیون تلفیق، افزایش پنج میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورویی در مبحث یارانه‌ها و در تبصره یک است که آن را به ۱۰ میلیارد یورو رسانده و قرار است از محل فروش نفت به صورت ریالی تامین شود.

رییس اتاق بازرگانی تهران افزود: افزایش حداقل حقوق کارمندان دولت از چهار میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به پنج میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، افزایش خرید تضمینی گندم از کیلویی هفت هزار و ۵۰۰ تومان به کیلویی ۹۵۰۰ تومان و پایدار کردن ارز ۴۲۰۰ تومانی از جمله مواردی است که می‌تواند به کسری بودجه و افزایش تورم در سال آینده منجر شود.

بحران اشتغال و معیشت

خوانساری گفت: در بودجه سال آینده ۹ میلیارد دلار برای تامین کالاهای اساسی اختصاص یافت که مابه‌التفاوت آن ۱۶۰ هزار میلیارد تومان است یعنی کماکان تداوم ارز ۴۲۰۰ تومانی موجب اختلال در تولید و ایجاد رانت و فساد در اقتصاد می‌شود ضمن اینکه اگرچه کسری تراز عملیاتی بودجه ۳۰۱ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده، با این افزایش هادر لایحه بودجه و باقی‌ماندن ارز ۴۲۰۰ تومانی پیش‌بینی می‌شود افزایش کسری بودجه و تورم را در سال آینده شاهد باشیم.

وی ادامه داد: مجمع جهانی اقتصاد در گزارش خود، بحران اشتغال و معیشت، سرخوردگی گسترده جوانان، رکود اقتصادی طولانی مدت، بحران‌های منابع طبیعی از جمله آب و فروپاشی اکوسیستم را به عنوان پنج بحران اصلی اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۲ برشمرد.

خوانساری گفت: در این بین باید به موضوعاتی مانند مالیات بر عایدی سرمایه، خانه‌های خالی و خودرو

دقت کرد تا موجب فرار سرمایه از کشور نشود و بحران اقتصادی را تشدید نکند، زیرا خروج سرمایه به از دست رفتن اشتغال و مشکلات معیشت جوانان منجر می‌شود.

روند نزولی در شاخص ادراک فساد

رییس اتاق تهران همچنین گفت: گزارش شفافیت بین‌المللی در حوزه شاخص ادراک فساد نشان می‌دهد رتبه ایران از ۱۳۰ در میان ۱۸۰ کشور جهان در سال ۲۰۱۷ امسال به ۱۵۰ رسیده که نشان می‌دهد در این شاخص نزول زیادی داشتیم.

خوانساری همچنین بابیان اینکه خبرهای خوبی درباره توافق در وین به گوش می‌رسد افزود: اگر این توافق صورت گیرد تاثیر مثبتی در اقتصاد خواهد گذاشت، فروش نفت و صادرات بیشتر می‌شود و هزینه ۲۰ درصدی مبادلات کالایی به علت تحریم نیز حذف می‌شود.

مشکلات جدی فعالان اقتصادی

در مرز مهران

در این نشست همچنین نمایندگان بخش خصوصی در حوزه‌های مختلفی مانند حمل و نقل، صادرات، معافیت‌های مالیاتی، صادرات مواد خام، تورم، تغییرات لایحه بودجه سال آینده در مجلس و... به بحث و تبادل نظر پرداختند. اگرچه قرار بود حسن بابایی رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در جمع اعضای هیات نمایندگان اتاق تهران حضور پیدا کند و از مشکلاتی که در این حوزه به فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی لطمه وارد می‌کند، بشنود و به سوالات پاسخ دهد، اما

به دلیل طولانی شدن دیگر برنامه‌هایش دچار تاخیر شد و در نهایت جلسه بدون حضور او پایان یافت. بر همین اساس غلامرضا حسن پوراشکذری عضو دولتی هیات نمایندگان اتاق تهران به موضوع تفاهمنامه‌ای که میان سازمان بسیج و معاون اول رییس جمهور در حوزه تنظیم بازار به امضا رسیده است، اشاره کرد و گفت: به موجب یکی از محورهای این تفاهمنامه، مقرر شده که از ظرفیت مردم و بخش خصوصی در تنظیم بازار استفاده کنیم و محور دیگر این تفاهمنامه آن است که نظارت‌ها از مبداء تولید کالا تا مرحله مصرف را در بر بگیرد و برای تحقق این امر نیز لازم است که سامانه‌ها توسعه پیدا کند.

او با بیان اینکه فعالان اقتصادی در مرز مهران با مشکلات جدی مواجه هستند، افزود: دخالت برخی ارگان‌ها و دستگاه‌ها، مشکلاتی برای فعالان اقتصادی در این مرز که بزرگ‌ترین مرز زمینی کشور است، ایجاد کرده. در نهایت مقرر شد که برای حل بخشی از این مشکلات، زمینی به وسعت یک هکتار در این منطقه برای سهولت فعالیت‌های تجاری بازرگانان و احداث نمایشگاه دائمی در نظر گرفته شود.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با اشاره به بازدیدی که از یکی از واحدهای تولیدی تعطیل در ایلام داشته است، گفت: در این سفر با یک واحد تولیدی بزرگ مواجه شدیم که ضمن سرمایه‌گذاری ۶۰ میلیون یورویی و واردات تمامی ماشین‌آلات مورد نیاز از آلمان، به دلیل مشکلاتی که مساله قیمت‌گذاری دستوری ایجاد کرده، دچار تعطیلی شده است. بر این اساس، مقرر شد که در جلسه تنظیم بازار به مساله این



واحد تولیدی رسیدگی شود. او سپس به سخنان اخیر مقام معظم رهبری در مورد وضعیت صنعت خودرو و لوازم خانگی اشاره کرد و گفت: کار گروهی برای بررسی وضعیت لوازم خانگی تشکیل شده تا چنانچه گرانی این محصولات به دلیل بالا بودن هزینه تولید است، این مساله را حل کنیم. در عین حال، شایسته است که اتاق تهران نیز به این مساله توجه نشان دهد.

کمبود کانتینر و افزایش هزینه‌ها

در حمل و نقل کالا

محمدحسن دیده‌ور دیگر عضو هیات نمایندگان اتاق تهران نیز با اشاره به افزایش چندین برابری هزینه حمل و نقل کالایی در کشور، کمبود کانتینر را چالشی بزرگ پیش روی بازرگانان و تجار عنوان کرد. وی به گزارش آنکنتاد اشاره کرد که بر اساس آن، میزان مصرف در کشورها طی دوره کرونا افزایش پیدا کرده و با گسترش خریدهای آنلاین در جهان، به میزان تقاضا برای واردات کالاهای مصرفی به طور چشمگیری افزوده شده است. دیده‌ور سپس با بیان اینکه در چنین شرایطی، شرکت‌های کشتیرانی با کمبود بی‌سابقه کانتینر خالی مواجه شده‌اند، افزود: در حال حاضر چالش بزرگ، در بازگرداندن کانتینرهای خالی از کشورهای مصرف‌کننده به کشورهای تولیدکننده است که تجارت جهانی را با اتلاف وقت و افزایش هزینه‌ها روبه‌رو کرده است چراکه بیشتر کانتینرها در کشورهای معطل مانده که بیش از اینکه صادرکننده باشند، واردکننده هستند. ضمن اینکه بازگشت این کانتینرها هزینه‌بر است. عضو هیات نمایندگان اتاق تهران سپس افزود: این اتفاقات، منجر به رشد شدید

قیمت حمل و نقل کانتینرهای دریایی شده به طوری که در برخی خطوط به خصوص در فواصل زیاد، افزایشی تا بیش از هشت برابر هم دیده می‌شود که در نتیجه به بخش صادرات کشور لطمه وارد کرده است. دیده‌ور همچنین به افزایش هزینه حمل و نقل داخلی اشاره کرد و با بیان اینکه هیچ سازمان و ارگان مسوول دولتی نسبت به این افزایش هزینه عکس العمل مناسب نشان نداده است، افزود: از طرفی هزینه تامین قطعات یدکی و روغن وسایل نقلیه سنگین چندین برابر شده اما نسبت سهم آن به افزایش کرایه‌ها متعادل نیست، بنابراین دستگاه‌های متولی در عرصه حمل و نقل کالا کشور باید دست به کار شده و با اتخاذ تدابیری فوری، از بروز آسیب بیشتر به کسب و کار بنگاه‌های تولیدی و بازرگانی که به طور مستقیم درگیر با حمل و نقل هستند، جلوگیری شود.

نگرانی از نحوه بازپرداخت تسهیلات

صندوق ذخیره ارزی

در ادامه این جلسه، دیگر عضو هیات نمایندگان اتاق تهران نیز به عنوان سخنران پیش از دستور به مباحثی که در مورد بازپرداخت تسهیلات صندوق ذخیره ارزی به نرخ ۴۲۰۰ تومان در اتاق ایران مطرح شده است، اشاره و اعلام کرد که منهای رشته فعالیت‌هایی نظیر نیروگاه‌ها که فروششان ریالی است، در سایر فعالیت‌هایی که ورود و خروج منابع‌شان ارزی است، چنانچه این بازپرداخت‌ها به نرخ روز صورت گیرد، مشکلی ایجاد نمی‌کند و شایسته نیست که مهر اتاق ایران پای سیاست‌های رانت‌جویانه بنشیند. علیرضا کلاهی، در بخش دیگری از سخنانش به

موضوع لغو معافیت مالیاتی مواد اولیه خام اشاره کرد و گفت: جالب است بدانید که نرخ موثر مالیاتی در هر یک از شرکت‌های پتروشیمی در سال ۱۳۹۹ معادل ۱٪ درصد بوده و متوسط نرخ موثر مالیاتی در کل شرکت‌ها ۲/۴ درصد برآورد شده است. از جمله دلایلی که سبب شده، خواهان لغو معافیت مالیاتی این شرکت‌ها باشیم آن است که این صنایع عمدتاً بالادستی، به دلیل بهره‌گیری از رانت انرژی و منابع طبیعی، حاشیه سود بالایی دارند و این معافیت‌ها بر هم‌زننده توازن در زنجیره تولید بوده است. او با اشاره به برخی مباحث با مضمون «از دست رفتن توجیه اقتصادی طرح‌ها با لغو معافیت مالیاتی صادرات مواد خام» مطرح شده است، عنوان کرد که این مباحث موضوعیت نداشته و معافیت‌هایی که تاکنون اعمال شده، موجب توسعه متوازن نشده است. اکنون نیز، لغو این معافیت به تصویب رسیده و باید تلاش کنیم که فهرست صحیحی از مواد خام برای شمولیت در این قانون تهیه شود. پیشنهاد دیگر ما این است که منابع حاصل از لغو این معافیت به صندوقی واریز شود تا به توسعه رشته فعالیت‌های اولویت‌دار تخصیص پیدا کند.

بهبودنسبی متغیرهای تجاری

در ادامه این جلسه، مریم خزاعی معاون بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران چشم‌انداز رشد اقتصادی در ایران و جهان را ترسیم کرد و گفت: انتظار کاسته شدن از سرعت رشد ایران و رشد گروه اقتصادهای نوظهور طی سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مطرح شده است. او همچنین با اشاره به افزایش ۹۵۲ هزار میلیارد تومانی نقدینگی معادل ۲۷/۴ درصد طی ۹ ماهه سال ۱۴۰۰ عنوان کرد که پایه پولی در رشد ۲۷/۴ درصدی نقدینگی به میزان ۲۲/۷ درصد طی ۹ ماهه ۱۴۰۰ مشارکت داشته است. خزاعی همچنین از معکوس شدن روند کاهش رشد پایه پولی و استمرار روند کاهش رشد نقدینگی در آذر ۱۴۰۰ سخن گفت. به گفته معاون بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران، کلیه متغیرهای تجاری کشور طی ۱۰ ماهه ۱۴۰۰ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل بهبودنسبی داشته و طی این مدت میانگین قیمت کالاهای وارداتی ۳/۲ برابر میانگین قیمت کالاهای صادراتی بوده است. او با بیان اینکه خرید اینترنتی در دی ماه نسبت به ماه قبل، ۲/۷ درصد افت داشته است، گفت: حدود ۷۸/۳ هزار میلیارد تومان خرید اینترنتی با سهم ۱۲/۵ درصدی از کل تراکنش‌ها در دی ماه ۱۴۰۰ صورت گرفته است. خزاعی در ادامه به رشد ۸۴ درصدی تامین مالی از بازار سرمایه نیز اشاره کرد و گفت: عوامل اصلی تشکیل‌دهنده تامین مالی طی ۱۰ ماهه نخست ۱۴۰۰، انتشار اوراق با سهم حدود ۳۷ درصد، افزایش سرمایه با سهم ۶۰ درصد عرضه اولیه معادل ۹/۴ هزار میلیارد تومان با سهم ۱/۷ درصد بوده است.



نقش بخش خصوصی در توسعه معادن

ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در میانه دهه ۷۰ گشایشگر حضور بخش خصوصی در بخش معادن شد.



شبانه است که باعث سرگردانی کشتی‌های در حال بارگیری، منفی شدن تراز مالی یک سال فعالیت برخی معادن با وضع عوارض عطف به ماسبق و مواردی از این دست شده است.

واقعیت این است که به‌جز چند مورد انگشت‌شمار از ذخایر کشف شده معدنی توسط بخش خصوصی که در رده معادن بسیار مرغوب قرار می‌گرفتند و دولت و شرکت‌های دولتی وقت، در صورت اقبال بیشتر در فعالیت‌های اکتشافی‌شان تمایل داشتند که توسط ایشان شناسایی و تملک شود، اغلب ذخایر توسعه‌یافته توسط بخش خصوصی به هیچ‌وجه از سوی شرکت‌های دولتی توجیه اقتصادی نداشتند.

در صورت عدم حضور بخش خصوصی در این معادن نیز نه امکان توسعه و نه حتی اداره عملیاتی جاری وجود نداشت، بنابراین حضور بخش خصوصی در حوزه معادن به‌طور کلی اتفاقی بسیار میمون برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود و ادامه این حرکت و گسترش دعوت از بخش خصوصی نیازمند قبول این واقعیت از سوی دولت و کنار گذاشتن نگاه یک رقیب به بخش خصوصی است.

چرا که با توجه به رقابتی شدن بیشتر فضای اقتصاد معدن، جذب و نگاهداشتن سرمایه‌گذاران جدید که تنها گزینه پیش‌رو برای استفاده حداکثری از ذخایر معدنی کشورمان هستند، نیازمند نگاه حمایتی از ناحیه سیاستگذار مخصوصاً بهبود فضای کسب‌وکار از طریق شفاف‌سازی، ثبات و تسهیلگری قوانین و مقررات حاکم است.

متأسفانه در ماه‌های اخیر و با مطرح‌شدن بحث‌هایی مانند وضع عوارض غیر کارشناسی یک‌درصد فروش روی کلیه مواد معدنی فارغ از بها و هزینه تولید متفاوت آنها و هدف‌گیری محصولات معدنی موفق‌تر توسط دولت جهت اخذ انواع عوارض خلق‌الساعه، علائم ضدانگیزشی به سرمایه‌گذاران معادن کوچک و متوسط ارسال شده است.

بسا توجه به اثرات فاحش منفی این رفتار بر توسعه درازمدت بخش معدن، ادامه فعالیت‌ها با تردید مواجه است. اتفاقی که امید است با تغییرات در حوزه سیاستگذاری، بالاجنب جداسازی شرکت‌های دولتی خصوصی درست شده و سازمان‌های توسعه‌ای سابق از اعمال نظر در آن دست از سیاستگذاری که بخش خصوصی را متاثر می‌سازد، کوتاه بیایند.

اگرچه در ابتدا درک و تصور اشتباه دولت این بود که به واسطه عدم توانایی بخش خصوصی در اداره بنگاه‌های معدنی بزرگ، بیشتر فعالیت‌ها به بخش‌هایی مانند معادن سنگ ساختمانی و غیره معطوف خواهد شد و در بخش‌هایی مانند سنگ آهن، مس، طلا و... به دلیل آنکه دولت قبل از آزادسازی نسبت به تملک کلیه ذخایر به‌زعم خود اقتصادی اقدام کرده، جای مانور چندانی برای حضور بخش خصوصی باقی نمی‌ماند، اما پس از گذشت چند سال و حصول اطمینان بخش خصوصی از امنیت سرمایه‌گذاری در فضای ایجادشده، شاهد بودیم که با اکتشافات و شناسایی ذخایر جدید، بخش خصوصی اقدام به حضور در بخش‌هایی کرد که پیشتر از دید دولت کاملاً فاقد توجیه اقتصادی بود.

بازشدن این جبهه به این علت بود که اساساً بخش خصوصی با معقول‌سازی هزینه‌ها در سطحی غیرقابل تصور برای بخش دولتی، هم در بخش سرمایه‌گذاری ثابت (شامل اکتشاف، ایجاد زیرساخت و فرآوری) و هم در بخش هزینه‌های جاری اداره معادن (عملیات استخراج و فرآوری) توانست کلاسی از ذخایر را از نظر عیار و حجم ذخیره، از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر کند که از دید بخش دولتی به هیچ‌وجه ممکن نبود. تولد بخش خصوصی و توسعه معادن کوچک و متوسط ایران در دو دهه گذشته مرموز همین تحول است. با توجه به عدم امکان توفیق پروانه معدنی سیستم بانکی نیز تمایل چندانی به ارائه تسهیلات به بخش معدن خصوصی نداشت. این محدودیت اگرچه در نگاه اول باعث کندشدن توسعه این بخش شد، اما در عمل باعث ایجاد مزایای خاص خود نیز شد. به‌طور مثال، باعث شد که جمعی از خطرپذیرترین سرمایه‌گذاران بخش خصوصی واقعی که فارغ از هر تمایل رانت‌جویی از سیستم بانکی یا استفاده از تسهیلات و کمک‌های ویژه دولتی بودند، در این بخش حاضر شوند و تنها با اتکا به خود به تبدیل این ذخایر به سرمایه‌های مولد برای صنایع پایین‌دستی و اقتصاد کشور بپردازند. مقایسه بستر شکل‌گیری و توسعه بخش خصوصی معدن با بخش دولتی - خصولتی نشان می‌دهد که این بخش با کمترین بار روی شانه‌های بودجه عمومی و حتی سیستم بانکی شکل گرفته، شاید از دید اقتصاد کلان کشور یکی از بزرگ‌ترین مولدها در افزایش بازدهی سرمایه ملی محسوب می‌شود. متأسفانه تا سال‌ها پس از شروع حضور بخش خصوصی در بخش معدن نگاه چندان مهربانانه و تسهیلگری از سوی سیاستگذار به این بخش وجود نداشت. از یک‌سو به دلیل ارتباط نزدیک شرکت‌های معدنی خصولتی با بدنه دولت، نگاه دولت به بخش خصوصی معدن همواره نگاه رقیبی بود که بخش خصوصی ذخایر معدنی که از نگاه آنها حق دولت بوده را شکار کرده است. همچنین با توجه به عدم‌باور کارشناسان سیاستگذار دولتی به توان بسیار بالاتر بخش خصوصی در بهینه‌سازی هزینه‌های ثابت و جاری فعالیت معدنی، حضور بخش خصوصی نسبت به دولتی در این زمینه را موجی مقطعی و گذرا می‌دانستند که با فروکش کردن قیمت‌ها و نوسانات بازار پایان خواهد یافت.

نمونه این نگرش در سیاستگذاری‌های صورت‌گرفته را در سال‌های انتهایی دهه ۸۰ و ابتدای دهه ۹۰ می‌توان دید. در آن زمان شاهد اعمال ناگهانی تغییرات انواع محدودیت‌های تجاری، تغییرات شدید عوارض، مقررات و... بدون هیچ‌گونه هشدار و اعلام سیاست قبلی بودیم. نوسان محیط کسب‌وکار بخش معدن حتی در مقایسه با محیط اقتصاد پرنوسان و تحریم‌زده کشورمان نیز کم‌نظیر بوده و پر از روایت‌هایی مانند ممنوعیت صادرات یا وضع عوارض

در بررسی نقش زنجیره فولاد در افزایش اشتغال و تولید مطرح شد: رفع موانع کسب و کار، کلید اشتغالزایی بخش معدن

وزارت صمت به نمایندگی از حاکمیت با اتکا به طرح‌های توسعه‌ای معدنی و همچنین طرح‌های زیرساختی مربوطه اقدام به خلق فرصت‌های شغلی کنند. طرح‌هایی همچون اشتغال روستاییان در معادن، به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان رشته معدن به عنوان ناظر معدن و صنایع معدنی و همچنین مشاغل خانگی صنایع معدنی می‌تواند طرح‌های مطلوبی برای افزایش سهم این بخش از اقتصاد در اشتغالزایی باشد.

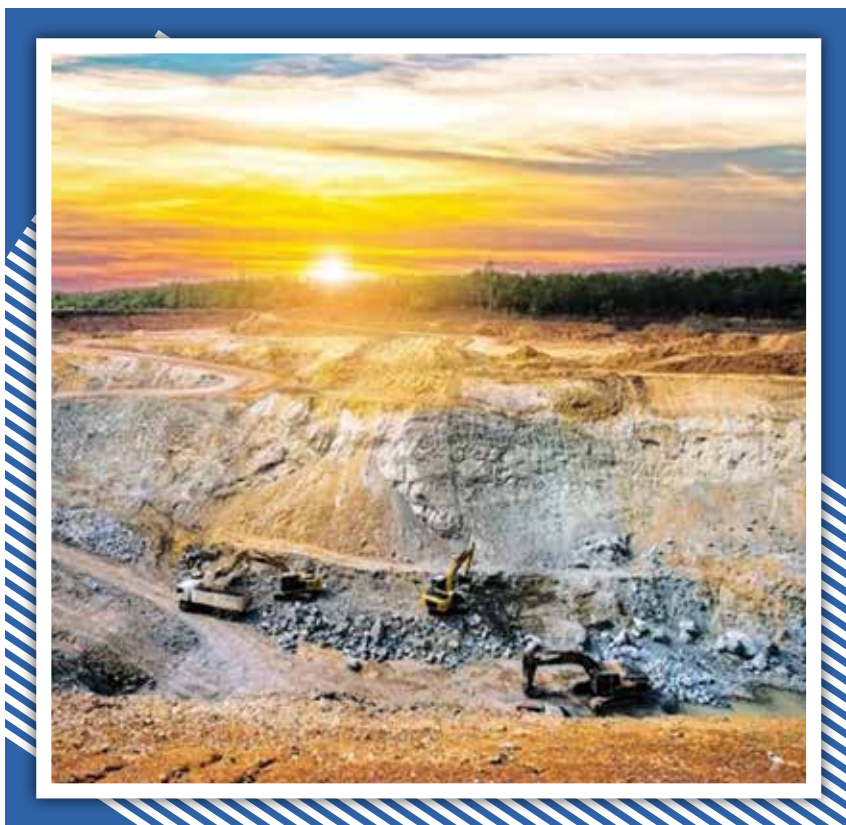
معدن یکی از اجزای اصلی توسعه کشور

از آنجا که اشتغال در تمام بخش‌های اقتصادی تابعی از تولید است، کارشناسان باور دارند باید با فعالان این بخش به گونه‌ای دیگر رفتار کرد. با توجه به متناسب نبودن تعداد فارغ‌التحصیلان با طرح‌ها و مجموعه‌های معدنی و بالطبع ظرفیت‌های شغلی آنها، برای افزایش سطح اشتغال این بخش از جامعه علمی کشور باید به شغل‌های نظارتی و کیفی مانند مسولیت فنی صنایع معدنی و یا کنترل کیفی محصولات آن روی بیاوریم. همچنین با توجه به نیاز کشور به تدوین و تالیف آمار و اطلاعات صحیح می‌توانیم بخشی از نیروی انسانی را به این مراکز اختصاص دهیم.

این در حالی است که معدن به عنوان یکی از اجزای اصلی توسعه کشور شناخته شده است. همواره از آن به عنوان یکی از مزیت‌های اصلی در جهت رشد اقتصاد غیرنفتی کشور نام برده شده است. این حوزه اشتغالزایی قابل توجهی دارد و می‌تواند مولد فعالیت‌های زیادی در کشور باشد. بنابراین برای استفاده بهینه از این منابع طبیعی باید برنامه‌ای مدون تدوین شود تا در کنار توسعه معدن شاهد اشتغال پایدار باشیم که تأثیرات فراوانی بر رفاه اجتماعی، توسعه و آبادانی مناطق مختلف دارد.

از معادن سنگ تا طلا

ایجاد هر شغل در بخش معدن این قابلیت را دارد که با ادامه زنجیره تولید، بیشتر از هفت برابر آن به صورت غیرمستقیم اشتغالزایی شود و صادرات را افزایش دهد و مشکل منابع محدود ارزی را هم حل کند. بنا به گفته



طرفی با توجه به اینکه تولیدات معدن و صنایع معدنی کشور ما ۵٪ درصد و جمعیت کشورمان یک درصد دنیا را به خود اختصاص داده است، بهترین چشم‌انداز اشتغال در این بخش از اقتصاد کشور در افق ۱۴۰۴ باید به عدد ۹۱۷ هزار نفر برسد. بنابراین نیازمندی‌های این حوزه نشان از افزایش نیرو دارد.

این میزان از اشتغال با احتساب ۲۳ میلیون جمعیت شاغل در کل کشور بالغ بر چهار درصد شاغلان کشور را به خود اختصاص خواهد داد. با توجه به اینکه نقش دولت در این عرصه پررنگ است در نتیجه خلق فرصت‌های شغلی، رفع موانع تولید و حمایت از معدنکاران و تسهیل شرایط در زنجیره تولید مواد معدنی و محصولات صنایع بالادستی معدن از جمله وظایف حاکمیت شناخته شده است. در این روند انتظار می‌رود که وزارت صمت و معاونت امور معادن و صنایع معدنی

فعالان اقتصادی با بررسی روند رو به رشد توسعه روابط تجاری دوجانبه در منطقه، نسبت به غفلت ایران از این موضوع هشدار دادند. به اعتقاد آنها، توجه به تحولات اقتصادهای پیرامونی ایران از حیث حجم انبوه موافقت‌نامه‌های تجاری اهمیت دارد و اگر به صورت بلندمدت برای توسعه روابط اقتصادی فکری نکنیم، بیش از گذشته ایزوله می‌شویم و فرصت‌های بالقوه نیز از دست خواهد رفت.

در حال حاضر جمعیتی بیش از ۲۰۰ هزار نفر در زنجیره مواد معدنی از معدن گرفته تا تولید شمش در کشور مشغول به کار هستند. کارشناسان باور دارند با توجه به پتانسیل‌های معدنی کشور و با توجه به اینکه معدن نقش پررنگی در اقتصاد دارد، انتظار حضور نیروی کار فعال در این عرصه بیش از اینهاست. از

اشتغالزایی اولویت اصلی دولت

به طور کلی معدن در رونق تولید و اشتغال که از مهم‌ترین مسائل کشور به شمار می‌رود، موثر است. وقتی معدن این ظرفیت را دارد که بیکاری را کاهش دهد، در نتیجه دولت هم باید برای آن چاره‌اندیشی کند. هر چه تولیدات داخلی بیشتر شود فعل و انفعالات بازار هم افزایش می‌یابد. بنابراین در این روند، اینکه اشتغالزایی صورت گیرد و افراد بیشتری بتوانند از این اشتغالزایی بهره ببرند باید اولویت اصلی مان باشد. کارشناسان باور دارند که کلید افزایش اشتغال در حوزه فولاد و به طور کلی معدن رفع موانع کسب‌وکار است. هنگامی که تولیدکننده احساس امنیت داشته باشد و قوانین به درستی اجرایی شوند، در نتیجه تمایل دارد ثروت‌اندوزی ایجاد کند. این در حالی است که در کشور ما شرایط حاضر کارفرما با وجود مشکلات اقتصادی، نوسان نرخ ارز و تحریم‌ها حمایت نشده و در معرض قوانین متغیر و متضاد قرار دارد. صاحب‌نظران اقتصادی در این رابطه اعلام می‌کنند که اگر تمایل داریم به رونق اشتغال در کشور کمک کنیم و از معدن در این حوزه مدد بگیریم، باید در کنار تولیدکننده باشیم و در جهت رفع هر چه بیشتر موانع کسب‌وکار بکوشیم.

مشابه سال گذشته آمار مثبتی در ارتباط با پروانه بهره‌برداری معادن مشاهده نمی‌شود. علاوه بر اینکه تعداد مجوزهای صادره کاهشی بوده، به طوری که ۴۱ نفر کمتر را هم از دو ماهه سال ۱۳۹۹ در این حوزه مشغول ساخته است. از طرف دیگر بر اساس گزارش وزارت صنعت، معدن و تجارت، میزان صدور مجوزهای معدنی به جز پروانه بهره‌برداری و هزینه صرف‌شده به جهت عملیات اکتشاف در دو ماهه سال جاری نسبت به دو ماهه نخست سال ۱۳۹۹ افزایشی بوده، هرچند در مقابل میزان اشتغال در معادن به واسطه پروانه بهره‌برداری و صدور این مجوز کاهشی بوده است. در واقع در دو ماهه ۱۴۰۰ معادل ۱۳۸ فقره پروانه اکتشاف صادر شده که نسبت به ۱۲۷ فقره صدور پروانه اکتشاف صادرشده در مدت مشابه سال گذشته افزایش ۸/۷ درصدی داشته است. همچنین طی مدت مذکور سال جاری با افزایش ۲۱ درصدی در صدور گواهی کشف معادن، ۷۵ فقره از این مجوز معدنی صادر شده و این در حالی است که در مجموع فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۹ قریب به ۶۲ فقره گواهی کشف صادر شده بود.

کارشناسان به طور میانگین بیش از ۲۵ هزار نفر به طور مستقیم در کارخانجات سیمان مشغول به کار هستند. با در نظر گرفتن ضریب اشتغال صنایع معدنی (که یک به هفت است یعنی از هر شغل مستقیم، هفت شغل غیرمستقیم ایجاد می‌کند) ۱۷۵ هزار نفر دیگر به طور غیرمستقیم در صنعت سیمان اشتغال دارند. در معادن سنگ و صنایع وابسته به آن نیز حدود ۴۰۰ هزار نفر مشغول به کار هستند. اما در این بین از معادن طلا نباید غافل شد. احداث معادن طلا اشتغالزایی بالایی به همراه دارد به طوری که گفته می‌شود یک واحد کوچک می‌تواند ۶۰۰ نفر نیروی انسانی را در خود جای دهد. به این ترتیب تمرکز بر معادن طلا می‌تواند به رونق اشتغال در کشور کمک کند.

کاهش صدور مجوز و اشتغال

پروانه بهره‌برداری معادن

با بررسی گزارش عملکردها از سوی وزارت صمت طی دوماهه نخست سال جاری و مقایسه آن با مدت مشابه سال گذشته، این واقعیت استنباط می‌شود که در بخش معدن با آمار منفی پروانه بهره‌برداری روبه‌رو هستیم. این در حالی است که بر اساس همین گزارش، میزان صدور مجوزهای معدنی به جز پروانه بهره‌برداری و هزینه صرف‌شده به جهت عملیات اکتشاف در دو ماهه سال جاری نسبت به دو ماهه نخست سال ۱۳۹۹ افزایشی بوده است. به این ترتیب در حالی که آمار پروانه بهره‌برداری منفی است اما آمار پروانه اکتشاف و صدور گواهی کشف افزایشی بوده و شاهد هستیم که سرمایه برای این حوزه سیر صعودی داشته است.

طبق آمار وزارت صمت، در صدور پروانه بهره‌برداری در دو ماهه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل صدور مجوز مربوط به پروانه بهره‌برداری منفی شده و با افت ۱۸/۸ درصدی از ۸۰ فقره به ۶۵ فقره رسیده است. دیگر آمار کاهشی این گزارش هم مربوط به میزان اشتغال به واسطه صدور پروانه‌های بهره‌برداری است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته افت ۵/۳ درصدی داشته است. در حالی که طی دو ماه نخست سال گذشته ۷۶۹ نفر مشغول شدند، این میزان در مدت مشابه سال جاری به ۷۲۸ نفر رسیده است. به این ترتیب بر اساس گزارش عملکرد وزارت صمت طی دو ماهه نخست سال جاری در مقایسه با مدت



در بررسی مشکلات توسعه اکتشافات معدنی در کشور مطرح شد:

اقتصاد معدن تحت فشار دولتی

را مقدم بر قانون فعالیت معادن می‌دانند. به این ترتیب اغلب شاهد تعارض منافع و بروز مشکل برای بخش معدن هستیم. چالش اساسی دیگر در حوزه اکتشاف، ضعف شدید مالی اشخاص حقیقی و حقوقی به ویژه بخش خصوصی است که اغلب حسابشان از شرکت‌های دولتی جداست و به شدت نیازمند حمایت هستند. این در حالی است که به گفته کارشناسان چشم امید دولت به شرکت‌های بزرگ است و توجه چندانی به کوچک‌ترها که اغلب بخش خصوصی هستند ندارد. با توجه به اینکه به دلیل محدودیت مالی بخش خصوصی بسیاری از فعالیت‌های معدنکاری تحت تاثیر کمبود نقدینگی قرار می‌گیرد، کارشناسان باور دارند که تمامی نهادهای مسوول در حل این مشکل باید تلاش کنند.

مهدیه آزادی فعال معدنی در این رابطه به «جهان صنعت» گفت: اگر معادن اکتشافی نباشد، هیچ بهره‌بردار و بهره‌برداری، معدن و معدنکاری، اکتشاف و استخراج، سنگبری، انبار سنگ، ساختمان‌سازی و ... وجود نخواهد داشت. این در حالی است که دیدگاه بسته ارگان‌های دولتی باعث بلوکه شدن محدوده‌های اکتشافی در مراحل فی‌مابین ثبت محدوده و پروانه اکتشاف شده است.

این فعال معدنی با اشاره به لزوم حمایت از معادن کوچک گفت: این روند باعث از بین رفتن معادن بخش خصوصی می‌شود، چراکه اغلب اینها معادن کوچک‌مقیاسی هستند که باید حمایت شوند. با اینکه از مسوولان بلندمرتبه کشوری، استانی در وزارتخانه و سازمان‌های زیرمجموعه استانی و استاندارها انتظار می‌رود که در بازدیدهای خود به سراغ معادن تعطیل یا کوچک‌مقیاس دارای مشکل هم بروند و بازدیدهای خود را محدود به چند معدن بزرگ نکنند، اما این عمل کمتر دیده می‌شود.

او با تاکید بر اینکه معادن بزرگ نیازمند حمایت چندانی از سوی دولت نیستند، گفت: در واقع معادن برند شده آرد خود را بیخته و الک خود را آویخته‌اند. وقتی معدنی برند می‌شود به خودی خود پیشرفت می‌کند اما



برق سراسری، سیستم مخابراتی، انرژی ارزان، وجود بنادر صادراتی در جنوب و شمال کشور، نیروی کار ارزان و فراوان، شرایط اقلیمی خوب در بسیاری از نقاط کشور و همچنین تعداد بسیار زیاد دانش‌آموختگان معدن و زمین‌شناسی، ایران بهشت معدنکاری لقب گرفته است.

فعالان معدنی چالش‌های اساسی معدنکاری و بخش اکتشاف را به چند دسته تقسیم می‌کنند. نخست می‌توان به قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت‌های معدنی اشاره کرد که مجری آن نهادهای حاکمیتی و دولتی هستند. از جمله این نهادها می‌توان به وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، سازمان‌های منابع طبیعی، محیط‌زیست، انرژی اتمی، وزارت نیرو و وزارت راه و شهرسازی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی اشاره کرد.

لزوم حمایت از معادن کوچک

گرچه براساس قانون معادن و آیین‌نامه‌های آن، معدنکاری در ایران قانونمند است اما بسیاری از نهادهای دولتی قوانین و آیین‌نامه‌های خود

توسعه اکتشاف نقش سرنوشت‌سازی در رونق بخش معدن دارد و به عبارتی سنگ بنای معدنکاری محسوب می‌شود. فعالان بخش معدن باور دارند اکتشاف مواد معدنی مهم‌ترین رکن آغاز هر پروژه معدنی و پایه و اساس معدنکاری است و اجرای آن می‌تواند موفقیت کارهای معدنی را تضمین کند. این در حالی است که به باور کارشناسان اگر بی‌تدبیری‌ها ادامه پیدا کند این عرصه با چالش جدی روبه‌رو خواهد شد.

با اینکه هدف بهره‌برداری از معادن است و در این روند باید به اکتشاف بهای بیشتری داد اما متأسفانه بخشنامه‌ها، تفاهنامه‌ها و مانع‌تراشی‌های ارگان‌های دولتی همچون وزارت صمت مانع ادامه کار شده است. این در حالی است که به دلیل تنوع انواع مواد معدنی در سراسر کشور، موقعیت زمین‌شناسی منحصر به فرد ایران، وجود زیرساخت‌های لازم برای معدنکاری مثل شبکه راه‌ها، راه‌آهن،

بتواند به روی سیب سرخ گونه گرایش پیدا کند!

او با گله از اینکه مسوولان فقط به دنبال اخذ حقوق دولتی و مالیات و درآمدزایی از بخش معدن هستند، تصریح کرد: مانع تراشی‌ها باعث شده که مسوولان توانمندی‌ها را ندیده و از پتانسیل‌ها غافل شوند. این روند باعث شده که کمتر واقعیت را ببینیم. به طور حتم سنگ‌های اکتشافی در کشور وجود دارد که بعضاً لیاقت برند شدن را دارند اما گمنام رها شده‌اند و صاحبانشان هم دچار ورشکستگی هستند.

درخواست بخشش حقوق دولتی

این فعال معدنی با اشاره به مشکلات بخش معدن از بخش‌ها و نهادهای مختلف از جمله رئیس‌جمهور، وزیر کار، خبرنگاران و دیگر مسوولان مربوطه درخواست کرد که به معدن تعطیل و لزوم بازگرداندن آنها به چرخه تولید بیشتر توجه کنند.

وی همچنین از مقامات بلندپایه دولتی و حاکمیتی درخواست کرد که بخشی از حقوق‌های دولتی معدن به مناسبت سالگرد پیروزی جمهوری اسلامی ایران بخشوده شود و یا اینکه گرفتارشدگان در این حوزه مورد عفو قرار گیرند چراکه در حال حاضر بسیاری از فعالان حوزه معدن نیز با این چالش دست‌وپنجه نرم می‌کنند و مشخص نیست افزایش حقوق دولتی معدن و ناتوانی آنها در پرداخت آن، تا چه اندازه آنها را درگیر کند.

و فعالانش وارد کرده است. در این روند محیط‌زیست هم گاه دست‌کمی از منابع طبیعی ندارد.

آزادی با اشاره به اقدامات و عملکرد مسوولان دولتی خاطرنشان کرد: رئیس‌جمهور در سفرهای استانی از صنایع بازدید داشته است در حالی که این در مورد معدن صدق نمی‌کند. تنها یک مورد بازدید از معدن بوده که آن هم به نظر می‌رسد در سفر استانی او صورت نپذیرفته است. اما از بین مسوولان باید به نقش وزرا هم توجه کرد. به طور مثال وزیر کنونی تعاون، کار و رفاه اجتماعی شخص بسیار مردمی و امین و مدافع کارگران شناخته می‌شود و گفته می‌شود که مدام هم در پی راه‌اندازی مشاغل است اما دریغ از اینکه عبدالملکی سراغی از کارگران بیکار شده معدن تعطیل کشور بگیرد!

این فعال معدنی با انتقاد از نقش صدا و سیما ادامه داد: صدا و سیما به طور مداوم در حال پیگیری کارخانجاتی است که چند سال تعطیل و کارگرانشان از کار بیکار شده‌اند. در این راستا بارها در اخبار نشان داده شده که کارخانه‌ای به مسیر تولید بازگشته اما دریغ از اینکه فعالان این حوزه یک بار پیگیر بازگشایی معدن شده باشند تا کارگران معدن هم از این خبر خشنود شوند. ضمن اینکه صدا و سیما هیچ برنامه تلویزیونی را به صورت اختصاصی برای معدن در نظر نگرفته است. در این حوزه کارگردانان باید مشکلات معدن را به تصویر بکشند تا مردم و مسوولان با مشکلات این عرصه بیشتر آشنا شوند. او تأکید کرد: با توجه به بی‌مهری‌ها به بخش معدن چطور ممکن است که معدن از سیاهی و تباهی که دارد

این معدن کوچک‌مقیاس تعطیل و راکد هستند که محتاج دیده شدن هستند؛ معدن کوچک‌مقیاسی که باید مشکلاتشان حل شود. آزادی تصریح کرد: با اینکه هدف بهره‌برداری از معدن است و در این روند باید به اکتشاف بهای بیشتری داد اما متأسفانه بخشنامه‌ها، تفاهمنامه‌ها و مانع‌تراشی‌های ارگان‌های دولتی همچون وزارت صمت و قوانین متضاد، منابع طبیعی، محیط‌زیست مانع ادامه کار شده است.

بی‌مهری وزیر کار و صدا و سیما

به معدنی‌ها

این فعال معدنی درباره این پرسش که به عنوان یک فعال معدنی مشکلات معدن را به چه صورت می‌بینید، تصریح کرد: مشکلات معدن را می‌توان به دو دسته دولتی و خصوصی تقسیم کرد. مشکلات دولتی باز دو دسته‌اند که شامل وزارت صمت و دیگر ارگان‌ها و سازمان‌ها از جمله منابع طبیعی، محیط‌زیست و... می‌شود.

او با اشاره به نقش وزارت صمت به عنوان ارگان متولی توسعه معدن گفت: این سازمان با صدور بخشنامه‌ها و تفاهمنامه‌های غیرکارشناسی و غیرمنطقی باعث بروز مشکلات زیادی شده است. به طور مثال به دلیل تصمیمات غلط معدن کوچک‌مقیاس کشور بلوکه یا تعطیل شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این تصمیمات می‌توان به تفاهمنامه فیما بین منابع طبیعی و وزارت صمت اشاره کرد. او درباره نقش منابع طبیعی نیز گفت: بهتر بود این نهاد موانع طبیعی نامگذاری می‌شد، چراکه بزرگ‌ترین مانع‌تراشی‌ها و ضربه‌های دردناک را به معدن



زمان استفاده از ظرفیت‌ها



فریال مستوفی - رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران

بعد از توافقات، تجارت ایران به چه سمتی خواهد رفت؟ آیا مانند توافق قبلی گشایش‌هایی صورت می‌گیرد و شاهد رفت و آمد هیات‌های اقتصادی مختلف خواهیم بود یا این بار فضای متفاوتی را تجربه خواهیم کرد؟ قبل از پاسخ به این پرسش‌ها باید توجه کرد که اصولاً توافقی به نفع ایران خواهد بود.

در این خصوص به طور کلی از سرگیری روابط چنانچه به صورت هوشمندانه پیش برود، می‌تواند فرصت خوبی برای ایران باشد. اما در جواب به این پرسش که بعد از توافق اصولاً روابط به چه سمتی می‌رود، باید چند نکته را مورد توجه قرار داد. اولین مساله این است که چه توافقی صورت می‌گیرد؟ مهم‌ترین راس در مذاکرات و هسته اصلی برای نتیجه‌بخش بودن برجام، مساله گشایش سیستم مالی با دنیاست؛ توافقی که در مذاکرات قبلی حاصل نشد و لازم است به‌طور کلی حل شود؛ چرا که مساله انتقال پول از مجاری رسمی بانکی بین کشورها یکی از ارکان اصلی پیش‌برد پروژه‌هایی است که تعریف می‌شود.

این موضوع برای پیوستن ایران به FATF هم باید لحاظ شود. اگر ایران بخواهد به تعاملات بین‌المللی بازگردد، باید کشور آماده تطبیق با استانداردهای به‌روز بین‌المللی بوده و برخی قوانین و مقررات داخلی متناسب با آن اصلاح شود. تصویب FATF در این میان یکی از مهم‌ترین استانداردهاست.

گروه ویژه مالی با نگرش سیاست‌های توسعه‌ای به منظور مبارزه با پولشویی و ایجاد شفافیت در سیستم‌های مالی ایجاد شد. از این رو برای ایران ضروری است تا چنانچه تحریم‌ها برداشته شود،

برای پذیرش استانداردهای بین‌المللی و اصلاح و به‌روزرسانی مقررات بانکی و مالی خود اقدام کند تا بتواند با ایجاد شفافیت جلب اعتماد کند و موارد ابهام را برای شرکای تجاری خود به حداقل برساند. ایجاد شفافیت همچنین می‌تواند از فرار سرمایه‌ها از کشور جلوگیری کند و این یکی از مزیت‌هایی است که لغو تحریم می‌تواند برای کشور به وجود بیاورد.

مساله دیگری که در صورت حصول توافق می‌تواند برای ما مفید باشد، افزایش درآمد حاصل از فروش بیشتر نفت است. در صورتی که میزان صادرات نفت ایران به حالت پیش از تحریم‌ها بازگردد، کشورهای مثل چین، هند، کره جنوبی، ترکیه و... منتفع خواهند شد؛ چرا که با بازگشت دوباره ایران به بازار جهانی فروش نفت، رقابت افزایش می‌یابد و کشورهای واردکننده می‌توانند با شرایط بهتری به نفت خام دست یابند. البته کشورهای تولیدکننده نفت مسلماً از این موضوع خوشحال نخواهند شد.

موضوع مهم دیگر، سرمایه‌گذاری در صادرات گاز کشور به اروپاست؛ موضوع بسیار مهمی که متأسفانه دولت از آن غافل شده، در حالی که ایران دارنده دومین ذخایر گازی دنیاست و می‌تواند از منافع ناشی از صادرات گاز درآمد زیادی داشته باشد و این مهم کمک موثری به رشد اقتصادی کشور و بهبود شرایط اقتصادی است.

این در حالی است که روسیه امروزه منبع اصلی تأمین‌کننده گاز اروپا شناخته می‌شود و آمریکا به دلیل شکست انحصار صادرات گاز اروپا در تلاش برای یافتن کشور جایگزین است. باید توجه کرد که در صورت رسیدن به توافق، نباید انتظار افزایش صادرات در بازه زمانی کوتاه‌مدت را داشت؛ چراکه مصرف داخلی بالا بوده و توسعه میادین جدید گازی

به زمان نیاز دارد. با این حال، توافق می‌تواند با ورود جریان سرمایه‌گذاری خارجی و شرکت‌های صاحب فناوری، در کوتاه‌مدت به حفظ سطوح فعلی تولید کمک کند و سپس در بازه چندساله با افزایش قابل توجه سطح تولید، به رشد صادرات منجر شود. لغو تحریم‌های نفتی و بانکی می‌تواند از طریق اقدام به انعقاد قراردادهایی برای جذب سرمایه و توسعه صنعت نفت و گاز باعث ورود سرمایه و فناوری پیشرفته به کشور شود. کشور ما می‌تواند با مدیریت صحیح و توافق هوشمندانه به نتیجه خوبی در این خصوص برسد. بنابراین اینکه چگونه و بر سر چه موضوعاتی توافق می‌کنیم و محتسوی قرارداد چه خواهد بود، بسیار مهم و تعیین‌کننده آینده روابط ایران با دنیاست.

توافق برجام، ابزاری برای بازگشت اطمینان به آینده و عاملی برای فروکش کردن تورم نجومی به وجود آمده است و در نتیجه می‌تواند باعث انگیزه برای افرادی شود که به دلیل بی‌ثباتی اقتصاد تصمیم به مهاجرت از طریق سرمایه‌گذاری در کشورهای همسایه گرفتند و بخشی از سرمایه‌های بیرون رفته به کشور بازگردد.

همچنین چنانچه مسیرهای مالی از مجاری رسمی بازگردند، شرکت‌های ایرانی برای صادرات و واردات دیگر نیازی به صرف هزینه‌های گزاف برای تجارت‌های فرامرزی خود نخواهند داشت؛ چرا که مسیرهایی که با اقدامات مغایر اصول تجارت جهانی از سوی آمریکا، برای شرکت‌ها مسدود شده بود، باز خواهد شد.

لغو تحریم‌ها همچنین می‌تواند صنعت گردشگری کشور را احیا کند و با توجه به پتانسیل‌های ایران در این حوزه به قطب مهمی در کسب درآمد، ارزآوری و

رشد اقتصادی تبدیل شود.

در صورت لغو تحریم‌ها، موقعیت ترانزیتی ایران و دسترسی‌اش به کریدورهای مختلف موقعیت کشورهای همسایه برای تبدیل شدن به هاب ترانزیتی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

در حال حاضر جغرافیای ایران و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور در میان کشورهای منطقه، برتر است و چنانچه بتوان با سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت‌های حمل‌ونقل از ظرفیت کشور در این حوزه بهره برد، می‌توان درآمد خوبی از این طریق عاید کشور کرد. بنابراین سرمایه‌گذاری در بهبود زیرساخت‌های بندری در بنادر مهمی چون چابهار و... از اقدامات ضروری است که دولت در سطح داخلی باید به آن اهتمام ورزد.

لغو تحریم‌ها همچنین باعث رونق بخش معدنی کشور خواهد شد و می‌تواند از طریق ورود تکنولوژی‌های به‌روز در امر استخراج مواد اولیه و همچنین ارتقای کیفیت محصول نهایی موثر واقع شود. نهایتاً اینکه از سرگیری روابط قطعاً به نفع ایران خواهد بود، اما مهم است که از این نظر جایگاه ما در تعاملات مان با شرکای بین‌المللی مان مشخص باشد که در صورت توافق بسیار هوشمندانه این روابط را مدیریت کنیم. در دور قبلی مذاکرات، با اینکه هیات‌های تجاری به ایران آمدند، اما به دلیل نبود شفافیت در قراردادهای ثمره‌ای حاصل نشد، مسلماً اگر این بار نیز توافقات در همان سطح باشد، نتیجه‌ای پایدار حاصل نخواهد شد. بنابراین روشن است که برای حصول نتیجه‌ای که بتوان مبتنی بر آن افق روشنی برای آینده روابط ایران با دنیا متصور شد، نیاز است که نکات مهم،

تعیین تکلیف شوند و در خصوص آنها به توافقی روشن و شفاف رسید.

در صورت توافق باید با کاهش قیمت دلار تورم نیز تا حدودی کاهش پیدا می‌کند و از این حیث اقتصاد کشور فرصتی برای تنفس پیدا خواهد کرد. اما نکته‌ای که در اینجا باید در نظر داشت، این است که تغییرات به‌سرعت اتفاق نمی‌افتد و برای اینکه بتوانیم در صورت حصول توافق، آینده تجاری مناسبی برای کشور متصور باشیم، لازم است که در کنار عوامل یادشده، اصلاحاتی در داخل کشور به وجود بیاوریم که چنانچه توافق حاصل شود، کشور تا حدودی آماده باشد.

در این خصوص موضوع مهم دیگری که باید دولت به آن توجه کند، این است که با تجربه از دور قبلی مذاکرات، امیدواری برای مردم به وجود نیاید؛ چرا که این موضوع سبب بی‌اطمینانی بیشتر مردم به حکومت است و باعث ناامیدی ملت می‌شود. دولت باید با درایت این موضوع را مدیریت کند؛ چرا که نتیجه رفع احتمالی تحریم‌ها در کوتاه‌مدت مشخص نخواهد شد و این موضوع زمان‌بر است. اصولاً باید توافق به گونه‌ای باشد که اثر موقت و کوتاه‌مدت نداشته باشد، بلکه به توافق پایدار با نتایج بلندمدت نیاز است تا مشکلات سابق مجدداً پیش نیاید و تجربه گذشته یکبار دیگر کام دولت و ملت را تلخ نکند. در کنار این مهم، مشکلات و چالش‌های داخلی اقتصاد کشور نیز باید حل شود که هم‌راستا با لغو تحریم‌ها، بتوانیم آماده پذیرش تغییرات و اجرای آنها باشیم.

بالغو تحریم‌ها ایران در مقابل رقبای منطقه‌ای جایگاه

پیدا می‌کند و می‌تواند در زنجیره ارزش جهانی هم نقش پررنگ‌تری داشته باشد. در نتیجه، برنامه‌های دولت باید از سیاست‌های مبتنی بر حفظ وضعیت موجود به سیاست‌های توسعه‌ای و سیاست‌های مبتنی بر افزایش صادرات تغییر کند.

خصوصی‌سازی باید به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات در صدر برنامه‌های دولت قرار گیرد. دولت باید با همکاری بخش خصوصی، پروژه‌های خود را پیش ببرد و در این مسیر دولت با ایجاد بسترها و زیرساخت‌های لازم از بخش خصوصی حمایت کند تا با همکاری مشترک بتوانیم برای اجرای پروژه‌های بین‌المللی آماده شویم.

یکی دیگر از اثربخش‌ترین راه‌حل‌ها برای برون‌رفت کشور از چالش‌های اقتصادی موجود، کاهش مداخله دولت در اقتصاد و بسنده کردن به نظارت شفاف و صحیح از طریق اجرای مقررات مناسب است.

ایجاد اعتماد سرمایه‌گذاران از طریق افزایش امنیت سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک اقتصادی و احترام به حقوق مالکیت از دیگر اصلاحاتی است که در سطح داخلی باید به آن توجه شود. سرمایه‌گذار، چه داخلی و چه خارجی، باید این اعتماد را داشته باشد که دولت از او حمایت خواهد کرد.

بنابراین پیش از هر آمیدی به رفع تحریم‌ها، ضروری است که دولت با نگاهی متفاوت به فکر اصلاحات داخلی باشد تا با استقرار روابط تجاری دوجانبه و چندجانبه مبتنی بر سیاست برد-برد بتوان در طول زمان هم اقتصاد داخلی توانمندی داشت و هم در سطح بین‌المللی جایگاه درخوری به دست آورد.



خلأ کشور در حوزه اکتشاف

ذخایر قطعی در کشور وجود دارد. براساس همین آمار میزان استخراج سالانه ما ۴۵۵ میلیون تن است. ما بیش از ۱۲ هزار معدن داریم که ۶ هزار و ۱۳۰ معدن در سال ۹۹ فعال بوده است. حال اگر بخواهیم ذخایر نفت و گاز را هم در محاسبات بیاوریم، معادل ۶ الی ۷ درصد ذخایر طبیعی دنیا در ایران است. باتوجه به اینکه ما یک درصد خاک دنیا را نیز داریم، بنابراین کماکان شرایط مطلوبی در پهنه دنیا داریم، اما از این منابع به طور کامل و مطلوب استفاده نمی کنیم. براساس آمار سال ۹۹ معادل ۱۳/۱ درصد ذخایر ما فلزی است که از این رقم ۳۹ درصد تولید ما در همان سال مربوط به ذخایر فلزی بوده است. بدین ترتیب سه برابر ذخایر تولید انجام می دهیم. در حوزه ذخایر غیرفلزی ما ۶/۱۹ درصد ذخایر غیرفلزی داریم که از این رقم نیز ۷/۸ درصد تولید کردیم. این رقم هم منطقی است چون ما نصف ذخایر را استخراج می کنیم. در این بین ۳/۶۷ درصد ذخایر ما مصالح ساختمانی و سنگ نماس، در نتیجه ما باید به ذخایر فلزی و ذخایر غیرفلزی استراتژیک اهمیت بیشتری بدهیم چون ارزش افزوده ها بسیار بالاست. ما قبل از انقلاب و حتی بعد از انقلاب به دلیل اینکه نفت و گاز زیادی داشتیم و داریم، همیشه هزینه های کشور را از طریق نفت پوشش دادیم و به سایر منابع طبیعی اهمیتی ندادیم، به همین دلیل به معدن و سایر منابع بی توجه بودیم. فقط در دوره ای که با تحریم نفت و گاز روبه رو شدیم، به حوزه های دیگری مثل معدن توجه کردیم و از طریق آنها کسب درآمد کردیم، بنابراین تاکنون ما روی معدن و روی اکتشاف سرمایه گذاری کمی کرده ایم. در دنیا در بخش معدن، اکتشاف هزینه نیست؛ بلکه سرمایه گذاری است؛ منتهی فرق معدن با سایر حوزه ها این است که معدن یک بنگاه زودبازده نیست.

معدن مثل زمین زراعی نیست که در آن ابتدای سال بذر بکاریم و انتهای سال به ما محصول بدهد. در معدن یک نسل کار می کنند و چندین نسل از آن بهره برداری می کنند؛ بنابراین این حوزه یک حوزه جدیدی برای مسوولان ماست، به همین دلیل هم اغلب با این حوزه شعاری برخورد می کنند، ولی با شعار کار معدن پیش نمی رود.

در بررسی چالش های پیشروی معدن یکی از مسائل این است که الان جایگاه معدن در کشور گم است. مدیریت زمین یک مدیریت واحد نیست، مدیریت جزیره ای است. مثلاً سازمان آب صرفاً به ذخایر آب فکر می کند. محیط زیست به «گل بزه» فکر می کند؛ جنگلبانی به درخت ها فکر می کند. براین اساس، اگر کسی بخواهد در حوزه معدن ورود کند باید از کلی دستگاه ها استعلام بگیرد گذشته از اینکه مزاحمت های محلی وجود دارد؛ چون هر روستایی یک منطقه را از



بلوچستان کار اکتشاف را دنبال کردند. البته هر کدام از این گروه ها که وارد ایران شدند؛ در حدود معدن شدادی کار را شروع کردند. مثلاً مس سرچشمه که یک معدن شدادی کوچک بود به تدریج بزرگ شد و به یک ذخیره بزرگ در کلاس جهانی تبدیل شد. گل گهر در آهن نیز همین وضع را داشت، یعنی با ورود این گروه ها استخراجی که قدیمی ها انجام داده بودند، گسترش پیدا کرد. بدین ترتیب نسل اول این حوزه با کمک کارشناسان سازمان ملل، نسل های بعدی را هم برای اکتشاف و هم علوم زمین تربیت کردند. براین اساس هم سازمان زمین شناسی ایران در بین ۱۸ سازمان زمین شناسی جهان توانست در جرگه ۱۰ سازمان برتر جهان قرار بگیرد. بدین ترتیب وظایفی همچون تهیه نقشه زمین شناسی خاورمیانه و تهیه تکنونیک دنیا به عهده ایران قرار گرفت. البته هنوز هم سازمان زمین شناسی ایران جایگاه خوبی در بین سایر سازمان های زمین شناسی در دنیا دارد. ما ابتدا نقشه های یک میلیون و ۵۰۰ هزار را کامل کردیم؛ بعد نقشه های ۲۵۰ هزار و سپس ۱۰۰ هزار را تهیه کردیم. چندی پیش هم نقشه های ۲۵ هزار را در دستور کار قرار دادیم. این مقیاس ها باعث شد اکتشاف در کشور ساماندهی شود. بر مبنای اکتشافاتی که سازمان زمین شناسی و سایر سازمان های دولتی انجام دادند، مشخص شد تا پایان سال ۹۹ معادل ۵۵ میلیارد تن

پهنه ایران زمین در حوزه زمین شناسی شرایط ویژه ای دارد. ما با ۷۰ نوع ماده معدنی در پهنه کشور روبه رو هستیم که تنوع بسیار بالایی دارد؛ در بسیاری کشورها حتی کشور های منطقه ما صرفاً شاهد یک یا چند نوع ماده معدنی هستیم.

از طرف دیگر در ایران ۳۰۰ معدن شدادی یعنی معدن قدیمی وجود دارد که مشخص نیست از چه دوره زمانی ما وارث این معدن هستیم. معادنی که در روی آنها اکتشاف، استخراج و فرآوری صورت گرفته است. اما در عصر حاضر تاریخ اکتشاف در ایران به دوره ای برمی گردد که انگلیسی ها برای کشف نفت و گاز وارد ایران شدند، در واقع انگلیسی ها با ورود به ایران اولین سری نقشه برداری ها را در منطقه زاگرس آغاز کردند. با تشکیل سازمان زمین شناسی کشور در سال ۱۳۳۸ که عملاً از سال ۱۳۴۰ کارش را شروع کرد؛ بخشی از ایران مرکزی به شرکت تکنواکسپورت شوری داده شد. آن زمان روس ها ذوب آهنی را وارد ایران کردند که نیازمند زغال سنگ بود؛ برای همین شروع کردند به اکتشاف در حوزه مواد معدنی، کشف زغال سنگ و آهن و مواد معدنی دیگر مثل آهک. از طرفی دیگر آمریکایی ها برای کشف ذخایر مس وارد کشور شدند. آنها یک پیمانکار از یوگسلاوی آوردند که در شمال کشور شروع به کار کرد. فرانسوی ها هم در سیستان و

آن خود می‌داند. از سوی دیگر در وزارت صنعت، معدن و تجارت اولین دغدغه وزیر، قیمت کالاهای و تامین بازار است. بعد از آن وزیر به مسائل و مشکلات صنایع گوناگون کشور می‌پردازد و در این بین به معدن کمتر توجه می‌شود و به تبع آن به اکتشاف کمتر از معدن. در حالی که اگر جایگاه معدن در کشور درست تعریف شده باشد، مسوولان باید بیشتر به اکتشاف توجه کنند. به یاد دارم سال ۶۱ که وارد وزارتخانه شدم ما وزارت صنایع و معادن داشتیم. آن زمان به معدن توجه بهتری نسبت به الان می‌شد، اما بهترین زمانی که معدن مورد توجه قرار گرفت و شکوفا شد؛ زمانی بود که وزارت معدن و فلزات داشتیم. آن زمان ما معاونت اکتشاف هم داشتیم و توجه و تمرکز مسوولان امر روی چهار حلقه معدنی بود. چهار حلقه اکتشاف، معدن، فرآوری و صنایع معدنی، حلقه‌هایی هستند که اگر در کشور شکل بگیرد؛ دیگر شاهد خام‌فروشی نمی‌شویم و بیشتر به سمت تولیدات با ارزش افزوده بالا می‌رویم. چالش بعدی ما در حوزه معدن این است که تقسیم کار درست انجام نشده است. الان همه در مورد اکتشاف اظهار نظر می‌کنند. اکتشاف چهار مرحله دارد. شامل شناسایی، پی‌جویی، اکتشاف عمومی و اکتشاف تفصیلی است؛ در پایان اکتشاف تفصیلی است که اعلام می‌شود این میزان ذخیره قطعی با این میزان عیار متوسط وجود دارد. در واقع در این صورت می‌توان گفت معدنی وجود دارد. حال مساله این است که الان مشخص نیست این بخش‌ها به عهده کیست؟ در حال حاضر به غیر از سازمان زمین‌شناسی که مسوول شناسایی، پی‌جویی است، تهیه و تولید، ایمیدرو و بخش خصوصی هم به این حوزه ورود می‌کنند، یعنی شاهد دوباره کاری در امر اکتشاف می‌شویم؛ همه این اتفاقات هم به این دلیل رخ می‌دهد که ما در بخش معدن شاهد فرماندهی واحدی نیستیم که تقسیم کار انجام دهد.

در حوزه معدنی چالش بعدی ما بودجه اندک سازمان زمین‌شناسی است. هنوز بودجه‌ای که برای اکتشاف در نظر گرفته می‌شود، قابل قبول نیست. اگر چه رقم بودجه فعلی نسبت به گذشته بهتر شده است؛ اما بودجه قابل توجهی نیست. اگر ما بخواهیم براساس منابع فلزی و غیرفلزی موجود ذخایر بیشتری را کشف کنیم، باید از سطح عبور کنیم و وارد عمق شویم. برای اینکه این اتفاق بیفتد، ما نیازمند ژئوفیزیک هوایی در کل کشور هستیم. برای این کار هم بودجه سازمان زمین‌شناسی باید آنقدر باشد که بتواند کل کشور در ژئوفیزیک هوایی پوشش داده شود. با این روش می‌توانیم هر نوع ماده معدنی که جزو اولویت کاری و استراتژیک ماست را کشف کنیم. در ضمن در اکتشاف ما باید استراتژی داشته باشیم. این استراتژی تا مشخص نشود، تدوین نشود و همه قبول نداشته باشند، کاری از پیش نمی‌رود، چون در این استراتژی مشخص می‌شود که چه گروهی باید چه کاری را در چه مرحله‌ای انجام دهد. بنابراین بزرگ‌ترین چالش ما نبود یک سند راهبردی در

حوزه اکتشاف است. تاکنون سند‌های متعددی در این حوزه تعریف شده؛ اما هیچ کدام بر پایه علمی و براساس دیدگاه‌های فنی کارشناسان نبوده است. البته حدود ۱۵ سال پیش آخرین سند زمین‌شناسی بر پایه نظرات کارشناسی تهیه شد، سپس مقرر شد استراتژی معدن نیز تهیه شود و همه امور با هم پیش برود، اما تهیه استراتژی معدن آنقدر طول کشید و آنقدر مدیریت‌ها تغییر کرد و در تغییر هر مدیریتی سیاست‌ها دچار دگرگونی شد که باعث شد آن استراتژی از دستور کار خارج شود. در دنیا یک استراتژی ۵ سال الی ۱۰ سال تعریف می‌شود و به تدریج این استراتژی نو می‌شود؛ اما اینجا این اتفاق نیفتاد و ما الان سندی نداریم. از طرفی کار کردن بدون نقشه اشتباه است. ما الان درست نمی‌دانیم باید بیشتر به کدام ذخایر بپردازیم. نیازهای صنایع کشور را هم که به حوزه معدنی مرتبط هستند؛ دقیق نمی‌شناسیم تا براساس آن نیازها حرکت کنیم. الان دنیا به سمت خودروهای الکتریکی می‌رود. این خودروها لیتیوم می‌خواهد؛ اما هنوز به دنبال اکتشاف آن نرفته‌ایم، در حالی که باید خیلی زود به این مباحث ورود کنیم. ما با شعار نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. ما باید یک کریدور معدنی داشته باشیم که به صورت علمی و فنی طراحی شده باشد. در این شرایط است که هر فردی یا گروهی هم وارد می‌شود مسیر اصلی را دنبال می‌کند و در راستای هدف اصلی حرکت می‌کند. یکی از چالش‌های بعدی ما وجود مدیرانی است که آشنایی با این حوزه ندارند. در برخی دوره‌ها ما با مدیرانی مواجه شدیم که حتی با این رشته آشنایی نداشته است. مدیری که با این حوزه آشنا نیست چطور می‌تواند حوزه معدنی را مدیریت کند. گذشته از اینکه در حوزه آکادمیک نیز ما با چالش روبه‌رو هستیم. در حال حاضر دروسی که در دانشگاه‌های ما به دانشجویان آموزش داده می‌شود با آنچه در این حوزه

اتفاق می‌افتد؛ متفاوت است و فارغ‌التحصیلان ما با این حوزه بیگانه هستند زیرا در حوزه علمی نتوانستیم دانشگاه‌های کشور را به‌روز کنیم و از اساتیدی در دانشگاه‌ها بهره بگیریم که در روی زمین کار کرده باشند و مطالبی از جنس زمین و پهنه ایران به دانشجویان بیاموزند. در نهایت هم علاقه‌مندی در دانشجویان ایجاد نمی‌شود و تولید دانشجوی زمین‌شناسی و دانشجوی معدن کمکی به ما نمی‌کند، بنابراین برای اینکه کشور در این زمینه متحول شود، باید همه زیرساخت‌ها به درستی جلو برود. همه اینها باید در آن سند و استراتژی اکتشاف دیده شود. ما امروز گذشته از اینکه در حوزه منابع انسانی مشکل داریم؛ در حوزه تجهیزات نیز با چالش روبه‌رو هستیم. ما برای اینکه در اکتشاف به عمق برویم؛ نیازمند تجهیزاتی به‌روز هستیم. تجهیزاتی که هزینه‌ها را کاهش دهد، اما تجهیزات و ماشین‌آلات ما خیلی قدیمی هستند. امروز همه ماشین‌آلات معدنی در حوزه بهره‌برداری و اکتشاف قدیمی هستند و باید به‌روز شوند. موضوع پایانی که باید به آن بپردازم این است که در حال حاضر اگر چه زنجیره ارزش در صنایعی مثل مس، آهن، سرب و روی به‌طور کامل توسط متخصصان ایرانی انجام می‌شود؛ اما روند حرکت ما کند است. برای سرعت بخشیدن به این کار ما نیازمند ورود شرکت‌های دانش‌بنیان هستیم. این شرکت‌ها با ورود به این حوزه می‌توانند تکنولوژی‌هایی که سایر کشورهای دنیا به ما نمی‌دهند را تامین کنند. بدین ترتیب با ورود شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانیم ماده معدنی بهتر، ارزان‌تر و باتکنیک‌تر را استخراج و فرآوری کنیم. ما امروز در حوزه فرآوری، معادن باطله یا دپوی زیادی داریم که نیازمند تکنولوژی بالایی هستند. البته برای ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به این بخش هم نیازمند وجود استراتژی هستیم که جای آن در این صنعت خالی است.



گزارش تحلیلی جهان معدن از بازار جهانی فولاد و ریسک‌های آن؛

چشم‌انداز جهانی صنعت فولاد



در فصولی از سال ۲۰۲۱ رخ داد، با افزایش تولید سنگ آهن در معادن و رشد تولید فولاد تعدیل شد. از آنجا که مس و آلومینیوم و ارقامی از آلیاژهای مشابه در سالیان اخیر در صنایع اصلی مصرف‌کننده فولاد محبوبیت یافته‌اند، تقاضا برای فولاد کاهنده یا با ثبات بالا خواهد بود. موضوعی که مهم‌ترین نقش را در روند کنونی بازار فولاد خواهد داشت. بررسی «دنیای اقتصاد» از بازار فولاد نشان می‌دهد هم قراردادهای آتی و هم تحلیل‌های موسسات تحقیقاتی گویای روند کاهشی قیمت فولاد خواهد بود. تصور تریدینگ‌اکانمیک این است که بهای فولاد تا انتهای ۲۰۲۲ و ابتدای ۲۰۲۳ به محدوده ۳۵۰۰ تا ۴۲۵۰ بازخواهدگشت.

تحلیل‌های دیگر نیز نشان می‌دهد در سال پیش‌رو بهای فولاد بین ۳۵۰۰ تا ۴۵۰۰ دلار متغیر خواهد بود ولی احتمالاً در پایان سال این عدد روی ۴ هزار دلار متوقف شود.

فولاد که عموماً در ساخت‌وساز و بخش‌های زیرساختی، صنعت قطعه و اتومبیل، تولید انواع ماشین‌آلات و نیز صنعت ساخت لوازم مورد استفاده در خانه و آشپزخانه مصرف دارد؛ پایه اصلی ساخت دنیای جدید است. چین و پس از آن اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین سازندگان فولاد جهان هستند و پس از این دو، ژاپن، ایالات متحده، هند، روسیه و کره جنوبی جزو بزرگان صنعت فولاد هستند. ایران نیز سال ۲۰۲۱ با تولید بیش از ۲۸/۵ میلیون تن و اندکی افت دهمین فولادساز جهان بوده است. بحران بزرگی که باعث شده تا بخش فولاد چالش‌های بسیاری را پیش‌روی خود داشته باشد، دو مبحث مواد اولیه یعنی استخراج سنگ آهن و نیز مساله انرژی است. از آنجا که در بسیاری از مناطق جهان مساله ذخایر سنگ آهن و استخراج سنگ از معادن با مشکلاتی روبه‌روست، تولید فولاد به شکل سالانه نوساناتی دارد که

آیا ۲۰۲۲ سال کاهش قیمت فولاد خواهد بود؟ مشاهده وضعیت بازار فلزات اساسی نشان می‌دهد در سال جاری عرضه و تقاضای جهانی فولاد افزایش خواهد یافت؛ اما قیمت‌ها در مسیر عکس حرکت خواهند کرد.

کاهش قیمت فولاد هم احتمالاً ناشی از شدت گرفتن واکسیناسیون در جهان و بازگشت حیات به همه بخش‌های زنجیره وسیع آهن است. وضعیتی که ثبات بازار فولاد را در پی خواهد داشت.

روند قیمت فولاد نزولی خواهد شد؛ بررسی تحلیل‌ها و مرور روندهای جهانی بازار فلزات اساسی نشان می‌دهد فولاد در سال ۲۰۲۲ احتمالاً قیمتی نزولی خواهد داشت. فولاد که یکی از حلقه‌های مهم و بنیادین زنجیره ارزش آهن است، تحت تأثیر متغیرهای متعددی در حال کاهش اعتبار است. مهم‌ترین موضوع به انتقال بزرگی برمی‌گردد که باید تا اواخر ۲۰۳۵ و ۲۰۵۰ زمینه‌ساز جهانی پایدارتر باشد. تولید فلز آهن یکی از فعالیت‌های آلاینده‌ای است که کانون برنامه جهانی کربن‌زدایی است؛ این فلز یکی از آلاینده‌ترین روندهای تولید را در میان همه فلزات اساسی دارد. فولاد نیز به‌عنوان پرتقاضاترین خروجی تولید آهن، فعلاً و در ابتدای دومین ماه از سال ۲۰۲۲ بهایی ۴۷۷۸ دلاری دارد. عددی که نسبت به قیمت ۳۲۸۵ دلاری پس از وقوع پاندمی در میانه سال ۲۰۲۰، رشدی ۴۵ درصدی را نشان می‌دهد. این عدد که زمانی به قله ۱۰ ساله خود رسید، در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱ رکود ۵۹۵۰ دلار را به ثبت رساند که عددی بی‌سابقه بود و رشد ۸۱ درصدی این کالای اساسی را نسبت به زمان شروع پاندمی نشان می‌داد. این جهش که تحت تأثیر سه نیروی شدت گرفتن واکسیناسیون، افزایش مصرف جهانی و رشد تولیدات صنعتی

گاهی بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تن در سال نوسان دارد. موضوعی که باعث می‌شود تا بسته به بودجه‌های سالانه دولت‌ها برای بخش عمرانی، تقاضای سرمایه‌گذاری در صنعت ساختمان و ترندهای صنعت خودرو، نوساناتی در تقاضای فولاد بروز کرده و در قالب شوک‌های قیمتی کوچک و بزرگ بروز کند. به نظر می‌رسد سال ۲۰۲۲ از این منظر سالی کم‌حاشیه و با ثبات نسبتاً بالا در قیمت فولاد باشد. از نکات جالب درباره این بازار، اتصال آن به خیل عظیمی از محصولات و زنجیره‌ها و حلقه‌های واسط است که از خرید و فروش انواع سنگ‌آهن با درجات خلوص متفاوت، معامله ضایعات تا مبادله میلگرد و شمش و نیز ساخت انواع ورق یا گونه‌های مقاومت بالا و سبک فولاد را دربر می‌گیرد. زنجیره‌هایی که هریک به‌تنهایی تحلیل‌هایی مختص به خود را می‌طلبند و بازار گرم و پرشوری دارند و بر روندهای کلی بازار فولاد تاثیر بالایی می‌گذرند. با این حال، در این گزارش سعی خواهد شد روی خود بازار فولاد به‌عنوان اصلی‌ترین بخش بازار فلزات اساسی نوافکن انداخت و به محصولی پرداخت که بزرگ‌ترین حجم تولید در میان همه انواع فلزات را به خود اختصاص داده است.

نرخ ماهانه تولید فولاد در جهان

در اکتبر ۲۰۲۱ آمار تولید گردآوری شده از ۶۴ کشور فعال در صنعت فولاد نشان می‌دهد این بخش با افت تولید ۱۰/۶ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل روبه‌رو شده است. شواهد موجود نشان می‌دهد در این ماه در جهان حدود ۱۴۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تن فولاد تولید شده است. در نوامبر ۲۰۲۱ نیز به دلیل افت ۹/۹ درصدی تولید در جهان، میزان تولید جهانی فولاد به ۱۴۳/۳ میلیون تن تنزل پیدا کرد که عددی به‌مراتب کمتر از ارقام تولید شده در نوامبر ۲۰۲۰ است. در سپتامبر نیز اوضاع تولید فولاد در جهان مناسب نبود تا این بخش در حداقل ماه‌های پایانی سال با افت تولید روبه‌رو شود. البته شواهد موجود نشان می‌دهد در ۱۱ ماهه ۲۰۲۱ کل تولید فولاد جهان معادل ۱۷۵۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن بوده است. رقمی که گویای رشد ۴/۵ درصدی این بخش در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۲۰ بوده است.

در اکتبر، چین ۷۱/۶ میلیون تن فولاد تولید کرد که ۲۳/۳ درصد نسبت به اکتبر ۲۰۲۰ کاهش تولید داشت. هند هم با ۹/۸ میلیون تن تولید رشدی ۴/۲ درصدی را تجربه کرد. ژاپن نیز با ۸/۲ میلیون تن تولید رشدی ۱۴/۳ درصدی را به ثبت رساند. ایالات متحده هم دیگر بازیگری است که به لطف افزایش بیست‌درصدی، تولید خود را به ۷/۵ میلیون تن رساند. تخمین زده می‌شود که روسیه نیز ۶/۱ میلیون تن تولید کرده است که اگر درست باشد، ۵/۰ درصد کاهش تولید را یادآور می‌شود. کره جنوبی دیگر بازیگری است که با تولید ۵/۸ میلیون تنی افت یک‌درصدی را به ثبت رسانده است. آلمان هم در این ماه ۳/۷ میلیون تن فولاد ساخته و بهبود تولید خود را ۷ درصد اعلام کرده است. ترکیه نیز با تولید ۳/۵ میلیون تنی تولید خود را ۸ درصد افزایش داده است. تخمین زده می‌شود که برزیل ۳/۲ میلیون تن و ایران ۲/۲ میلیون تن تولید کرده باشند.

بزرگ‌ترین بازیگران در تولید فولاد

از عصر برنز تا عصر آهن، فلزات دوره‌هایی از تاریخ بشر را مشخص کرده‌اند. اگر قرار بود دوران کنونی ما به همین شکل تعریف شود، بدون شک به‌عنوان عصر فولاد شناخته می‌شد. فولاد شالوده ساختمان‌ها، وسایل نقلیه و صنایع ما است و میزان تولید و مصرف آن اغلب به‌عنوان نشانگر توسعه یک کشور تلقی می‌شود. امروزه با تولید ۱۸۶۴ میلیون تن فولاد خام در سال ۲۰۲۰، این فلز متداول‌ترین فلز مورد استفاده و بازیافتی‌ترین ماده در جهان است. بررسی داده‌های انجمن جهانی فولاد در ۵۰ سال اخیر نشان می‌دهد روند تولید فولاد خام به شکلی بوده است که رشد بی‌وقفه استحصال و عرضه این فلز، رشد و توسعه جهان را طی نیم‌قرن اخیر یادآور می‌شود. به‌طور دقیق‌تر، تولید جهانی فولاد طی ۵۰ سال گذشته بیش از سه‌برابر شده است، به‌رغم اینکه کشورهایی مانند ایالات متحده و روسیه

بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان فولاد چین بزرگ‌ترین مصرف‌کننده فولاد جهان است و اگر بر مبنای قطب‌بندی باشد، اتحادیه اروپا را در پس خود می‌بیند که با اختلافی فاحش در حرکت است. شواهد موجود نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۱ رشد تقاضا در این بازار حدود ۵/۸ درصد بوده و چین کماکان بازیگر اصلی است. کل مصرف جهان طبق برآوردهای اولیه، در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۸۷۴ میلیون تن بوده است و در سال ۲۰۲۲ تا سطح ۱۹۲۴ میلیون تن خواهد رسید. ازدهای سرخ هم حاکم مطلق این بازار است. مصرف چین سال ۲۰۲۱ در حالی ۱۰۲۴ میلیون تن بوده که برای سال ۲۰۲۲ این رقم به ۱۰۳۵ میلیون تن خواهد رسید. که عدد قابل توجهی است پیش‌بینی می‌شود باقی مناطق (جهان بدون احتساب چین) در سال ۲۰۲۲ تا ۸۸۹ میلیون تن فولاد مصرف خواهند کرد. عددی که در سال ۲۰۲۱ حدود ۸۴۹ میلیون تن برآورد شده است. نکته جالب مصرف ۲۰۲۲، پیش‌بینی رشد ۵/۵ درصدی تقاضا در آفریقا است که در همه جهان بی‌مانند است و خبر از تقویت رشد اقتصادی در این قاره می‌دهد.

آتیة بازار فولاد در جهان

به‌رغم تسلط کنونی چین بر بازار فلزات اساسی، این کشور ممکن است در حال حرکت به سمت کاهش تولید داخلی فولاد برای جلوگیری از خطرات تولید بیش از حد و اطمینان از تحقق وعده‌های داده‌شده برای سال ۲۰۶۰ در زمینه رسیدن به وضعیت کربن صفر باشد. چین که یکی از آلاینده‌ترین کشورهای جهان به دلیل





مبدل‌های حرارتی تأسیسات برق خورشیدی استفاده می‌شود. فولاد همچنین هسته مرکزی ساخت ژنراتورها و موتورهای وسایل نقلیه الکتریکی و هیبریدی به‌شمار می‌رود. با چنین نگرشی می‌توان ادعا کرد فولاد و سهم بازیافتی آن از پایدارسازی جهان بسیار بالاست.

چند تحول بزرگ در صنعت فولاد

با توجه به نقش مهمی که فولاد تقریباً در هر صنعتی ایفا می‌کند، جای تعجب نیست که قیمت‌های آن به بالاترین حد خود رسیده است، با این حال تولیدکنندگان فولاد به پایداری بلندمدت فکر می‌کنند و تلاش می‌کنند تا با حذف کامل زغال‌سنگ از فرآیند متالورژی، ایده ساخت فولاد بدون مصرف سوخت فسیلی را به واقعیت تبدیل کنند.

در حالی که صنعت از دهه ۱۹۶۰ میانگین شدت انرژی به ازای هر تن تولیدشده را از ۵۰ گیگاژول به ۲۰ گیگاژول کاهش داده است، گول‌های تولیدکننده فولاد مانند آرچلورمیتال در حال پیشروی خود در زمینه پایداری انرژی هستند و برنامه‌های جاه‌طلبانه‌ای را برای تولید فولاد بدون کربن تا سال ۲۰۵۰ ارائه داده و گسترش می‌دهند. در این میان البته ذکر یک نکته الزامی است؛ اینکه فولاد تنها زمانی می‌تواند اهداف خود را در زمینه کربن صفر محقق سازد که تقاضا برای آن کماکان صعودی باشد. مصرف و تقاضای فولاد نیز تنها با بازگشایی تدریجی اقتصاد جهان ادامه می‌یابد و در شرایطی که توسعه صنعت در بعد جدیدی به‌نام تولید پودر فولاد امتیاز شده رباتیک در حال پیش می‌رود، می‌توان تکامل بعدی جدید در صنعت فولاد را به‌عنوان حلقه واسط میان صنایع بزرگ و بخش چاپ سه‌بعدی ایجاد کند. همان‌طور که صنعت همچنان به نوآوری در پایداری و قابلیت استفاده ادامه می‌دهد، فولاد همچنان یک ماده حیاتی در سراسر صنایع خواهد بود که می‌توانیم بی‌نهایت آن را بازیافت کنیم و به آن تکیه کنیم. این موضوع نشان می‌دهد گرچه مس و آلومینیوم اثر بالایی بر آینده قیمت‌ها در بازار فولاد دارند اما کماکان این فولاد است که به دلایل متعدد بازیگر اصلی در بازار فلزات اساسی است.

وجود صنایع دودزاست، طی سه دهه آینده به شکل آهسته از بازار صنایع سنگین خارج شده و به تولیدکننده محصولات با ارزش‌افزوده بالا بدل خواهد شد. این احتمالاً مهم‌ترین اتفاقی است که بر آینده بلندمدت صنعت فولاد تأثیرگذار خواهد بود. در سطح کوتاه‌مدت و میان‌مدت اما وضعیت فرق می‌کند.

برای نمونه با افزایش سرسام‌آور قیمت سنگ‌آهن و فولاد در سال گذشته، تقاضای ایالات متحده برای این فلز یک عامل تأثیرگذار در تداوم این وضعیت است. اجرایی شدن یا نشدن بسته اقدام دولت بایدن در زمینه توسعه زیرساختی این کشور، می‌تواند قیمت فولاد و سنگ‌آهن را افزایش یا کاهش دهد. لایحه تحول زیرساخت‌ها قطعاً سرمایه‌گذاری در کارخانه‌های فولاد آمریکا برای عرضه بیشتر این فلز در آینده را به‌همراه خواهد داشت. از آن سو نیاز بیشتر آمریکا به فولاد احتمالاً به خاتمه مدل فعلی تعرفه‌گذاری بر فولاد که دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ وضع کرد، منتج شده و محدودیت‌های عرضه فولاد را کاهش دهد. یک موضوع دیگر که بر آینده این صنعت اثرگذار است، آراز بزرگ فولاد یعنی مقاومت بالا و بازیافت آن تا بی‌نهایت است. فولاد معمولی که عمدتاً از سنگ‌آهن تشکیل می‌شود، آلیاژی حاوی کمتر از ۲ درصد کربن و یک درصد منگنز و سایر عناصر کمیاب، ممکن است چنین ارقامی چندین به چشم نیایند ولی به‌طوری باورنکردنی، تفاوت تعیین‌کننده‌ای ایجاد کرده به‌طوری که فولاد می‌تواند به همین دلیل تا هزار برابر قوی‌تر از آهن معمولی باشد، با این حال قدرت واقعی فولاد در بازیافت بی‌نهایت آن و بدون افت کیفیت است. صرف‌نظر از درجه یا کاربرد، فولاد همیشه قابل بازیافت است و محصولات فولادی جدید به‌طور متوسط حاوی ۳۰ درصد فولاد بازیافتی هستند. خواص مغناطیسی این آلیاژ، بازیابی آن را از جریان‌های زباله آسان می‌کند و تقریباً ۱۰۰ درصد از محصولات مشترک صنعت فولاد را می‌توان در سایر تولیدات یا تولید برق استفاده کرد. براین مبنا می‌توان ادعا کرد که فولاد به‌عنوان بخشی تمدن‌ساز، فلزی اساسی همسو با فناوری‌های نوین انرژی پایدار است که کاربردهای بسیاری در صنایع نیرو دارد. توربین بادی به‌طور متوسط از ۸۰ درصد فولاد ساخته شده است. فولاد در پایه، پمپ‌ها، مخازن و

حمید علی آبادیان مدیر روابط عمومی ایمیدرو مطرح کرد:

توسعه پایدار و هم افزایی بخش معدنی، وظیفه مهم ایمیدرو



شکوفایی بخش معدنی و صنایع معدنی کشور نیازمند برنامه ریزی و سرمایه گذاری زیادی است و ایمیدرو با استفاده از ظرفیت های قانونی با همکاری همه ذینفعان عرصه های معدنی به دنبال هم افزایی، کارآمدی، رونق کسب و کار و توسعه پایدار در این بخش است.

اجرای طرح های توسعه ای، نوسازی صنایع تولیدی متالوژی، استخراج و فرآوری مواد معدنی، اقدامات اکتشافی برای توانمندسازی بخش معدنی کشور، مهمترین وظیفه ایمیدرو است که از زمان تشکیل این سازمان هیچ وقت اجرای آنها متوقف نشده است.

در حال حاضر با حمایت دولت سیزدهم، ایمیدرو به عنوان یک سازمان توسعه ای و بازاری مهم وزارت صنعت، معدن و تجارت، نقش مهمی در تولید ثروت از زنجیره های معدنی و صنایع معدنی کشور دارد و این مهم می تواند در رشد اقتصادی و افزایش درآمدهای معدنی کشور بسیار تاثیر گذار باشد.

استفاده بهینه از ذخایر معدنی کشور و بهره برداری درست و تاثیر گذار از این ثروت طبیعی برای رشد اقتصادی، وظیفه مهم سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران است و در این راستا برای حفظ این ثروت ملی باید توسط دست اندرکاران معدنی صیانت های لازم به عمل آید.

بدون تردید توسعه پایدار زنجیره ارزش و تولید ثروت از ذخایر معدنی کشور با مشارکت بخش خصوصی و رفع موانع تولید در این بخش سبب خواهد شد که با بکارگیری دانش و فناوری های جدید کسب و کار در حوزه معدنی کشور رونق بیشتری بگیرد.

هرچند که امسال ایمیدرو با برنامه ریزی مناسب ۱۱ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان طرح های معدنی و صنایع معدنی را برای بهره برداری آماده کرد، اما همچنان در این راستا تلاش خواهد کرد تا توسعه متوازن معدنی و صنایع معدنی در کشور محقق شود.

در حوزه اکتشافات مواد معدنی نیز ایمیدرو اقدامات خوبی را آغاز کرده و حاصل این تلاش ها سبب شده که ذخایر معدنی قابل توجهی در کشور شناسایی شود، به طوری که طبق پروانه های اکتشافی و صدور گواهی های کشف، ایمیدرو تاکنون ۹۱ هزار و ۶۷ کیلومتر مربع پهنه معدنی را در کشور شناسایی کرده است.

با اجرای طرح فعال سازی معادن کوچک طبق سیاست های وزارت صنعت، معدن و تجارت، ایمیدرو تا اول دی ماه سال جاری از ۴۱۵ معدن کوچک، ۳۹۲ معدن را فعال کرده و با افزایش ۱۸ هزار تنی ظرفیت تولید این معادن، برای ۱۳ هزار و ۴۰۰ نفر از جوانان کشورمان به صورت مستقیم اشتغالزایی کرده است.

در حال حاضر سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران با همراهی شرکت های معدنی بخش های دولتی و خصوصی، توانمند سازی داخلی را در این حوزه در دستور کار خود قرار داده است و بومی سازی فناوری های جدید در بخش معدنی کشور را به صورت جدی دنبال می کند.

انتقاد ۳۷ تفاهم نامه سرمایه گذاری، علمی، پژوهشی و دانش بنیان و معرفی ۱۲۴

پروژه معدنی به صندوق بیمه سرمایه گذاری برای فعالیت های معدنی به منظور دریافت تسهیلات مورد نیاز، انجام سرمایه گذاری سه هزار و ۱۰۰ میلیارد ریالی در زیربنای معدنی و صنایع معدنی در مناطق ویژه اقتصادی و با رشد ۴۶ برابری ارزش بیمه نامه های معدنی هم اکنون سقف آن به بیش از یک هزار و ۴۸۸ میلیارد تومان رسیده است.

هم اکنون میزان حفاری های اکتشافی توسط ایمیدرو به یک میلیون و ۴۵۰ هزار متر رسیده و برای این میزان اکتشاف یک هزار و ۴۵۵ میلیارد تومان هزینه شده است، اما حاصل اکتشافات ایمیدرو و هزینه کرد این مبلغ، به افزایش ۱۳ میلیارد

دلاری ارزش ذخایر معدنی کشور منجر شده است. در این راستا ایمیدرو در سال های اخیر با بومی سازی فناوری های جدید در توسعه معادن و صنایع معدنی کشور همواره خودکفایی در این بخش را مورد توجه جدی قرار داده و در این راستا امسال ۶۸۱ میلیون دلار از محل بومی سازی تجهیزات و فناوری های جدید در این حوزه صرفه جویی ارزی شده است.

برای تحقق توسعه پایدار و رونق کسب و کار در حوزه معدنی کشور توسعه زنجیره معدنی و صنایع معدنی با ایجاد بسترها و زیرساخت های مورد نیاز با مشارکت بخش خصوصی، حوزه معدنی کشور را به جایگاه واقعی خود رهنمون خواهد کرد.

مقابله با تحریم های ظالمانه با هدف حداکثر ارزش آفرینی و تولید ثروت در بخش معدن توسط ایمیدرو و جذب سرمایه گذاری به منظور استفاده بهینه از معادن و صنایع معدنی کشور و کسب درآمدهای ارزی با رشد صادرات محصولات معدنی برای بالندگی بیشتر بخش معدنی کشور از برنامه های مهم ایمیدرو است تا از منابع و ذخایر این بخش به صورت بهینه استفاده شود.

«جهان معدن» علل ضعف عملکرد اقتصاد در ۱۰ سال اخیر را بررسی می‌کند؛

باخت دهه ۹۰ به سیاست



درصد آمارهای اقتصاد کلان نشان می‌دهد که دهه ۹۰ از لحاظ تمام آمارهای مهم یکی از ضعیف‌ترین دهه‌های اقتصادی بوده است. بنابراین باخت دهه ۹۰ به گواه آمارها، موضوع روشنی است که حتی با یک نگاه به آمارهای اصلی این موضوع، دریافت می‌شود. اما سوال مشخص این است که علل باخت اقتصادی دهه ۹۰ چه بوده است؟ چرا اقتصادی که می‌توانست در زمان پنجره باز جمعیتی و افزایش اعتماد عمومی به سیاستگذار به یکی از اقتصادهای پیشرو تبدیل شود، کارنامه ضعیفی را ثبت کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد هم سیاستگذاری اقتصادی و هم بازخورد به سیاستگذار (یعنی هم دولت مستقر و هم منتقدان دولت مستقر) در این باخت سهیم هستند. سیاستگذار در مواردی که رویکردهای علمی را در سیاستگذاری اجرایی می‌کرد، به جای اینکه مورد همراهی و حمایت گروه‌های سیاسی قرار گیرد، با انتقادات تند آنان مواجه می‌شد؛ اما در زمانی که با رویکرد شبه علمی و پوپولیستی سیاستگذاری می‌کرد، اکثر گروه‌های سیاسی نیز با او همراه می‌شدند. نتیجه این شد که به مرور سیاستگذاری علمی متوقف و محیط برای تداوم سیاستگذاری شبه علمی و پوپولیستی فراهم شد.

تصور آماري اقتصاد دهه ۹۰ تایید می‌کند که اقتصاد ایران در این دهه یکی از ضعیف‌ترین عملکردها را برجای گذاشته است. سوال مشخص این است که ریشه‌های باخت اقتصادی دهه ۹۰ چیست؟ می‌توان ریشه‌های این باخت را به عملکرد سیاستگذار و بازخوردهای معکوس گروه‌های سیاسی مرتبط دانست. برای اثبات این موضوع می‌توان به سه شاهد سیاستی «بسته تحریک تقاضا»، «تعدیل تدریجی قیمت بنزین» و «لنگر سازی نرخ ارز» در دهه ۹۰ پرداخت. در بسته تحریک تقاضا، سیاستگذار با رویکرد شبه علمی، به جای «توقف سرکوب تقاضا» به دنبال «تحریک تقاضا» با اعطای وام ارزان از منابع بانک مرکزی بود، که اتفاقاً مورد تأیید گروه‌های سیاسی بود. تعدیل تدریجی قیمت بنزین توسط دولت در سال‌های ۹۳ و ۹۴، سیاست مناسبی بود که در صورت تداوم می‌توانست از بحران سیاست بنزین در سال ۹۸ جلوگیری کند، اما با نقد و هیاهوی

اعتباردهی نظیر لیزینگ‌ها و افزایش سقف اعتباردهی بخش مسکن فراهم می‌شد، احتیاج به تحریک تقاضا از منابع پایه پولی و کاهش نرخ سود دستوری برای اعتباردهی به منظور تحریک تقاضا نبود. این در حالی است که در آن زمان برای تحریک تقاضا، وام خودرو با بهره ارزان‌تر از نرخ تعادلی اعطا شد که در نتیجه این منافع عمدتاً در جیب خودروسازان قرار گرفت. اما هنوز هم خودروسازان در شرایط نامناسب قرار دارند و هم سیاستگذار، مصرف‌کننده و خود تولیدکنندگان نیز از شرایط این صنعت راضی نیستند.

نقد بسته تحریک تقاضا

نکته قابل توجه این است که در آن زمان به جز رسانه «دنیای اقتصاد»، گروه دیگری که حتی از لحاظ سیاسی در دسته مخالفان دولت قرار داشتند، این رویکرد شبه علمی را مورد نقد قرار ندادند و اتفاقاً مورد پذیرش برخی از گروه‌های مخالف نیز قرار گرفت. در تاریخ ۲۹ مهرماه سال ۱۳۹۴ «دنیای اقتصاد» در سرمقاله خود با عنوان «بسته رونق، راهگشا یا مشکل‌ساز؟» نوشت: «بسته سیاستی ضد رکود با دو فرض اساسی تدوین شده است:

سیاسی، این سیاست بایکوت شد. همچنین در بحث لنگر سازی نرخ ارز که آفت‌های زیادی در اقتصاد دهه ۹۰ برجای گذاشت، به جای نقد علمی، تشویق در جهت تثبیت دلار، باعث خطای سیاستگذاری ارزی شد.

تحریک تقاضا یا حمایت رانتي از خودروسازها

یکی از موضوعاتی که سیاستگذار به جای رویکرد علمی، رویکرد شبه علمی را در دستور کار قرار داد و نقد قابل توجهی نیز بر این برنامه نشد، بسته تحریک تقاضا بود. در سال ۹۴ بسته تحریک تقاضا و رفع تنگنای مالی از سوی دولت یازدهم در دستور کار قرار گرفت. در این سال رویکرد اعطای تسهیلات کمتر از نرخ سود تعادلی مورد تأکید قرار گرفت که عمده منابع آن نیز از منابع بانک مرکزی تأمین می‌شد. از سوی دیگر، کاهش نرخ سود تسهیلات‌دهی با هدف تحریک تقاضا در بخش خودرو نیز مورد توجه قرار گرفت. نکته‌ای که وجود داشت این بود که به جای «تحریک تقاضا» باید «سرکوب تقاضا» متوقف شود. در دنیا عمدتاً وام‌های دریافتی برای خرید مسکن و خودرو است. در آن زمان اگر شرایط توسط نهادهای

۱- فقدان تقاضای موثر برای کالاها ۲- نرخ سود بانکی بالا. بسته ضد رکود بر پایه این دو فرض، سیاست‌هایی را برای تحریک تقاضای موثر از طریق وام ارزان تجویز کرده است. حال سوال این است که آیا تیم اقتصادی دولت در تشخیص صورت مساله و تجویز راه‌حل دچار خطا شده است یا نه؟ راه‌حل اتخاذ شده علت فقدان تقاضای موثر را ظاهراً نبود قدرت خرید تشخیص داده است و دقیقاً به همین دلیل، نسخه تجویزی تحریک قدرت خرید را هدف قرار داده است. برای تبیین خطای احتمالی اول، می‌توان این سوال را مطرح کرد که آیا این تشخیص درست است؟ متأسفانه برای پاسخ مثبت به این پرسش شواهد کافی وجود ندارد؛ هرچند برای پاسخ منفی می‌توان شواهدی ارائه کرد. این پاسخ منفی ریشه در انتظارات خوش‌بینانه اما نادرستی دارد که نسبت به دوره پسابرجام در بین اکثریت مردم شکل گرفته و باعث ایجاد تاخیر در تقاضای آنان شده است. اگر این فرض را بپذیریم راه‌حل تجویزی، ناگزیر متفاوت و معطوف به اصلاح انتظارات خواهد بود؛ اگرچه متأسفانه هیچ اقدام موثری از سوی دولت برای تصحیح انتظارات عمومی نسبت به دوره پسابرجام را شاهد نبوده‌ایم. حتی اگر نقش انتظارات نسبت به دوره پسابرجام را نادیده بگیریم می‌توان خطای احتمالی دیگری را نیز مطرح کرد. این خطا ریشه در بی‌توجهی به ماهیت تولیداتی دارد که گفته می‌شود با افزایش موجودی انبار مواجه شده و نیاز به تحریک تقاضا دارد. طبق گزارش‌های رسمی، عمده این تولیدات مربوط به بخش‌های مسکن، خودرو و صنایع وابسته به این دو بخش پیش‌شان در کنار برخی کالاهای بادوام است. تجویز «تحریک تقاضای این کالاها با وام ارزان» می‌تواند ناشی از یک غفلت بزرگ باشد. به نظر می‌رسد نکته مغفولی که باعث اتخاذ این راه‌حل شده بی‌توجهی به «سرکوب تقاضا» در این بخش‌هاست. منبع تقاضا برای این نوع کالاها در اکثر کشورها «پس‌انداز آینده» یا وام است که در ایران مدت‌هاست با ممنوعیت و محدودیت‌های شدید مواجه شده است. می‌توان ادعا کرد که برای تحریک تقاضا در این بخش‌ها حذف «سرکوب تقاضا» و آزادسازی وام با همان نرخ سود بازار کافی بود و عبور به مرحله «تحریک تقاضا با وام ارزان» تنها زمانی می‌تواند قابل پذیرش باشد که «حذف سرکوب تقاضا» اهداف سیاستگذار را تأمین نکند و البته همچنان قابل بحث است. اما در مورد فرض دوم، بسته ضد رکود که باعث تجویز وام ارزان و یارانه‌ای شده است شاید بهتر باشد صورت مساله یک بار دیگر مرور شود. صورت مساله این‌طور مطرح می‌شود که نرخ سود بانکی باید با کاهش نرخ تورم کاهش می‌یافت که این اتفاق نیفتاده

است. این صورت مساله به دو دلیل نادرست است؛ دلیل اول اینکه، مگر نرخ سود بانکی با افزایش تورم افزایش یافته بود که حالا با کاهش نرخ تورم کاهش یابد؟ همچنین «دنیای اقتصاد» در سرمقاله دیگری با عنوان «هشدار به سیاستگذاران پولی» نوشت: نگرانی بانک مرکزی و مسوولان دولتی از پایین نیامدن نرخ سود بانکی متناسب با کاهش تورم از یک سو و اصرار بر خروج هرچه سریع‌تر از شرایط رکودی، منجر به اتخاذ سیاست‌هایی در یکی، دو سال اخیر شد که نتیجه آن اندک اندک به‌صورت علائم توقف روند کاهشی نرخ تورم و بازگشت به روند فزاینده ظاهر شده است. امیدواریم سیاستگذاران اقتصادی و پولی به این مساله توجه کنند که اگر تیر تورم از کمان سیاست‌های اشتباه رها شود و انتظارات مثبت معکوس شود، دیگر کسی را به آسانی یاری مهار آن نخواهد بود.

توقف اصلاح قیمت بنزین

موضوع دوم، بحث اصلاح قیمت انرژی و بحث مهم بنزین است. این سیاست اصلاح قیمت در سال‌های ۹۳ و ۹۴ با یک رویکرد علمی انجام گرفت و در آن زمان اصلاح تدریجی قیمت‌ها با یک شیب ملایم در دستور کار قرار گرفت. این اصلاحات در آن زمان نه اثر تورمی مخربی داشت و نه با مخالفت عمومی مواجه شد. اصلاح قیمت بنزین در این سال‌ها با یک «شیب ملایم» در حال انجام بود که در صحبت‌های رئیس دولت یازدهم نیز مورد توجه قرار گرفت. اما این بار یک رویکرد علمی، مورد نقد و حتی تمسخر گروه‌های مخالف سیاسی قرار گرفت، تا جایی که از واژه «شیب» برای استهزای این رویکرد درست بهره‌برداری شد. حتی قرار بود که رویکرد تعدیل تدریجی بنزین در سال ۹۵ نیز تداوم یابد، اما مخالفت‌های گروه‌های سیاسی و مجلس در آن زمان باعث توقف تعدیل تدریجی قیمت بنزین شد و این حرکت درست، در آن زمان از حرکت افتاد. در حقیقت عدم‌همگرایی نگاه‌های سیاسی، در یک اصلاح اقتصادی باعث کنار گذاشتن این طرح شد که اجرای آن می‌توانست باعث شود تا از رویدادهای بنزینی سال‌های بعد از آن جلوگیری شود. از سوی دیگر، این اصلاح با شیب ملایم، می‌توانست باعث تعادل عرضه و تقاضا شده و منابع لازم را برای دولت در بودجه فراهم کند.

سیاست ارزی در دام پوپولیسم

بحث دیگر، سیاست‌های ارزی بود که این سیاست ابتدا با یک رویکرد عملی پیش رفت، اما در ادامه در دام سیاست‌های پوپولیستی افتاد. پس از فروکش نوسانات ارزی در سال ۹۲، برخی معتقد بودند که نرخ دلار باید به نرخ‌های قبل یعنی سطح یک‌هزار

تومانی بازگردد، در حالی که نرخ دلار در سطح ۳ هزار تومان قرار داشت، اگرچه که سیاستگذار در مقابل این رویکرد پوپولیستی ایستادگی کرد و در ۲ سال نخست، مدیریت مناسبی در بازار ارز داشت، اما از سال ۹۴ تثبیت نرخ دلار و بهره‌گیری برای کنترل تورم با لنگر ارزی در دستور کار دولت قرار گرفت. این موضوع آفت‌های متعددی در اقتصاد ایجاد کرد. نخست اینکه از آن سال به بعد منابع ارزی قابل توجهی از سوی سیاستگذار به منظور ثابت نگه داشتن نرخ ارزی بازار شد، در حالی که این ذخایر ارزی می‌توانست مورد استفاده سیاستگذار در دوره‌های سخت قرار گیرد. مطابق آمارها در سال ۹۵ حدود ۱۲ میلیارد دلار و در سال ۹۶ به میزان ۱۸/۵ میلیارد دلار صرف مداخله شد، حال آنکه در سال‌های قبل از آن در دولت یازدهم مجموع مداخله ارزی کمتر از ۵ میلیارد دلار بوده است. نکته دوم، خروج سرمایه قابل توجه در دهه ۹۰ بود. آمارها نشان می‌دهد که در دهه ۹۰ به میزان ۱۰۰ میلیارد دلار خروج سرمایه صورت گرفته است، رقمی که اگر سرمایه‌گذاری می‌شد رشد اقتصادی را می‌توانست تغذیه کند. ارزپاشی برای کنترل قیمت، فرش قرمزی برای خروج سرمایه در این دوره پهن کرد. نکته سوم این بود که تثبیت نرخ ارز در این زمان شرایط را برای افزایش واردات و سرکوب صادرات مهیا کرد و در این خصوص نیز تولید مورد آسیب قرار گرفت. نکته چهارم نیز این است که در نهایت این تثبیت نرخ ارز باعث فشرده شدن فنر ارزی شده و شرایط مستعد شوک ارزی در سال‌های قبل شد. نکته آخر اینکه سرکوب تورم با لنگر ارزی باعث شد که تورم در بخش تولید سرکوب شده و منابع به جای استفاده در تولید، در بانک‌ها انباشت شود. در نتیجه این موضوع نیز یکی از دلایل ایجاد بازی‌پانزی و عدم تعادل ترازنامه بانک‌ها بود. همه این موضوع‌ها در نهایت پاس گلی بود که از سوی سیاستگذاران به دشمنان داده شد و اثر تحریم را بر اقتصاد کشور چند برابر کرد. اما نکته قابل توجه این است که در آن زمان نیز هیچ رسانه یا منتقدی، لنگر کردن ارز به منظور کنترل تورم را مورد نقد قرار نداد و حتی در زمان‌هایی که سیاستگذار کمی به سمت حرکت دلار به نرخ تعادلی بود، با نقد و مخالفت گروه‌های مخالف از این کار منصرف می‌شد. در نتیجه دولت نیز با بهره‌گیری از منابع ارزی به دنبال سرکوب نرخ بود تا از حمله مخالفان در امان بماند. این نوع نگاه سیاسی باعث شد که سیاستگذار در راستای تصمیمات اشتباه تشویق شود، اما در زمان اجرای سیاست‌های صحیح با نقد و مخالفت گروه‌ها روبه‌رو شود. در این خصوص سیاست ارزی، شاهدهی است که نشان می‌دهد چرا در دهه ۹۰ سیاستگذاری ارزی با شکست روبه‌رو شد.

محیط کسب و کار نامساعدتر شد؟

سه نگرانی ۱۴۰۱ کسب و کارها

شواهد گزارش اتاق بازرگانی ایران نشان می‌دهد شاخص ملی محیط کسب و کار تحت تاثیر مولفه‌های نامساعد تکراری، روی عدد ۵/۹۴ قرار گرفته و اندکی نسبت به تابستان بدتر شده است. در تابستان این عدد ۵/۹۳ و در بهار ۵/۹۰ بود. سطح شاخص ملی محیط کسب و کار در زمستان سال ۱۳۹۹ هم ۵/۸۰ بود. یافته‌های مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران از پایش ملی محیط کسب و کار در پاییز ۱۴۰۰ حاکی از این است که سقوط پیوسته شاخص ملی محیط کسب و کار به دلایلی برمی‌گردد که عموماً در دوره‌های قبلی هم تکرار شده است. این شاخص که از طریق بررسی ۲۸ شاخص پیمایشی و ۱۰۰ نامگر در دو گروه نهادی و اقتصادی سعی دارد محیط کسب و کار کشور را مورد ارزیابی قرار دهد، در پاییز ۱۴۰۰ روی سه محور «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات»، «بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار» و «دشواری تامین مالی از بانک‌ها» به عنوان بدترین مسائلی که بر کسب و کارها فشار وارد می‌کنند مانور داده است. به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۰ تلفیق مولفه‌هایی نظیر بی‌ثباتی‌های داخلی و خارجی موجب شده است تا فضای کسب و کار کشور در سال جاری نامساعدتر از سال ۱۳۹۹ باشد. همزمانی وقوع مشکلات جدی در محیط تجاری، ارزی و پولی که به تورم فزاینده، کمبود کالاها و قطعات، گران شدن هزینه نقل و انتقال کالا و کمبودهای مالی ناشی از تنگنای اعتبارات بانکی منجر شد، در کنار فراز و فرود احیای برجام و نیز انتخابات ریاست‌جمهوری موجب شد تولیدکنندگان شرایطی را تجربه کنند که فعالیت اقتصادی سخت‌تر از هر زمان دیگری باشد. نکته دیگر اینکه به نظر می‌رسد سال ۱۴۰۰ سالی از دست رفته برای بهبود محیط کسب و کار بوده و سیاست‌های موجود هیچ دستاوردی نداشته‌اند؛ چرا که نتیجه تمام سیاستگذاری‌ها، قوانین جدید یا منابع مالی تزریق شده نه تنها به بهبود محیط کسب و کار منجر نشده، بلکه شرایط را برای فعالیت کارآفرینان نیز بدتر و سخت‌تر ساخته است.

بر اساس یافته‌های این طرح که در هر دوره معمولاً بین ۲ تا ۳ هزار فعال اقتصادی در آن مشارکت می‌کنند، در پاییز ۱۴۰۰ سه استان کردستان، کرمان و گلستان به ترتیب دارای بدترین وضعیت محیط کسب و کار بودند و استان‌های مرکزی، آذربایجان غربی و فارس هم نسبت به سایر استان‌ها به ترتیب بهترین وضعیت محیط کسب و کار را داشتند. در عمده استان‌ها اعلام شده که قیمت مواد اولیه و محصولات، بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار و دشواری تامین مالی از بانک‌ها، عامل به هم‌ریختگی محیط کسب و کار کشور بوده است.

بهبود ظرفیت تولید بنگاه‌های اقتصادی موضوع مهم دیگری است که نشان می‌دهد با وجود نوسانات اقتصادی بسیار، تمایل به سرمایه‌گذاری و رشد تولید همچنان در سطوح مختلف بنگاه‌های داخلی وجود دارد. گزارش اتاق ایران براساس یافته‌های طرح نشان می‌دهد میانگین ظرفیت تولیدی (واقعی) بنگاه‌های اقتصادی شرکت‌کننده در فصل پاییز ۱۴۰۰ معادل ۲۳/۴۱ درصد بوده که نسبت به همین میزان در تابستان گذشته که ۴۰/۳۲ درصد بوده، افزایش ۱۰/۱ درصدی را نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج این پایش در پاییز ۱۴۰۰، وضعیت محیط کسب و کار در بخش خدمات نزولی بوده و با ۰/۱ درصد افت نسبت به فصل قبل یعنی تابستان ۱۴۰۰، به سطح ۵/۸۹ رسیده است؛ عددی که در مقایسه با دو بخش تولید و



جدیدترین نظرسنجی از فعالان اقتصادی نشان می‌دهد محیط کسب و کار در پاییز ۱۴۰۰ نامساعدتر شده است. رقم شاخص ملی محیط کسب و کار ۵/۹۴ محاسبه شده که نسبت به ارزیابی فصل تابستان بدتر است. فعالان اقتصادی در این نظرسنجی سه نگرانی عمده خود را برای کسب و کار در ۱۴۰۱ اعلام کردند. در آستانه بررسی و تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۱ در مجلس، تهدیدهایی که مفاد بودجه می‌تواند برای کسب و کارها ایجاد کند، در نظرسنجی اتاق ایران استخراج شد.

شاخص ملی محیط کسب و کار برای سومین بار پیاپی در سال جاری سقوط کرد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد از زمستان ۱۳۹۹ تا پاییز ۱۴۰۰، سطح شاخص ملی محیط کسب و کار فصل به فصل بدتر شده است. نظرسنجی جدید اتاق ایران از فعالان اقتصادی حاکی از آن است که از سه مانع یا خطر برای کسب و کارهایشان با توجه به مفاد بودجه در سال آینده نگران هستند که شامل «نوسانات نرخ ارز»، «افزایش مالیات» و «کسری بودجه و افزایش قیمت‌ها» است.

در نظرسنجی از فعالان اقتصادی درخواست شد تا در آستانه بررسی و تصویب لایحه بودجه سال آینده، نظر خود را در خصوص سه مانع یا خطر مهمی که مفاد بودجه سال ۱۴۰۱ می‌تواند برای کسب و کارشان ایجاد کند، اعلام کنند. بر اساس این گزارش، ارزیابی‌های مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران نشان می‌دهد که اوضاع بنگاه‌های بزرگ نسبت به کسب و کارهای خرد یا SME‌ها بهتر است. در واقع شرایط برای فعالیت واحدهای دارای بیش از ۲۰۰ نفر نیروی کار بهتر است. از آن سو اثر کرونا بر کسب و کارها نیز به کمترین سطح خود در چهار فصل اخیر رسیده است. با این حال سایه نااطمینانی از آسمان اقتصاد ایران کنار نرفته است.

به نسبت بهتری در مقایسه با حوزه های خدمات و کشاورزی در پاییز ۱۴۰۰ از نقطه نظر شیوع کرونا داشته و تا حدی با این مساله کنار آمده اند.

در فصل پاییز ۱۴۰۰، میزان آسیب وارده بر کسب و کارها از شیوع ویروس کرونا در برخی مناطق کشور شدیدتر و در برخی استان ها کمتر احساس شده است. برای نمونه استان های چهارمحال و بختیاری با نمره ۷/۵۱، خراسان جنوبی با نمره ۷/۵ و اردبیل با نمره ۷/۴۳ بیشترین فشار را به سبب کرونا تجربه کرده اند و از آن سو، گزارش در استان های آذربایجان شرقی که نمره ۴/۱۳ را گزارش کرده، زنجان که نمره ۵/۲۷ را به ثبت رسانده و فارس که نمره ۵/۴۷ را اعلام کرده، شاهد کمترین فشار کرونا به اقتصاد استان ها و فعالان اقتصادی بوده است.

محیط کسب و کار و بودجه ۱۴۰۰

یکی از موضوعاتی که چشم اندازی مهم را برای سال ۱۴۰۱ پیش روی فعالیتهای اقتصادی گشوده، وضعیتی است که احتمالا در نتیجه برنامه مالی دولت به کسب و کارها در سال ۱۴۰۱ تحمیل خواهد شد. پیش تر کارشناسان و فعالان بخش خصوصی هشدارهای بسیاری در خصوص تبعات تنظیم برنامه مالی دولت در سال آینده عنوان کرده بودند که به نظر می رسد در تدوین لایحه و اصلاح آن توجه چندانی به این مطالبات نشده است. حال در یک پایش رسمی، فعالان اقتصادی از مثلی گفته اند که آینده تولید و کسب و کار را نشان رفته است. مهم ترین دغدغه های فعالان اقتصادی در مورد بودجه سال ۱۴۰۱ به ترتیب عبارتند از نوسانات نرخ ارز، افزایش میزان مالیات و کسری بودجه و افزایش قیمت ها که در گزارش اتاق ایران از وضعیت محیط کسب و کار در پاییز ۱۴۰۰ منعکس شده است. به این ترتیب می توان ادعا کرد سیاستگذار که در تلاش است سال آینده به سمت اهدافی در زمینه رشد اقتصادی ۸ درصدی، افزایش صادرات تا سطح ۴۵ تا ۵۰ میلیارد دلار و بهبود رفاه عمومی برود، با توجه به هشدار فعالان اقتصادی در زمینه اثرات منفی بودجه باید نسبت به اصلاح سیاست مالی خود اقدام کند؛ در غیر این صورت دور از ذهن نیست که سطح شاخص ملی کسب و کار به سطوح بدتر از ارقام کنونی تنزل پیدا کند.



کشاورزی آشکارا از فضای کسب و کار نامساعدتری خبر می دهد. در این ارزیابی، نمره به دست آمده برای بخش های کشاورزی و صنعت به ترتیب معادل ۵/۷۲ و ۵/۸۱ بوده است. بخش کشاورزی در این پایش بدون تغییر مانده؛ اما بخش صنعت نسبت به فصل گذشته یعنی تابستان ۱۴۰۰ نامناسب تر ارزیابی شده و حدود ۰/۰۳ درصد بدتر شده است. در این ارزیابی، در بین رشته فعالیت های اقتصادی بر حسب طبقه بندی استاندارد آیسیک، رشته فعالیت های مختلفی رصد شده اند که سه بخش املاک و مستغلات، سلامت انسان و مددکاری اجتماعی، اداری و خدمات پشتیبانی دارای بدترین وضعیت محیط کسب و کار بوده و شرایط نامناسب خود را اعلام کرده اند. از آن سو، سه رشته فعالیت مالی و بیمه، خدمات مربوط به تامین جا و غذا و آب رسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت های تصفیه وضعیتی بهتر از قبل را اعلام کرده اند. همبستگی وضعیت مناسب بخش اسکان، تامین غذا و جا که به حوزه رستوران داری و هتلداری مربوط است با کم رنگ شدن سطح تاثیر کرونا بر کسب و کارها، در این بررسی بسیار جالب توجه است. این سه رشته فعالیت در حالی بهترین وضعیت محیط کسب و کار را در مقایسه با سایر فعالیت های اقتصادی در کشور اعلام کرده اند که پیش تر بخش هتلداری و رستوران بدترین وضعیت ممکن را در دوره کرونا اعلام کرده بود. بخش دیگری از گزارش به وضعیت محیط کسب و کار کشور بر حسب تعداد کارکنان شاغل در بنگاه های کشور پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش اتاق ایران، بنگاه های دارای ۱۱ تا ۴۹ کارکن با کسب نمره ۵/۹۶ دارای بدترین وضعیت و بنگاه های دارای بیش تر از ۲۰۰ کارکن با کسب نمره ۵/۵۵ دارای بهترین وضعیت محیط کسب و کار نسبت به سایر بنگاه ها هستند.

پایش محیط کسب و کار از زاویه دیگر

بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، کسب و کار از مسائل محیطی بسیاری تاثیر می پذیرد که بر فعالیتهای اقتصادی اثر زیادی دارند. بر اساس این نظریه، شاخص ملی محیط کسب و کار ایران در پاییز ۱۴۰۰، عدد ۶/۱۴ (عدد ۱۰ بدترین ارزیابی است) را به دست آورده که بدتر از وضعیت این شاخص در ارزیابی فصل گذشته یعنی در تابستان ۱۴۰۰ است. در آن فصل نمره به دست آمده در این بخش ۶/۰۶ بود. در بهار ۱۴۰۰ این نمره ۶/۰۲ بود و در زمستان ۱۳۹۹ این نمره به ۵/۹۶ بهبود یافت. عدد به دست آمده در پاییز ۱۴۰۰ اما بدترین نمره این بخش از تابستان ۱۳۹۹ به این سو بوده است که وضعیت بد محیط کسب و کار کشور در طول پنج فصل گذشته را نشان می دهد. بررسی اتاق ایران نشان می دهد میانگین ارزیابی محیط اقتصادی در پاییز ۱۴۰۰ عدد ۶/۴۱ است که در ارزیابی فصل گذشته عدد ۶/۳۳ حاصل شده بود. میانگین ارزیابی محیط نهادهای هم در پاییز ۱۴۰۰ عدد ۵/۹۲ است که در فصل گذشته عدد ۵/۸۳ ارزیابی شده بود. بر این اساس در پاییز ۱۴۰۰، محیط جغرافیایی- زیر ساخت ها و ظرفیت های اقلیمی با عدد ۵/۳۷ و محیط مالی با عدد ۸/۲۲ به ترتیب مساعدترین و نامساعدترین محیط ها بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین بوده اند. لازم به ذکر است که شاخص شین به دلیل در نظر گرفتن وزن عوامل مختلف در محاسبه، از دقت بیشتری نسبت به شاخص کل کشور برخوردار است.

بررسی بخش های دیگری از گزارش اتاق ایران جالب توجه است. بر این مبنا در بین رشته فعالیت های اقتصادی بر حسب طبقه بندی استاندارد آیسیک (ISIC rev4) در فصل پاییز ۱۴۰۰، فعالیت های اداری و خدمات پشتیبانی با نمره ۶/۶۴، بخش املاک و مستغلات با نمره ۷/۹۷ و سایر فعالیت های خدماتی با نمره ۹/۹۲ بیشترین آسیب را از شیوع ویروس کرونا متحمل شده اند.

از آن سو، در مقابل رشته فعالیت های مالی و بیمه با نمره ۴/۵۱، بخش استخراج معدن با نمره ۵/۳۳ و حوزه تولید صنعتی و ساخت با نمره ۵/۶۷ کمترین آسیب را از شیوع ویروس کرونا نسبت به سایر فعالیت ها متحمل شده اند؛ موضوعی که نشان می دهد سه بخش بانکداری، صنایع کارخانه ای و بخش معدن وضعیت

بازوی پژوهشی سازمان برنامه، چالش‌های واردات و صادرات در ایران را بررسی کرد:

دو سناریو از نبض تجارت ۱۴۰۱



و آن هم به دلیل حذف و اضافاتی است که در برآوردهای این دو نهاد لحاظ می‌شود.

تجارت خارجی یکی از بخش‌های مهم اقتصادی است که امروزه با گسترش فناوری و افزایش تنوع در تولید کالاها در جهان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که حضور در بازارهای جهانی و بهره‌گیری از مزایای آن می‌تواند نقش موثری در توسعه اقتصادی کشورها ایفا کند. در این میان توسعه صادرات (غیرنفتی) باهدف هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های تولیدی دارای مزیت نسبی و افزایش درآمدهای ارزی از یک سو و مدیریت واردات با هدف استفاده از ظرفیت‌های تولید داخلی، کنترل مصارف ارزی و کاهش واردات غیررسمی از سوی دیگر، اصلی‌ترین موضوع موردتوجه سیاستگذاران در حوزه تجارت خارجی بوده و سیاست‌هایی مانند گسترش خوشه‌ها، شبکه‌ها، تشکله‌ها و شرکت‌های بزرگ صادراتی و مشارکت بخش غیردولتی و کاهش موانع و محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای وارداتی اتخاذ شده است. از آنجا که شرایط بین‌المللی و پیرامونی، یکی از اصلی‌ترین عوامل موثر بر متغیرهای حوزه تجارت خارجی است، با توجه به شرایط تحریم‌های بین‌المللی در برخی سال‌ها، سیاست‌های کوتاه‌مدت مقابله با تحریم جایگزین برخی سیاست‌های میان‌مدت و بلندمدت

بازوی پژوهشی سازمان برنامه با ارزیابی چالش‌های موجود در تجارت خارجی، چشم‌انداز صادرات و واردات کالای غیرنفتی در سال ۱۴۰۱ را در قالب دو سناریو ارائه کرد. سناریوی اول برآوردی است که از سوی بانک مرکزی ارائه شده و سناریوی دوم بر اساس پیش‌بینی گمرک ایران است. مفروضات لحاظ‌شده برای ارائه این دو سناریو، نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ ارز و میزان صادرات نفت است.

تجارت خارجی در سال ۱۴۰۱ به کدام سمت و سو می‌رود؟ در گزارشی که از سوی بازوی پژوهشی سازمان برنامه و بودجه منتشر شده، آینده تجارت خارجی از دو نگاه ترسیم شده و درصدد پاسخ به این سوالات برآمده که چالش‌های تجاری در سال آینده چیست و چه راهکارهایی برای عبور از این مشکلات وجود دارد؟ برآورد اول از نگاه بانک مرکزی و برآورد دوم از نگاه گمرک است. گمرک ایران پیش‌بینی کرده است که صادرات ایران در سال آینده به بیش از ۵۶ میلیارد دلار می‌رسد و واردات هم از ۵۵ میلیارد دلار عبور می‌کند. اما پیش‌بینی بانک مرکزی در سال آینده حکایت از دست یافتن به صادرات بیش از ۴۴ میلیارد دلار و واردات بیش از ۶۹ میلیارد دلاری است. این دو پیش‌بینی با هم تفاوت دارد

شد که از جمله آنها می‌توان به اعمال موانع غیرتعرفه‌ای مانند ممنوعیت‌های صادراتی و وارداتی، تخصیص ارز با نرخ‌های مختلف بر اساس اولویت‌های کالاهای وارداتی و مداخله در بازار برخی گروه‌های کالایی به منظور جلوگیری از افزایش قیمت‌ها اشاره کرد.

روند تجارت در سال‌های ۹۵ تا ۹۹

بر اساس آمار گمرک، ارزش صادرات غیرنفتی با احتساب میعانات گازی طی سال‌های ۹۵ تا ۹۹ از نوسان برخوردار بود، به طوری که از بیش از ۴۴ میلیارد دلار در سال ۹۵ به حدود ۴۷ میلیارد دلار در سال ۹۶ افزایش یافت. این افزایش ناشی از افزایش صادرات دیگر کالاها، به‌ویژه محصولات فلزی و تا حدودی رفع تحریم‌ها بوده است. اعلام خروج آمریکا از برجام و از سرگیری و اعمال تحریم‌های یک جانبه و تداوم تلاطمات ارزی پدید آمده در سال ۹۶ موجب شد صادرات غیرنفتی با احتساب میعانات گازی در سال ۹۷ از روند کاهشی برخوردار شده و به حدود ۴۴/۷ میلیارد دلار در پایان سال مذکور برسد. کاهش قیمت جهانی کالاها، تعدیل ارزش پایه صادرات و کاهش ۳۰ درصدی آن، تداوم تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا در ماه‌های پایانی سال ۹۸ موجب شد ارزش صادرات کالای غیرنفتی به حدود ۴۱/۴ میلیارد دلار در پایان سال مذکور کاهش یابد. ارزش صادرات در سال ۹۹ با روند کاهشی به حدود ۳۵ میلیارد دلار رسید. تداوم تحریم‌ها، فراگیری ویروس کرونا، کاهش مصرف برخی مواد غذایی، محدودیت مرزهای زمینی به‌ویژه در ماه‌های ابتدایی سال ۹۹ و کاهش مشتقات نفتی به تبع کاهش قیمت نفت، از مهم‌ترین دلایل کاهش صادرات در این بازه زمانی محسوب می‌شود. در مجموع صادرات کالای غیرنفتی با احتساب میعانات گازی طی سال‌های ۹۵ تا ۹۹ از متوسط نرخ رشد سالانه منفی ۵/۶ درصد برخوردار بوده است. بررسی صادرات به تفکیک پنج بخش اصلی شامل پتروشیمی و میعانات، معدن و صنایع معدنی، کشاورزی و صنایع نساجی، فرش و صنایع دستی طی سال‌های ۹۵ تا ۹۹ بیانگر آن است که بخش پتروشیمی و میعانات گازی با متوسط سهم ۵۳/۳ درصد از بیشترین سهم و بخش فرش و صنایع دستی با متوسط سهم ۰/۷ درصد از کمترین سهم برخوردار بوده است. همچنین ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در مجموع، عمده صادرات کشور ماهیت پتروشیمی و معدنی دارند، به گونه‌ای که به طور متوسط بیش از ۷۲ درصد صادرات مربوط به این دو بخش بوده است. بررسی مقاصد صادراتی ایران در این دوره نیز نشان از آن دارد که کشورهای چین، عراق و امارات اصلی‌ترین شرکای تجاری در سمت صادرات بوده‌اند و به طور متوسط طی دوره مذکور حدود ۵۴ درصد صادرات به سه کشور مذکور انجام شده است. تحریم‌های بین‌المللی موجب شد کشورهای پیرامونی در زمره اصلی‌ترین خریداران کالاهای ایرانی به‌ویژه در سال‌های ۹۵ تا ۹۹ قرار گیرند. به طور متوسط طی سال‌های ۹۵ تا ۹۹ بیش از ۸۳ درصد صادرات به ۱۰ کشور نخست مقاصد صادراتی انجام شده که این امر بیانگر تمرکز بالای صادرات ایران روی چند کشور است. تمرکز صادرات از یک سو موجب کاهش قدرت چانه‌زنی و از سوی دیگر سبب افزایش تاثیر و وضعیت اقتصادی شرکای اصلی بر صادرات می‌شود. بر اساس آمار گمرک، واردات کالا طی سال‌های ۹۵ تا ۹۹ نیز از نوسان برخوردار بود، به طوری که از حدود ۴۳/۷ میلیارد دلار در سال ۹۵ به حدود ۵۴/۵ میلیارد دلار در سال ۹۶ افزایش یافت. افزایش واردات خودرو و قطعات منفصله آن، افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و برخی کالاهای اساسی، کاهش قاچاق کالا و انتقال واردات از کانال غیررسمی به کانال رسمی و تسریع و شفاف‌سازی امور ترخیص از مهم‌ترین دلایل افزایش واردات بوده است. واردات کالا در سال ۹۷ مجدداً از روند کاهشی برخوردار شد و به حدود ۴۳/۲ میلیارد دلار رسید. افزایش نرخ ارز و مدیریت واردات از طریق گروه‌بندی کالایی از مهم‌ترین دلایل کاهش واردات در سال مذکور بوده است. واردات کالا در سال ۹۸ بیش از ۴۳/۷ میلیارد دلار بود که در مقایسه با سال ۹۷، حدود ۱/۳ درصد افزایش داشته که عمده این افزایش به دلیل واردات کالاهای

اساسی بوده است. کاهش درآمدهای ارزی (شامل نفت و غیرنفتی)، افزایش نرخ ارز و ممنوعیت و محدودیت‌های وارداتی موجب شد واردات در سال ۹۹ به حدود ۳۸/۹ میلیارد دلار کاهش یابد. در مجموع واردات طی سال‌های ۹۵ تا ۹۹ از متوسط نرخ رشد سالانه منفی ۲/۹ درصد برخوردار بوده است. بررسی ترکیب کالاهای وارداتی در سال‌های ۹۵ تا ۹۹ حاکی از آن است که در تمام سال‌های مذکور کالاهای واسطه‌ای همواره بالاترین سهم را در ترکیب کالاهای وارداتی داشته و متوسط سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی طی دوره مذکور حدود ۱۹ درصد و ۱۴ درصد بوده است. افزایش سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای در ترکیب واردات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این بخش از واردات می‌تواند علاوه بر بالا بردن ظرفیت‌های تولیدی کشور، زمینه ورود تکنولوژی‌های نوین را نیز فراهم کند. در حالی که بالا بودن سهم واردات آن بخش از کالای واسطه‌ای که جایگزین تولید داخلی می‌شوند یا با ایجاد ارزش افزوده اندک در زنجیره تولید به مصرف می‌رسند، چندان مطلوب تلقی نمی‌شود. در مجموع بررسی ترکیب واردات طی دوره مذکور بیانگر آن است که کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با متوسط سهمی بیش از ۷۵ درصد، اصلی‌ترین بخش واردات کشور را تشکیل داده است. علاوه بر این، بررسی مبادی وارداتی ایران در بازه زمانی مورد بررسی حاکی از آن است که دو کشور امارات و چین اصلی‌ترین شرکای تجاری در سمت واردات بوده‌اند و به طور متوسط طی دوره مذکور حدود ۴۴ درصد واردات از دو کشور مذکور انجام شده است. به طور متوسط، طی سال‌های ۹۵ تا ۹۹ بیش از ۷۹ درصد واردات از ۱۰ کشور نخست مبدا واردات انجام شده که این امر بیانگر تمرکز بالای واردات ایران روی چند کشور است. محدود کردن مبادی وارداتی از کشورها می‌تواند کاهش کیفیت کالاهای وارداتی و محدودیت دسترسی کالاهای وارداتی با تکنولوژی را به دنبال داشته باشد.

روند تجارت در ۱۴۰۰

ارزیابی‌ها حاکی از آن است که خروج آمریکا از برجام و افزایش تحریم‌های بین‌المللی، افزایش نرخ ارز و کاهش قیمت نفت و شیوع ویروس کرونا، تجارت ایران را در سال‌های گذشته تحت‌تاثیر قرار داد. در عین حال تجارت خارجی کشور اگرچه افت و خیزهای زیادی را در بازه زمانی ۹۹-۹۵ تجربه کرده است اما از ابتدای امسال تا پایان دی ماه شاهد رشد صادرات بوده‌ایم. در ۱۰ ماه منتهی به دی ماه امسال صادرات کالا به ۱۰۰ میلیون و ۴۲۵ هزار تن به ارزش ۳۸ میلیارد و ۷۶۳ میلیون دلار رسید که از نظر وزنی رشد ۶/۵ درصدی و از نظر ارزشی افزایش ۳۷/۴ درصدی نسبت به سال ۹۹ داشته است. در عین حال واردات نیز روند افزایشی داشته است. در ۱۰ ماه امسال، ۳۳ میلیون و ۲۱۱ هزار تن کالا به ارزش ۴۱ میلیارد و ۴۷۳ میلیون دلار به کشور وارد شده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۱۷ درصدی وزنی و افزایش ۳۵ درصدی ارزشی را نشان می‌دهد که از مهم‌ترین دلایل آن، افزایش قیمت‌های جهانی، سرعت بالا در ترخیص کالاهای ضروری، ماشین‌آلات و اقلام واسطه‌ای تولید، کاهش انتظارات تورمی و شتاب واردکنندگان برای ترخیص کالاها و اطمینان یافتن واردکنندگان از تامین منابع ارزی به‌خصوص دریافت‌کنندگان ارز ترجیحی بوده است.

چالش‌های تجاری ایران

بر اساس این گزارش، تجارت خارجی کشور همواره از مصائبی رنج می‌برد که بعد از گذشت سال‌ها هیچگاه برطرف نشده است. از این رو یک‌سری از چالش‌های تجاری را می‌توان چالش‌های ثابت تجارت خارجی ایران دانست؛ مانند اتکای بخش عمده صادرات کشور به محصولات پایه و کمتر فرآوری شده، رقابت‌پذیری پایین کالاهای صادراتی و پایین بودن کیفیت کالاهای تولید داخل، بالا بودن هزینه حمل‌ونقل و عدم تنوع بازارهای صادراتی و وارداتی. در عین حال برخی از چالش‌هایی که به صورت مقطعی وجود داشته و بنا به موقعیت ممکن است از میان برداشته شود یا اثر منفی

کشورهای همسایه و مدیریت واردات با اولویت دادن به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به منظور جلوگیری از کسری تراز تجاری کشور و کاهش فشار مضاعف بر منابع ارزی کشور اعمال شود. برای توسعه صادرات غیرنفتی پیشنهاد شده است که علاوه بر تداوم سیاست‌های گذشته، سیاست‌هایی مانند تشویق صادرکنندگان به بازگشت

از صادراتی، پرداخت مشوق‌های صادراتی هدفمند، به‌ویژه به منظور حمایت از توسعه زیرساخت‌های صادراتی از جمله خرید یا اجاره کانتینرهای حمل کالاهای صادراتی و پایانه‌های صادراتی، حمایت از صادرات کالاهای دانش‌بنیان و دارای فناوری بالا و معرفی توانمندی‌های صادراتی کشور از طریق شبکه‌های رسانه‌ای، مجازی و بیلبردهای تبلیغاتی تمرکز بر صادرات خدمات و بسترسازی دستگاه‌های اجرایی، تکمیل زنجیره‌های تولیدات صادرات‌محور که کشور در آنها

مزیت دارد، موردتوجه قرار گیرد.

یکی از راهکارهایی که می‌تواند زمینه

افزایش تولید و صادرات را فراهم کند، حمایت

پلکانی از تولیدکنندگانی است که بخشی از تولید

خود را صادر می‌کنند. این سیاست علاوه بر افزایش تولید و

تامین نیاز بازار داخلی، موجب می‌شود انگیزه تولیدکنندگان برای بهبود و ارتقای کیفیت محصولات مطابق با استانداردهای جهانی افزایش یابد و ظرفیت‌های جدیدی برای رشد صادرات غیرنفتی ایجاد شود. برای توسعه تجارت با کشورهای همسایه تمرکز بر محصول-بازار جدید در اهداف صادراتی کشورهای همسایه، فراهم کردن زمینه تهاوت کالا و خدمات، ایجاد بستر مالی دو کشوری، هدفمند کردن حضور راینزان بازرگانی به‌ویژه در کشورهای هدف صادراتی و فعالیت منسجم نهادها و تشکلهای تجاری خصوصی در زمینه توسعه روابط تجاری با کشورهای مذکور و تقویت موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه پیشنهاد شده است. همچنین ایفای نقش فعالانه در حوزه دیپلماسی راه و انجام اقداماتی مانند احیا و تثبیت جایگاه کلیدی ایران در جاده ابریشم، احیا و تثبیت جایگاه ایران در مسیر مائوسام (پروژه اقتصادی هند با هدف اتصال کشورها به یکدیگر در اقیانوس هند) و نیز احیای کریدور شمال- جنوب، بسیار حائز اهمیت است که ضرورت دارد در دولت سیزدهم بیش از پیش و با سرعت عمل مورد توجه قرار گیرد. همچنین تسهیل تهاوت، ایجاد بازار آتی ارز، امکان واردات از طریق ارز اشخاص و جدیت در ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان به منظور بازگرداندن ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور نیز به منظور بهبود وضعیت تجارت خارجی می‌تواند مدنظر قرار گیرد. علاوه بر موارد مذکور لازم است به منظور تسهیل فرآیند تجارت خارجی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری تجاری کاهش یابد و نیز مجوزها و بخشنامه‌های غیرضروری مورد بازبینی و پالایش قرار گیرند.

آنها کاهش یابد. با توجه به شرایط کنونی ایران می‌توان مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های حوزه تجارت خارجی در شرایط کنونی را «تداوم تحریم‌ها و مشکلات ناشی از آن شامل عدم امکان صادرات نفت و کاهش درآمدهای ارزی حاصل از آن، سخت‌تر شدن نقل و انتقالات بانکی و افزایش مشکلات حمل‌ونقل

کالاهای»، «افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای

و به تبع آن افزایش هزینه‌های تولید به دلیل

افزایش قیمت جهانی کالاهای»، «مرتفع

نشدن محدودیت‌های ناشی از تداوم

بیماری کرونا و شیوع سوبه‌های

جدید که موجب کاهش

تقاضای جهانی برای کالاهای

و خدمات می‌شود»،

«منازعات، تنش‌ها و

ناآرامی‌های منطقه

ای»، «ناپایداری در

سیاست‌ها و ضوابط

تجاری و اقتصادی،

صدور بخشنامه‌ها و

مصوبات مختلف و بعضاً

متناقض و عدم توجه به

نظرات واحد تخصصی

صادرات که منجر به

بی‌نظمی و بی‌ثباتی در تجارت

خارجی شده است» دانست.

پیش‌بینی تجارت در سال آینده

حال با در نظر گرفتن این چالش‌ها و

اضافه کردن مغروضاتی مانند نرخ رشد اقتصادی

۸ درصدی، نرخ تورم ۳۰ درصدی، فروش نفت ۱۵

۱ میلیون بشکه در روز به قیمت ۷۰ دلار به ازای هر بشکه و نرخ ارز

۲۳۲۴۱۷ ریالی، دو پیش‌بینی از واردات و صادرات سال آینده صورت گرفته

است. بر اساس گزارش منتشر شده، چنانچه این ارقام محقق شود، پیش‌بینی

گمرک این است که می‌توانیم شاهد صادرات ۵۶ میلیارد و ۱۶ میلیون دلاری و

واردات ۵۵ میلیارد و ۷۶۱ میلیون دلاری باشیم. البته پیش‌بینی دیگری از سوی

بانک مرکزی صورت گرفته است که بیانگر صادرات ۴۴ میلیارد و ۸۱۳ میلیون

دلاری و واردات ۶۹ میلیارد و ۷۰۱ میلیون دلاری است. البته این گزارش افزوده

است که عمده‌ترین اختلاف آماری بانک مرکزی و گمرک در حوزه صادرات

به دلیل آن است که بانک مرکزی صادرات میعانات گازی و بخشی از صادرات

پتروشیمی ارائه شده توسط گمرک را در آمار صادرات نفت لحاظ می‌کند، به

این ترتیب میزان صادرات غیرنفتی که توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود کمتر

از آمار اعلامی گمرک است. در حوزه واردات به دلیل لحاظ کردن آمار واردات

مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، بازارچه‌های مرزی، قاچاق و سایر موارد مشابه

در آمار اعلامی بانک مرکزی، این آمار بیشتر از آمار اعلامی گمرک است. این

موضوع را نیز باید در نظر گرفت که تغییر هریک از مغروضات، نتایج پیش‌بینی

را دستخوش تغییر خواهد کرد.

پیشنهادهایی برای بهبود تجارت

در این پژوهش عنوان شده است: با توجه به چالش‌ها و شرایط موجود که

تحریم مهم‌ترین آن است، لازم است توسعه صادرات غیرنفتی با اولویت



حسین سلاح ورز-نایب رئیس اتاق ایران

تقویت داخلی در کنار تعامل باخارج

ارزیابی میزان تاثیر گذاري توافقي که ظاهرا در وين شاهد آن خواهيم بود، بر تغيير مناسبات بين المللي اقتصاد ايران به دو مولفه اساسي، يعني «تغييرات ميزان ريسک سياسي» و «ظرفيت اقتصاد ايران براي فعاليت هاي بين المللي» وابسته است.

تقویت داخلی در کنار تعامل با خارج

اولین و بدیهی ترین گام در ارزیابی تغییرات سطح ریسک سیاسی بر اثر توافق احتمالی وین، تاثیر این توافق بر آن دسته از کشمکش ها و نگرانی هایی است که اصطلاحاً «مساله هسته ای ایران» نامیده می شوند. واقعیت این است که ریشه این مساله آن قدر عمیق و ابعاد ملاحظات مرتبط با آن، چنان متعدد و پیچیده هستند که باید گفت، «حل این مساله» در آینده پیش بینی پذیر ناممکن می نماید. در دوران توافق قبلی یا همان برجام نیز، دقت در مفاد توافق نشان می دهد که طرفین در واقع بر سر راه حل برای «بهار مساله» به تفاهم رسیدند که علاوه بر مکانیزم های نظارتی، بر پایه پذیرش برخی محدودیت ها از سوی ایران و «کنار نهادن» برخی ادعاها از سوی طرف های مقابل بنا شده بود. در فاصله سال های ۹۴ تا امروز اما، این مساله دستخوش تغییرات فنی و سیاسی بسیار زیادی شده است، به صورتی که امروز، دیگر تقریباً امیدی برای بازگشت به وضعیت سال ۹۴ نیز در مورد آن وجود ندارد. تغییرات شرایط مساله هسته ای ایران، تغییر نقش و موضع بازیگران بین المللی در قبال این مساله و همچنین افول ظرفیت ها و سرمایه های سیاسی مورد نیاز برای حل یا مهار این مساله در دو طرف اصلی منازعه، یعنی ایران و آمریکا، در مجموع شرایطی را رقم زده است که می توان گفت، هر توافق ممکن، توافقی به مراتب سطحی تر و مقطعی تر از توافق سال ۹۴ خواهد بود که بدون دست زدن به ریشه های مساله هسته ای ایران، تلاش می کند شاخه های بحران رویداد از آن را تا حدی هرس کند. تجربه رویش و ریزش برجام نیز این درس را

به خوبی برای تمام فعالان اقتصادی بین المللی علاقه مند به حضور در بازار ایران مرور کرد که در پیل رنگ متنوع ریسک سیاسی اقتصاد ایران، مساله هسته ای شاید رنگی چشمگیر باشد؛ اما به هیچ عنوان تنها عنصر مهم نیست. زیربنای ریسک سیاسی اقتصاد ایران برای شرکای بین المللی بالقوه، مخاصمه آمریکا با ایران است که با توجه به سابقه غیر قابل اعتماد آن کشور و شرایط حاکم بر مناسبات طرفین، در آینده قابل پیش بینی، چشم اندازی برای بروز تغییری معنادار در آن وجود ندارد. تنها به عنوان یک نمونه، مجموعه تهدیدات انفعالی (reactive) که تحریم یکجانبه آمریکا، در طول سال های اخیر و پس از عهد شکنی این کشور در مورد برجام، همچون یک میدان مین در برابر علاقه مندان ورود به بازار ایران گسترده است، با هیچ «توافق ممکن» قابل پاک سازی نیست یا لااقل به سرعت قابل پاک سازی نیست. حتی اگر فرض کنیم یک معجزه، به ناگاه تمام موانع ساختاری مبتنی بر تحمیل ریسک سیاسی را از پیش پای فعالیت های بین المللی اقتصاد ایران برمی دارد، گسل نهادی ایجاد شده میان اقتصاد ایران و جهان در طول بیش از یک دهه گذشته (که فقط یکی از نمونه های آن بیگانگی نظام بانکداری کشور با بانکداری مدرن جهانی است) در کنار شبکه درهم تنیده مسائل مقیاس پذیری، کیفیت فضای کسب و کار، کیفیت حکمرانی اقتصادی و اعوجاج های اقتصاد کلان، در مجموع سبب می شوند هیچ شانس درخشانی برای اعمال یک شوک مثبت چشمگیر به اقتصاد کشور از محل گشایش های بین المللی وجود نداشته باشد.

در عمل چه اتفاقی خواهد افتاد؟

توافق محدود و مقطعی پیش رو، در بخش منافع ایران، قاعدتاً متمرکز بر تسهیل فروش منابع طبیعی و به ویژه نفت، از سوی ایران و بازگشت ارز آن به دولت، نهادهای حاکمیتی و بازیگران نزدیک به آنان است. این دسترسی به منابع ارزی، امکان تکرار سیاست سرکوب قیمت ارز را

برای کاهش فشار بر معیشت مردم فراهم می کند. این سیاست با آزاد شدن بخشی از ذخایر احتیاطی از سوی بازیگران غیر حرفه ای تر بازار ارز نیز همراه خواهد شد و برای دوره ای کوتاه، شاهد عقب نشینی نرخ ارز خواهیم بود و پس از آن نیز روند رشد قیمت برای مدتی شیب کمتری را نشان خواهد داد. هرچند این مسکن همچون دفعات قبل تاثیری مقطعی دارد و به دلیل محدودیت های مالی دولت و گرفتاری آن در تله ناترازی، با شدت دوره های قبل نیز قابل تکرار نیست.

شرکای این روزهای ایران، یعنی روسیه و چین نیز، امکان خواهند یافت تا در پروژه های زیرساختی کشور حضور پررنگ تری داشته باشند. البته این حضور در شرایطی که دست ما از سایر گزینه ها کوتاه و شرایط برخی زیرساخت ها نیز واقعا وخیم است؛ طبیعتاً معامله چندان شیرینی برای طرف ایرانی نخواهد بود.

در کنار این موارد، روابط تجاری کوتاه مدت، مانند واردات کالاهای مصرفی بادوام و امثال آن نیز رونق خواهد گرفت. در نتیجه احتمالاً شاهد حضور پراکنده بازیگران کوچک تر و خطرپذیرتر اقتصادهای توسعه یافته در ایران نیز خواهیم بود و البته آمارهای اقتصاد کلان و به ویژه رشد اقتصادی نیز برای دوره ای کوتاه از اثر ورود دلارهای نفتی و... سبزپوش خواهند شد.

از این رهس که بگذریم؛ برخی پدیده های نمادین و تشریفاتی، همچون آمد و رفت هیات هایی که تنها کارکرد واقعی شان رونق دادن به کسب و کار هتلداران پایتخت پس از دوران سخت و سیاه کروناست یا تسهیل کار برخی خرده فروشان صادراتی قالی و باقلا که البته اثر معناداری بر کلیت اقتصاد ایران ندارند، نیز این جشن کوچک را تزئین خواهند کرد.

در جمع بندی باید گفت که به صورت واقع بینانه، چشم اندازی برای احیای امیدهای سال ۹۴ و به طریق اولی بازسازی روابط قدرتمند و بالنده ای که در فاصله سال های ۷۵ تا ۸۵ میان اکوسیستم تولید و تجارت ایران و اقتصاد جهانی در حال شکل گیری بود، در آینده قابل پیش بینی وجود ندارد. همان طور که مقام معظم رهبری بارها ارشاد فرمودند، در این شرایط، مستقل از روند مذاکرات و تحولات بین المللی، باید تمرکز ما بر بهسازی ظرفیت های داخلی باشد. رفع نواقص ساختاری اقتصاد ایران نیازمند همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی است و در شرایط حاضر تنها کار مفید واقعی است که می توانیم برای بهبود وضعیت خود انجام دهیم. مقاومت سازی ساختار اقتصاد ایران ذیل سیاست های اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت از تاثیر تلاطمات بین المللی بر گردش چرخه ای تولید و تجارت می کاهد و به این ترتیب علاوه بر کمک به اقتصاد و معیشت، به ابزار قدرتمندی در دست سیاستمداران برای مذاکره و مواجهه هرچه عزتمندانه تر در صحنه های بین المللی تبدیل خواهد شد و در درازمدت نیز این سیاست ها، دقیقاً مواردی هستند که ظرفیت نقش آفرینی بین المللی برای اقتصاد ایران را با بروز تغییر جدی در سطح ریسک سیاسی فراهم خواهند کرد. صرف نظر از نتایج مذاکرات، این تنها راه پیش روی ماست.

همزمان با ضرب الاجل و وعده اصلاح صنعت خودرو از سوی وزیر صمت بررسی شد؛

نسخه شعار درمانی برای صنعتی بیمار



همزمان با تحولات مهمی از جمله وضعیت نابسامان مالی خودروسازان، انحصار تولید و فروش، رکود بازار، افزایش بی سابقه قیمت‌ها و طرح‌های مختلفی مانند ساماندهی صنعت خودرو و آزادسازی واردات، طی دو هفته گذشته حادثه تصادف زنجیره‌ای جاده بهبهان سبب شده تا بحث خودروهای بی کیفیت نیز به دغدغه‌های کنونی صنعت خودروی کشور اضافه شود.

مدیرکل دفتر صنایع حمل و نقل وزارت صمت، کارگروه مشترکی هم میان این وزارتخانه و اعضای کمیسیون صنایع مجلس تشکیل شده تا به دغدغه نمایندگان پاسخ داده شود.

یافته‌ها حاکی از این است که مسائل مهم از سوی نمایندگان مجلس در مورد صنعت خودرو در ۹ فصل طبقه‌بندی شده که سرفصل‌های مهم آن عبارتند از: ظرفیت اسمی و عملیاتی تولید خودرو، موضوع رقابت و انحصار در صنعت خودرو کشور و جهان، سابقه واردات خودرو به کشور و تحلیل وضعیت قیمت خودرو و مقایسه آن با قیمت‌های جهانی است؛ اموری که به گفته کارشناسان نه مربوط به سال‌های اخیر بلکه مساله و دغدغه اساسی سالیان گذشته صنعت خودرو بوده و در طول این سال‌ها هر چند که دائما روی آن تاکید می‌شود، شواهد نشان می‌دهد که همچنان بخش مهمی از چالش‌های کنونی صنعت خودرو را علاوه بر ابلاغ و اجرای برنامه‌های مختلف تشکیل می‌دهند.

در همین رابطه است که سیدرضا فاطمی‌امین وزیر صمت در سفری که به خوزستان داشته و از محل حادثه تصادف زنجیره‌ای بازدید به عمل آورده، تاکید کرده است: متأسفانه صنعت خودروسازی ایران در طول سال‌های گذشته از نظر کیفیت و قیمت عملکرد و روند مناسبی نداشته است. وی همچنین با بیان اینکه ما تاکید ویژه‌ای در افزایش تولید و متعادل شدن قیمت خودروها داریم، افزوده است: در مورد الزامات ایمنی و کیفیت خودرو باید بیشتر دقت کنیم. بنابر اخبار منتشر شده، فاطمی‌امین پس از دریافت گزارش خودروسازان در مورد تصادف جاده بهبهان نیز طی ضرب‌الاجلی در نامه‌هایی جداگانه به وزیر راه و شهرسازی و رئیس هیات عامل ایدرو، بررسی دقیق و تعیین عوامل دخیل در بروز حادثه مذکور را خواستار شده است.

از طرف دیگر همزمان با افزایش انتقادات شدید از سوی نمایندگان مجلس از وضعیت خودروسازی و عدم ایمنی خودروها طبق گفته سهیل معمارباشی

مروی بر وعده‌های مطرح شده

از همان آغاز روی کار آمدن دولت سیزدهم، وزیر صمت اعلام کرد که ۹ پروژه را برای ساماندهی به وضعیت خودروی کشور تا بازه زمانی خرداد ماه ۱۴۰۱ در دستور کار دارد. فاطمی‌امین همچنین مجدداً تاکید کرده است که برای اجرای این ۹ برنامه یک دوره سه ساله مورد نیاز است که نتایج آن ظرف دو سال مشخص می‌شود. او همچنین با اشاره به بیمار بودن صنعت خودروی کشور، ناکارآمدی‌های موجود را حاصل دو سال اخیر ندانسته و تاکید می‌کند که این چالش محصول انباشت ناکارآمدی‌ها در یک بازه زمانی طولانی مدت است.

در این رابطه آماری که از سوی وزیر صمت ارائه شده، هر چند که امری پنهان در صنعت و بازار خودروی کشور نبوده و بسیاری از کارشناسان روزانه روی آن تاکید می‌کنند، اما در نوع خود جالب توجه است. فاطمی‌امین از نیاز ۵۰ هزار دستگاهی خودرو در کشور صحبت کرده و خاطر نشان می‌کند: به علت آشفته‌گی بازار، عرضه و تقاضا با یکدیگر همخوانی ندارند. به همین دلیل است که فاصله قیمت خودرو در کارخانه و بازار به یک رانت ۲۰ تا ۱۵۰ میلیون تومانی دامن زده و سبب شده تا شاهد باشیم خودرو با تبدیل شدن به یک کالای سرمایه‌ای برای قرعه‌کشی فروش ۱۰ هزار دستگاه، چهار میلیون نفر ثبت‌نام کنند.

وی با وجود انتقادات مطرح شده و تداوم وضعیت کنونی بار دیگر تصریح کرده که سال آینده بیش از نیاز خودرو تولید شده و قرعه‌کشی نیز حذف خواهد شد. در واقع طبق گفته‌های فاطمی‌امین تا پایان امسال ۱۳۰ هزار خودرو عرضه می‌شود و ۱۳۰ هزار دستگاه نیز پیش‌فروش خواهد شد که این امر باعث می‌شود تولید خودرو ۲۶۰ هزار دستگاه افزایش پیدا کند.

وزیر صمت اول آبان ماه در مراسم افتتاح خط تولید تارا به خبرنگاران گفته بود که گلوگاه‌ها و موانع صنعت خودرو را شناسایی کرده‌ایم. در همین راستا قرار است سال آینده ۱/۶ میلیون دستگاه خودرو تولید شود تا با افزایش عرضه، قیمت‌ها نیز تا پایان سال کاهش یابد. او دو روز بعد این موضوع را در توثیقی دوباره تکرار کرده و نوشت: سال آینده تولید خودرو به قدری زیاد خواهد شد که دیگر نیازی به قرعه‌کشی نیست. او همچنین در حالی روز نهم آبان تاکید کرده بود که موج جدید افزایش تولید خودرو از ۲ هفته آینده آغاز خواهد شد، در ۱۷ آبان ماه و

در حاشیه جلسه ستاد تنظیم بازار که با حضور معاون اول رییس‌جمهوری برگزار شد، گفته است: در ۹ پروژه‌ای که طراحی کرده‌ایم، برخی ظرف مدت شش ماه و برخی نیز حداکثر طی دو سال به نتیجه رسیده و در این مدت شاهد اصلاحات ساختاری در صنعت خودرو خواهیم بود.

واقعیت چه می‌گوید؟

با این حال شواهد موجود نشان می‌دهد که با وجود وعده‌های مطرح شده، واقعیت صنعت و بازار خودرو به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. نخست اینکه از مرداد ماه امسال تاکنون و با وجود تمامی صحبت‌ها به منظور کنترل قیمت خودرو، شاهد هستیم که تنها پراید ۱۱۱ در حدود ۴۰ میلیون تومان افزایش قیمت در بازار داشته است.

از طرف دیگر در حالی مجوز افزایش ۱۸ درصدی قیمت خودروها صادر شده است که زیان انباشته خودروسازان اکنون از مرز ۱۰۰ هزار میلیارد تومان گذشته و به گفته کارشناسان این میزان افزایش قیمت کارخانه‌ای تنها به مدت محدودی می‌تواند راه تنفس برای دو خودروساز را باز کرده، اما راهکاری برای خروج از زیان‌دهی تولید محصولاتشان نخواهد بود.

سومین مساله مهمی که از سوی ناظران مطرح می‌شود این است که با توجه به اینکه مسوولان صنعت خودرو بارها اذعان کرده‌اند که به واسطه قیمت‌گذاری دستوری برای محصولاتشان بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون تومان زیان می‌کنند، با کدام منطق اقتصادی قرار است که تولید یک کالای زیان‌ده تا سال آینده به ۱/۶ میلیون دستگاه افزایش یابد؟

همچنین در حالی که اکنون بیش از ۱۵۰ هزار خودرو به واسطه کمبود قطعات در پارکینگ‌ها انبار شده است، بررسی عملکرد خودروسازان در آذر ماه نشان می‌دهد که از میان ۷۳ هزار ۹۶۹ دستگاه خودروی تولیدشده در این ماه تنها برای ۶۰ هزار و ۵۱۰ دستگاه خودرو فاکتور فروش صادر شده و ۱۵ هزار و ۷۳۴ دستگاه به واسطه نواقص موجود تجاری‌سازی نشده‌اند. این قضیه از آنجا اهمیت دارد که بیش از ۹۰ درصد تولید و فروش خودرو در اختیار دو شرکت ایران خودرو و سایپا است، اما به عنوان نمونه در تولید خودروی دنا در آذر ماه از ۴۳۷۰ دستگاه تولیدشده، تنها ۵۸۱ خودرو عرضه شده و مابقی ناقص مانده‌اند.

از همین رو است که به نظر می‌رسد تکرار وعده‌ها با واقعیت‌های موجود در صنعت خودرو همچنان تطابق نداشته و بعید به نظر می‌رسد که با حرکت در مسیر فعلی بدون انجام اصلاحات اساسی نتیجه‌ای در تولید، عرضه و تثبیت قیمت‌ها دربر داشته باشد. در همین رابطه سال گذشته هم شاهد بودیم که وزیر سابق صمت نیز بارها تاکید کرده بود هدف ما شکست انحصار در صنعت خودرو است و تا خرداد ماه امسال تولید بیش از ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. به همین دلیل است که ناظران معتقدند اولاً با توجه به اینکه دلیل اصلی انحصار در صنعت خودرو، مدیریت تمام دولتی در دو خودروساز بزرگ بوده و ثانیاً شواهد هم نشان داده برنامه‌های گذشته به همین واسطه موفق و کارآمد نبوده‌اند، از متولی انحصار نمی‌توان انتظار رفع و اصلاح ساختاری صنعت و بازار خودرو را داشت.



آماری که از سوی

وزیر صمت ارائه

شده، هر چند

که امری پنهان

در صنعت و بازار

خودروی کشور

نبوده و بسیاری

از کارشناسان

روزانه روی آن

تاکید می‌کنند،

اما در نوع خود

جالب توجه است.

فاطمی‌امین از

نیاز ۵۰۰ هزار

دستگاهی خودرو

در کشور صحبت

کرده و خاطر نشان

می‌کند: به علت

آشفته‌گی بازار،

عرضه و تقاضا با

یکدیگر همخوانی

ندارند

ذوب آهن؛ سر آغازی بر صنعتی شدن ایران



مجید مرادیان- کارشناس روابط عمومی

شد. ساختمان اولیه این کارخانه در ۲۳ اسفند ۱۳۴۶ رسماً افتتاح شد و در ادامه با ساخت کارگاه‌های کک‌سازی، آگلوراسیون و کوره‌بلند شماره یک در ۲۳ دیماه ۱۳۵۰ شمسی کوره‌بلند شماره یک ذوب‌آهن راه اندازی شد و نخستین شمش چدن در دیماه ۱۳۵۱ ریخته شد، اما کوره‌بلند رسماً در ۲۳ اسفند ماه همان سال شروع به تولید کرد. نکته قابل توجه در ذوب‌آهن علاوه بر نگاه اقتصادی؛ توجه ویژه به مسئولیت‌های اجتماعی است که با

سنا و شورای ملی در تاریخ تیر ماه ۱۳۴۶ این سازمان به شرکت ملی ذوب‌آهن ایران تغییر نام داد. مبلغ قرارداد تأسیس ذوب‌آهن ۲۸۶ میلیون دلار بود که بخشی از محل صدور گاز به شوروی و بخش دیگر از محل وام ۲۶۰ میلیون دلاری با بهره ۲/۵ درصدی تأمین می‌شد. همچنین حدود ۲۸ میلیارد ریال برای سرمایه‌گذاری در ذوب‌آهن پیش‌بینی شده بود که بعدها به ۴۱ میلیارد ریال افزایش یافت. عملیات ساختمانی طی نیمه دوم سال ۱۳۴۶ آغاز

ایران با تمدنی چندین هزار ساله از پیشتازان صنعت ذوب فلزات بوده است، اما طی سه قرن گذشته به دلیل ناپایداری ساختار قدرت و حاکمیت و به دلیل سرعت تحولات فرآوری تولید فولاد در کشورهای صنعتی و نیاز روزافزون به محصولات فولادی؛ در زمره واردکنندگان محصولات فولادی قرار گرفت.

در چنین شرایط تازه‌ای نیاز به داشتن یک کارخانه فولادی بسیار احساس می‌شد. اگرچه احداث ذوب‌آهن به عنوان یک آرزوی ملی و آرمانی برای ایرانیان از دوره قاجار با جدیت دنبال می‌شد، اما به خاطر تحولات سیاسی و اجتماعی در دوره‌های مختلف این هدف محقق نشد.

در سال ۱۹۳۸ بر اساس پیمانی میان دولت وقت ایران و کنسرسیوم آلمانی طرح ساخت ذوب‌آهن، کارخانه مفتول‌سازی، فولادسازی و تولید ورق به امضاء رسید و کرج به عنوان محل تأسیس انتخاب شد. حدود ۱۲۰۰ کارگر برای احداث این طرح استخدام شدند، اما با ورود متفقین به ایران طرح نیمه‌کاره متوقف شد.

به دلیل نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ این طرح راکد ماند، اما با آغاز برنامه‌های عمرانی طی دهه ۴۰ شمسی؛ سیاست تأسیس صنایع مادر مجدداً مطرح شد و نهایتاً در سال ۱۳۴۴ با انعقاد قراردادی با دولت شوروی سابق در مقابل تحویل گاز طبیعی به مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار؛ برنامه ساخت ذوب‌آهن در دستور کار قرار گرفت.

با تشکیل سازمان ذوب‌آهن بر اساس مصوبه مجلس





راهندازی این کارخانه از سراسر ایران نیروی انسانی ماهر و غیرماهر برای آموزش‌های لازم و کار در این کارخانه جذب شدند که بعدها این نیروهای با ارزش طی دوره‌های مختلف بخش مهمی از متخصصان و مدیران توانمند در صنایع دیگر کشور شدند.

اغلب نیروی کار صنایع جدید طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ از روستاها تامین می‌شد. ۵۹ درصد کارگران شاغل در صنایع جدید و صنعت ذوب‌آهن نیز اغلب با اصل و نسب روستایی و یا از شهرهای اطراف اصفهان و بخشی هم از استان‌های دیگر مانند فارس، خوزستان، یزد، سیستان و بلوچستان و حتی استان‌های شمالی کشور بودند.

تأسیس ذوب‌آهن همچنین تأثیر زیادی بر تغییر بافت جمعیتی اصفهان (مهاجرت) و مباحث کارگری داشت. شمار کارمندان و کارگران شاغل در ذوب‌آهن اصفهان و صنایع مرتبط با آن بنا بر آمارها در آستانه سال ۱۳۵۷ به ۶۰ هزار نفر رسید که شامل ۵۲ هزار کارگر و ۸ هزار مهندس و تکنسین بود.

این آمارها نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه ذوب‌آهن اصفهان در صنایع ایران است و به حق می‌توان گفت که این شرکت؛ مادر صنعت و دانشگاهی بزرگ برای تربیت نیروی انسانی جهت صنایع دیگر کشور است. ذوب‌آهن اصفهان طی بیش از نیم قرن فعالیت خود در ابعاد مختلف فرازونشیب‌های زیادی داشته و علیرغم موفقیت‌ها و افتخارات ارزشمند با چالش‌های مختلفی نیز روبه‌رو بوده است.

بخشی از افتخارات این مادر صنعت:

- دانشگاهی بزرگ و تربیت نیروی انسانی متخصص به طوری که رقم دانش‌آموختگان این مادر صنعت به ده‌ها هزار نفر (بیش از صد هزار نفر) می‌رسد.
- کمک به رشد و توسعه صنایع کشور به ویژه

صنعت فولاد همچون ساخت فولاد مبارکه، فولاد خراسان، فولاد سبا، فعال کردن معادن سنگ آهن و زغالسنگ و ده‌ها کارخانه و پروژه مهم و زیرساختی.

- ساخت قطعات و تجهیزات مهم سنگین و نیمه‌سنگین صنایع و پشتیبانی‌های مهندسی و مشاوره‌ای.
- نقش آفرینی، حمایت و پشتیبانی نیروی انسانی، فنی و مهندسی، ساخت تجهیزات و ... در دوران دفاع مقدس که ثمره این حضور حماسی و اثربخش تقدیم تعداد ۲۹۰ شهید، ۱۴ هزار ایثارگر، ۸۶ آزاده و بیش از ۱۴۰۰ جانباز بوده است. این شرکت بزرگ و مادر صنعت هم‌اکنون بزرگ‌ترین جامعه ایثارگری را در صنایع کشور به خود اختصاص داده است.
- تولید محصولات فولادی با کیفیت و کسب موفقیت‌های صادراتی در این زمینه.
- ایجاد بزرگ‌ترین جنگل دست‌کاشت در سطح کشور به میزان ۱۶ هزار هکتار و ...
- مهمترین چالش‌های این شرکت:
- قطع زنجیره تولید فولاد از معدن تا تولید و عدم اجرای صحیح اصل ۴۴ و تضییع حقوق این مادر صنعت در بحث خصوصی‌سازی.
- جدا شدن مدیریت این شرکت از حوزه اصلی مرتبط صنعت کشور.
- عدم تأمین مواد اولیه که بخش مهمی از آن به خاطر قطع زنجیره تولید (در جریان روند نامناسب خصوصی شدن) و بخش دیگر عدم برنامه‌ریزی مناسب مدیریت برای تأمین مواد اولیه پایدار.
- مشکلات ساختاری در حوزه منابع انسانی، حذف نیروهای متخصص و کارآمد و دیده نشدن بخش مهمی از توانمندی‌های متخصصان و کارشناسان شرکت.

- خالی بودن حدود ۴۰ درصد ظرفیت تولید.
- عدم اجرای کامل طرح عظیم توازن و واگذاری غیرکارشناسی فولادسپا.
- به اعتقاد کارشناسان و متخصصان دلسوز ذوب‌آهن؛ حفظ تولید و موفقیت‌های تولیدی و به روز و مدرن شدن بسیاری از تجهیزات خطوط تولید نتیجه «اجرای پروژه‌های طرح توازن» طی دهه ۸۰ در این شرکت است.
- در خصوص این پروژه‌ها که با همت پولادمدان این صنعت به ثمر نشست؛ ظرفیت تولید ذوب‌آهن به ۶/۳ میلیون تن رسید. از جمله پروژه‌های اجرایی طرح بزرگ توازن می‌توان به راه‌اندازی کوره بلند ۳، کک‌سازی ۳، آگلومراسیون ۴، نیروگاه ۱۱ مگاواتی معروف به هاربین، انبار مواد خام و ماشین‌های عظیم مربوطه و ... اشاره کرد که اکثر تولید امروز ذوب‌آهن اصفهان مدیون این پروژه‌هاست.
- هم‌اکنون نیز نیاز است این حرکت مهم در موازنه مجدد با تقویت بخش فولادسازی ادامه یابد تا تولید کامل ناحیه چدن در فولادسازی و ریخته‌گری به شمش تبدیل شده و در ناحیه نورد به محصول نهایی تبدیل و بهره‌وری کامل‌تری محقق شود.
- اجرای طرح‌ها و پروژه‌هایی که بنا به نظر کارشناسان طی دهه ۹۰ تاکنون صرفه اقتصادی برای این شرکت به دنبال نداشته است.
- امید است که این مجتمع عظیم و اثرگذار با حمایت مناسب مسئولان عالی‌رتبه کشور، همت مضاعف مدیران، تلاش کارکنان سختکوش، برنامه‌ریزی بر اساس واقعیات موجود، ایجاد نگاه غیرجهت‌دار، ایفاء نقش مسئولانه در پرتو نگاه همدلانه و مشفقانه به تمام ظرفیت‌های موجود؛ به جایگاه واقعی خود دست پیدا کند.

امیر کبیر و قصه ناتمام معدن



۱۷۰ سال از قتل امیر کبیر نخستین صدراعظم ایران در زمان ناصرالدین شاه قاجار می گذرد اما به نظر می رسد که قصه اصلاحات در حداقل ترین سطح خود آنگونه که امیر بزرگ می خواست در دفتر تاریخ ایران زمین ناتمام مانده است.

محمدتقی خان فراهانی آشپزاده‌ای که به شایستگی و تلاش به مقام وزارت رسید اصلاحات زیادی در مدت سه سال وزارت خود انجام داد از تاسیس روزنامه تا حذف القاب و عناوین پرطمسراق اداری از اصلاح چاپخانه دولتی تا مبارزه با رشوه خواری. ولی آنچه که نام او را یاد و خاطره ما ایرانیان نگاه داشته تلاش برای برطرف کردن نقیصی بود که در مواجهه با غرب نمایان شده بود و آن چیزی نبود جز قدیمی بودن زیرساخت‌های آموزشی و عدم تناسب علوم آموزشی با تحولات فزاینده تمدن‌های جدید. برای تحقق این هدف، دارالفنون تاسیس شد و این سازه یکی از شاخصه‌های عینی است که امیر کبیر با آن شناخته می شود. این مدرسه که با هدف پی‌ریزی آموزش مدرن و آشنایی با تحولات تمدن غربی تاسیس شد در هفت رشته تحصیلی آغاز به کار کرد. یکی از رشته‌هایی این مدرسه نوین کانی شناسی یا معدن بود که از شانس بد نخستین استاد آن به مرض وبادر گذشت. اما گنجاندن این رشته در این مدرسه نشان از معدنی بودن این مرز و بوم و جایگاهی که معدن در آینده می توانست در اقتصاد ایران بازی کند داشت. بی دلیل نبود که در قراردادهای ننگین آن ایام با دول روس و انگلیس «بند امتیاز بهره‌برداری از کلیه معدن» به ثبت می رسید. امیر کبیر مقدمه داستان اقتصاد معدن در ایران را نوشت ولی آیا به نتیجه‌ای که انتظارش را داشت رسید؟

تن به زحمت دادیم اما نه در خور معدن

سفرنامه نویسان فرنگی که از سده ۱۷ میلادی به این سو پیشه خود را ثبت داده از مناطق مختلف کره زمین می کردند به معدنی بودن ایران اشاره می کنند. ژان شاردن جواهر فروش و جهانگرد فرانسوی بود که در روزگار صفویه وارد ایران شد. کتاب ۱۰ جلدی «سفرهای سر ژان شاردن» به عنوان یکی از بهترین کارهای پژوهشگران غربی درباره ایران و خاور نزدیک بر شمرده می شود. وی درباره معدن ایران می نویسد: فلزاتی که در ایران زیاد است عبارتند از آهن، مس و سرب، گرچه تا این زمان در کشف معدن طلا و نقره توفیق شایان حاصل نشده ... اما ایرانیان به طبع مردمانی سست و کاهلند، و در کارهای سخت تن به زحمت نمی سپارند. اگر آنان نیز مانند اروپاییان جستجوگر و فعال و پرتلاش بودند به تحقیق دل همه کوهپا را برای استخراج معدن مختلف می شکافتند. (ژان شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه: اقبال

بغایبی، ج ۲، تهران، توس، ۱۳۷۲، چ اول، ص ۷۳۱) کرزن از سیاستمداران و رجال معروف بیست و پنج سال اول قرن بیستم در بریتانیا از دیگر افرادی است که به وجود معدن در نواحی مرکزی ایران اشاره می کند و می نویسد: تحقیقات اخیر ثابت کرده است که تمامی رشته بین قم و اصفهان منابع زیرزمینی فراوان و از اقسام گوناگون دارد. سنگ آهن که شامل ۶۰ درصد فلز است و همچنین گروه‌های مس در قمصر پیدا شده است که گفته‌اند لااقل ۱۰۰،۰۰۰ تن از آن در دامنه‌های کوهستان موجود است. رگه‌های ممتاز مس و سنگ آهن در حوالی قهرود یافت می شود... (کرزن، جورج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۵، ۱۳۸۰، ص ۶۱۸)

درست است که شاردن در تفکر خود نسبت به ایرانیان زیاده روی کرده بود ولی با وجود این همه نعمت و برکت خدادای و فارغ از داستان‌های سیاسی و قومی جای آن داشت که بیش از شرایط کنونی به معدنی بودن ایران پرداختیم، به ویژه در زمانه‌ای که تکنولوژی‌های نو و دانشی فرای تصور انسان ماده‌ای جدید خلق می کند که نه نیاز به خاک دارد نه دامپ تراک نه سنگ شکن و ... روزگاری آلومینیوم با پی‌وی‌سی تهدید می شد و روزگاری فولاد با اف آر پی‌ها.

حرف آخر

با رجوع به تاریخ در می یابیم که امیر کبیر بیش از آنکه به اصلاحات موضعی و مقطعی فکر کند و با چسب زخم وضع موجود را اصلاح کند با تاسیس دارالفنون به فکر جریان سازی در اصلاحات بود جریانی که مبتنی بر دانش تخصصی باشد. در این روزها که همه داد سخن می دهند در باب معدن و جایگزینی معدن با اقتصاد نفتی و از اصلاحات در بخش معدن می گویند تا حذف مقصران وضع موجود باید پرسید که این حرف‌ها چقدر پشتوانه علمی دارد. آیا وقت آن نرسیده که با پیروی از منش بزرگانی چون امیر کبیر، عالیشان‌ها، نیازمندها، ابتهاج‌ها، توکلی‌ها و یگانه‌ها، بانکی‌ها و ... از حرف‌های پوچ و توخالی فاصله بگیریم و بگذاریم بخش معدن با علم و دانش هوای تازه‌ای بخورد؟



MIDDLE EAST
MINES & MINERAL INDUSTRIES
DEVELOPMENT HOLDING Co.



www.midhco.com



HERMANMOTOR